

إعرف الحق تعرف أهله

۲۸

سلسله پژوهش های اعتقادی

مهرورزی به اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و سنت

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی به اهل‌بیت (ع) از دیدگاه قرآن و سنت المجلد ۲۸

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مهرورزی به اهل بیت علیم السلام از دیدگاه قرآن و سنت، نگاهی به تفسیر آیه مودت/ تالیف علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق.

مشخصات نشر: قم: حقایق، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۲۹

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۴۸۳۳۱

سرآغاز ... ص: ۹

آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرة العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله، - با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللَّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللَّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللَّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللَّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵

الحمد للَّه ربّ العالمین، والصّلاهٔ والسّلام علی خیر خلقه وأشرف بریّته محمّد وآله الطیّبین الطّاهرین، ولعنهٔ اللَّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

پیش‌گفتار ... ص: ۱۵

آیات بسیاری بر امامت و ولایت عامه اهل بیت علیهم السلام پس از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله دلالت دارد. یکی از این آیات، آیه «مودّت» است که خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَٔ فِی الْقُرْبی وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهًٔ نَزِدْ لَهُ فیها حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ»؛ «۱»

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

---

(۱). سوره شورا: آیه ۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶

نوشتار پیش رو به تفسیر این آیه شریفه و بیان دلالت آن بر امامت و ولایت عامّه اهل بیت علیهم السلام پس از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله پرداخته است. در این پژوهش فقط از کتاب‌ها و منابع اهل سنّت استفاده شده است.

امید آن که مورد استفاده دانش پژوهان و پژوهش گران قرار بگیرد و وسیله‌ای برای راهنمایی شایستگانِ هدایت، بوده و ذخیره‌ای برای روز رستاخیز ما باشد؛ روزی که در آن فرزند و دارایی سودی نخواهد داشت.

این نوشتار در چند بخش تنظیم شده است:

بخش یکم: «قربی» از دیدگاه پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله؛

بخش دوم: بررسی و تصحیح سندهای روایات آیه مودت؛

بخش سوم: رد شبهه‌های مخالفان؛

بخش چهارم: نزول آیه مودت، روایت‌ها و دیدگاه‌ها؛

بخش پنجم: دلالت آیه بر امامت و سرپرستی.

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹

بخش یکم قربی از دیدگاه پیامبر اکرم (ص ...) ص: ۱۹

ذوی القربی چه کسانی هستند ...؟ ص: ۱۹

آن گاه که ما پیرو کتاب و سنّت باشیم و به راستی بخواهیم از نظر اعتقادی و عملی به آن چه در کلام خدای عزیز و رسول گرامی صلی اللَّه علیه وآله آمده است، عمل کنیم، لازم و ضروری است که به شخص پیامبر صلی اللَّه علیه وآله مراجعه کنیم و آن حضرت را در اختلاف‌های خود به داوری بپذیریم، آن سان که خداوند سبحان به این حقیقت امر فرموده است. آن جا که می‌فرماید:

«فَلا وَرَبِّکَ لایُؤْمِنُونَ حَتَّی یُحَکِّمُوکَ فیما شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لایَجِدُوا فی أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَیْتَ وَیُسَلِّمُوا تَسْلیمًا»؛ «۱»

به پروردگارت سوگند که آن‌ها ایمان نخواهند آورد مگر این که در اختلاف‌های خود تو را به داوری طلبند و پس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و به طور کامل تسلیم باشند.

---

(۱). سوره نساء: آیه ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰

از مواردی که در معنای آن اختلاف شده، آیه «مودّت» است.

خدای متعال می‌فرماید:

«ذلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فیها حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ»؛ «۱»

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد. بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم و هر کس کار نیکی انجام دهد بر نیکی‌اش می‌افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و قدردان است.

امّا پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله پیش‌تر معنای «قربی» را بیان کرده و مراد از آن را توضیح داده‌اند که در روایت‌های شیعه و اهل سنّت آمده است. بنابراین، چرا باید سخن آن حضرت پذیرفته نشود و اختلاف همچنان باقی بماند؟!

به راستی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله مراد از «قربی» را در آیه شریفه تعیین کرده است که همان خویشاوندان آن حضرت؛ یعنی حضرت

---

(۱). سوره شورا: آیه ۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱

علی، فاطمه زهرا و دو فرزند آن‌ها علیهم السلام هستند.

بنابراین، منظور از «قربی» همین بزرگوارانند؛ آن سان که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر با تعیین پیامبر همین سروران هستند.

راویان حدیث قربی ... ص: ۲۱

عدّه بسیاری از صحابه و بزرگان تابعان این روایت را در تفسیر آیه «مودّت» از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل کرده‌اند که عبارتند از:

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام؛

۲. سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام؛

۳. سبط شهید امام حسین علیه السلام؛

۴. امام سجاد علیه السلام؛

۵. امام باقر علیه السلام؛

۶. امام صادق علیه السلام؛

۷. عبداللَّه بن عباس؛

۸. عبداللَّه بن مسعود؛

۹. جابر بن عبداللَّه انصاری؛

۱۰. ابوأمامه باهلی؛

۱۱. ابوطفیل عامر بن واثله لیثی؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۲

۱۲. سعید بن جبیر؛

۱۳. مجاهد بن جبر؛

۱۴. مقسم بن بجره؛

۱۵. زاذان کندی؛

۱۶. سدّی؛

۱۷. فضّال بن جبیر؛

۱۸. عمرو بن شعیب؛

۱۹. ابن مبارک؛

۲۰. زرّ بن حبیش؛

۲۱. ابواسحاق سبیعی؛

۲۲. زید بن وهب؛

۲۳. عبداللَّه نجّی؛

۲۴. عاصم بن ضمره.

پیشوایان حدیث و تفسیر و آیه مودّت ... ص: ۲۲

نزول این آیه مبارکه درباره اهل بیت علیهم السلام را پیشوایان مشهور اهل سنّت در تفسیر، حدیث و دیگر علوم که در قرن‌های مختلف زندگی می‌کردند، نقل نموده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳

امام شافعی این روایت را به صورت قضیه‌ای مسلّم گرفته و برای آن شعری سروده که معروف است. این شعر در کتاب‌های معتبر

اهل سنّت مانند الصواعق المحرقه آمده است.

اینک اسامی برخی از آن‌ها را در ذیل می‌آوریم:

۱. سعید بن منصور (درگذشته ۲۲۷ ه)؛

۲. احمد بن حنبل شیبانی (درگذشته ۲۴۱ ه)؛

۳. عبد بن حُمید (درگذشته ۲۴۹ ه)؛

۴. محمّد بن اسماعیل بخاری (درگذشته ۲۵۶ ه)؛

۵. مسلم بن حجّاج نیشابوری (درگذشته ۲۶۱ ه)؛

۶. احمد بن یحیی بلاذری (درگذشته ۲۷۶ ه)؛

۷. محمّد بن عیسی ترمذی (درگذشته ۲۷۹ ه)؛

۸. ابوبکر بزّار (درگذشته ۲۹۲ ه)؛

۹. محمّد بن سلیمان حضرمی (درگذشته ۲۹۷ ه)؛

۱۰. محمّد بن جریر طبری (درگذشته ۳۱۰ ه)؛

۱۱. ابوبشر دولابی (درگذشته ۳۱۰ ه)؛

۱۲. ابوبکر ابن منذر نیشابوری (درگذشته ۳۱۸ ه)؛

۱۳. عبدالرحمان بن ابی حاتم رازی (درگذشته ۳۱۸ ه)؛

۱۴. هیثم بن کلیب شاشی (درگذشته ۳۳۵ ه)؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴

۱۵. ابوالقاسم طبرانی (درگذشته ۳۶۰ ه)؛

۱۶. ابوالشیخ ابن حبّان (درگذشته ۳۶۹ ه)؛

۱۷. محمّد بن اسحاق ابن منده (درگذشته ۳۹۵ ه)؛

۱۸. ابوعبداللَّه حاکم نیشابوری (درگذشته ۴۰۵ ه)؛

۱۹. ابوبکر ابن مردویه اصفهانی (درگذشته ۴۱۰ ه)؛

۲۰. ابواسحاق ثعلبی (درگذشته ۴۲۷ ه)؛

۲۱. ابونعیم اصفهانی (درگذشته ۴۲۷ ه)؛

۲۲. علی بن احمد واحدی (درگذشته ۴۶۸ ه)؛

۲۳. محیی السنّهٔ بغوی (درگذشته ۵۱۶ ه)؛

۲۴. جار اللَّه زمخشری (درگذشته ۵۳۸ ه)؛

۲۵. ملّا عمر بن محمّد بن خضر (درگذشته ۵۷۰ ه)؛

۲۶. ابوالقاسم ابن عساکر دمشقی (درگذشته ۵۷۱ ه)؛

۲۷. ابوالسعادات ابن اثیر جزری (درگذشته ۶۰۶ ه)؛

۲۸. فخر رازی (درگذشته ۶۰۶ ه)؛

۲۹. عزّالدین ابن اثیر (درگذشته ۶۳۰ ه)؛

۳۰. محمّد بن طلحه شافعی (درگذشته ۶۵۲ ه)؛

۳۱. ابوعبداللَّه انصاری قرطبی (درگذشته ۶۵۶ ه)؛

۳۲. ابوعبداللَّه گنجی شافعی (درگذشته ۶۵۸ ه)؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۵

۳۳. قاضی بیضاوی (درگذشته ۶۸۵ ه)؛

۳۴. محبّ الدین طبری شافعی (درگذشته ۶۹۴ ه)؛

۳۵. خطیب شربینی (درگذشته ۶۹۸ ه)؛

۳۶. ابوالبرکات نسفی (درگذشته ۷۱۰ ه)؛

۳۷. ابوالقاسم جزّی (درگذشته ۷۴۱ ه)؛

۳۸. علاء الدین خازن (درگذشته ۷۴۱ ه)؛

۳۹. ابوحیّان اندلسی (درگذشته ۷۴۵ ه)؛

۴۰. ابن کثیر دمشقی (درگذشته ۷۷۴ ه)؛

۴۱. ابوبکر نورالدین هیثمی (درگذشته ۸۵۲ ه)؛

۴۲. ابن حجر عسقلانی (درگذشته ۸۵۲ ه)؛

۴۳. نورالدین ابن صبّاغ مالکی (درگذشته ۸۵۵ ه)؛

۴۴. شمس الدین سخاوی (درگذشته ۹۰۲ ه)؛

۴۵. نور الدین سمهودی (درگذشته ۹۱۱ ه)؛

۴۶. جلال الدین سیوطی (درگذشته ۹۱۱ ه)؛

۴۷. شهاب الدین قسطلانی (درگذشته ۹۲۳ ه)؛

۴۸. ابوالسعود عمادی (درگذشته ۹۵۱ ه)؛

۴۹. ابن حجر هیتمی مکّی (درگذشته ۹۷۳ ه)؛

۵۰. زرقانی مالکی (درگذشته ۱۱۲۲ ه)؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۶

۵۱. عبداللَّه شبراوی (درگذشته ۱۱۶۲ ه)؛

۵۲. محمّد صبّان مصری (درگذشته ۱۲۰۶ ه)؛

۵۳. قاضی القضاة شوکانی (درگذشته ۱۲۵۰ ه)؛

۵۴. شهاب الدین آلوسی (درگذشته ۱۲۷۰ ه)؛

۵۵. صدّیق حسن خان (درگذشته ۱۳۰۷ ه)؛

۵۶. محمّد مؤمن شبلنجی (درگذشته بعد از سال ۱۳۰۸ ه).

حدیث «مودّت» در کتاب‌های معتبر ... ص: ۲۶

حدیث مودّت با متن‌های متفاوت و با سندهای گوناگون در کتاب‌های معتبر (صحیح‌ها، مسندها، معجم‌ها و منابع دیگر اهل سنّت) نقل شده است.

روایت بخاری و مسلم ... ص: ۲۶

بخاری در ذیل آیه مودّت چنین می‌نویسد:

محمّد بن بشّار، از محمّد بن جعفر، از شعبه نقل می‌کند که عبدالملك بن میسره گوید:

از طاووس شنیدم که می‌گفت: از ابن عباس درباره این آیه پرسیدند.

سعید بن جبیر با عجله گفت: منظور از قربی، آل محمّد علیهم السلام

هستند.

ابن عباس گفت: در پاسخ شتاب کردی! به راستی تیره‌ای از قریش نبود مگر این که برای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن‌ها پیوند خویشاوندی بود که آن حضرت فرمود: مگر این که خویشاوندی میان من و خودتان را حفظ کنید. «۱» این روایت را مسلم نیز؛ آن سان که حاکم نیشابوری و ذهبی تصریح کرده‌اند، روایت کرده است.

روایت احمد بن حنبل ... ص: ۲۷

احمد بن حنبل در مسند خود می‌نویسد:

عبداللَّه از پدرش، از یحیی، از شعبه، از عبدالملك بن میسره نقل می‌کند که طاووس گوید:

شخصی نزد ابن عباس آمد و درباره آیه مودّت پرسید...

در سند دیگر سلیمان بن داوود گوید: شعبه از عبدالملك نقل می‌کند که گوید:

از طاووس شنیدم که می‌گفت: مردی از ابن عباس درباره معنای آیه شریفه مودّت پرسید.

---

(۱). صحیح بخاری: ۳/ ۵۰۲، کتاب تفسیر.

سعید بن جبیر گفت: منظور از «قربی» قرابت و خویشاوندی محمّد صلی اللَّه علیه وآله است.

ابن عباس گفت: در پاسخ شتاب کردی! به راستی هیچ تیره‌ای از قریش نبود مگر این که برای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در میان آنان رابطه خویشاوندی بود. از این رو خداوند این آیه را نازل کرد:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

منظور حضرت این است که جز این که خویشاوندی میان من و خودتان را حفظ کنید. «۱» احمد بن حنبل در کتاب المناقب خود نیز چنین آورده است:

از مواردی که محمّد بن عبداللَّه سلیمان حضرمی برای ما نوشته این که حرب بن حسن طحّان از حسین اشقر، از قیس، از اعمش، از سعید بن جبیر چنین نقل کرد که ابن عباس گوید:

هنگامی که آیه مودّت نازل شد گفتند: ای رسول خدا!

---

(۱). مسند احمد: ۱/ ۲۲۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۹

خویشاوندان تو که مودّت آنان بر ما واجب است چه کسانی هستند؟

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علیٌ وفاطمهُ وابناها؛ «۱»

علی، فاطمه و دو فرزند فاطمه علیهم السلام.

روایت ترمذی ... ص: ۲۹

ترمذی نیز به نقل این روایت پرداخته و می‌نویسد:

بندار، از محمّد بن جعفر، از شعبه، از عبدالملك بن میسره این گونه نقل می‌کند: طاووس شنید که شخصی از ابن عباس درباره آیه مودّت پرسید.

سعید بن جبیر در جواب گفت: منظور از قربی، آل محمّد علیهم السلام هستند.

ابن عباس به سعید بن جبیر گفت: آیا در پاسخ شتاب می‌کنی؟! به راستی که در هر تیره‌ای از قریش برای پیامبر رابطه خویشاوندی است؛ از این رو فرمود: مگر این که خویشاوندی میان من و خودتان را حفظ کنید.

---

(۱). مناقب علی بن ابی‌طالب علیه السلام، حدیث ۲۶۳. این روایت را حافظان متعددی از اهل سنّت مانند محبّ طبری در ذخائر العقبی: ۲۵ و سخاوی در استجلاب ارتقاء الغرف: ۳۶ نقل کرده و گفته‌اند: احمد بن حنبل در المناقب آورده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۰

ترمذی در ذیل این حدیث می‌نویسد: این حدیث حسن «۱» و صحیح است. «۲»

روایت طبری ... ص: ۳۰

ابن جریر طبری این روایت را به چهار سند نقل کرده است.

سند نخست: محمّد بن عماره از اسماعیل بن ابان، از صباح بن یحیی مری، از سدّی، از ابودیلم نقل می‌کند:

هنگامی که علی بن الحسین علیهما السلام به اسارت وارد دمشق شد در ورودی شهر مردی از شامیان برخاست و گفت: سپاس خدایی را که شما را کشت، ریشه شما را برکند و دو شاخ فتنه را برید!

امام علی بن الحسین علیه السلام به او فرمود:

أقرأت القرآن؛ آیا قرآن خوانده‌ای؟

پاسخ داد: آری!

فرمود: أَفَقَرأتَ «آل حم»؟ آیا «آل حم» را خوانده‌ای؟

عرضه داشت: خوانده‌ام؛ ولی «آل حم» را نخوانده‌ام.

حضرت فرمود: آیا این آیه را نخوانده‌ای که می‌فرماید:

---

(۱). حدیث حسن در اصطلاح اهل تسنّن، خبر مسندی است که راویان آن، به درجه‌وثاقت نزدیک باشند.

(۲). صحیح ترمذی: ۵/ ۳۵۱، کتاب تفسیر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۱

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

گفت: به راستی شما همان «قربی» هستید؟!

حضرت فرمود: آری! «۱» سند دوم: ابوکریب، از مالك بن اسماعیل، از عبدالسلام، از یزید بن ابی زیاد، از مقسم نقل می‌کند که ابن عباس گوید:

روزی انصار در مقام خودستایی می‌گفتند که ما چنین و چنان کردیم.

ابن عبّاس- یا عبّاس؛ این تردید از عبدالسلام است- در پاسخ آنان گفت: ما از شما برتریم.

این سخن به سمع مبارك پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله رسید. به مجلس آن‌ها وارد شد و فرمود:

(۱). این روایت را ابوحیّان با سندی قوی و قطعی نقل کرده است، آن جا که سخن حق را یادآور شده و می‌گوید: و به همین معنا علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام قائل شده؛ آن گاه که برای اسارت به شام برده شد، به این آیه استشهاد کرد؛ البحر المحیط: ۷/ ۵۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۲

یا معشر الأنصار! ألم تکونوا أذلّة فأعزّکم اللَّه بی؟!

ای انصار! آیا شما مردمان خوار و ذلیل نبودید که خداوند به وسیله من شما را عزّت بخشید؟

عرضه داشتند: آری، ای رسول خدا!

حضرت فرمود:

ألم تکونوا ضلّالًا فهداکم اللَّه بی؟!

آیا شما گمراه نبودید پس به واسطه من خداوند شما را هدایت کرد؟

عرض کردند: آری، ای رسول خدا!

حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهید پاسخ مرا بدهید؟

گفتند: چه بگوییم ای رسول خدا؟

فرمود: چرا نمی‌گویید: آیا قوم تو، تو را بیرون کردند و ما به تو پناه دادیم؟!

آیا نمی‌گویید: آنان تو را تکذیب کردند و ما تو را تصدیق نمودیم؟

آیا نمی‌گویید: آنان تو را تنها گذاردند و ما تو را یاری کردیم؟

ابن عباس گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله پیوسته چنین سخنانی را می‌فرمود تا این که انصار بر روی دو زانو نشسته و به پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله عرضه داشتند: تمام دارایی و آن چه که در نزد

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۳

ماست از آن خدا و رسول اوست.

در این هنگام این آیه شریفه نازل شد:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»؛

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

سند سوم: یعقوبی، از مروان، از یحیی بن کثیر، از ابوالعالیه نقل می‌کند که سعید بن جبیر درباره این آیه شریفه که «قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» گفت: منظور از «قربی» خویشاوندان رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله هستند.

سند چهارم: محمّد بن عماره اسدی و محمّد بن خلف، از عبیداللَّه، از اسرائیل از ابواسحاق نقل می‌کند که گوید: از عمرو بن شعیب درباره آیه مودّت پرسیدم.

گفت: منظور از «قربی» خویشاوندان پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله هستند. «۱» گفتنی است که ابن جریر طبری در معنای این آیه شریفه چهار دیدگاه را مطرح کرده و دیدگاه دوم را به عنوان نزول آیه شریفه درباره

---

(۱). تفسیر طبری: ۲۵/ ۱۶ و ۱۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۴

اهل بیت علیهم السلام قرار داده و روایت‌هایی را در ذیل آن نقل کرده است.

وی دیدگاه نخست را به قرابت و خویشاوندی با قریش اختصاص داده است.

بنابراین، روایت طاووس، از ابن عباس که احمد بن حنبل، بخاری و مسلم، آن را نقل کرده‌اند و حاوی سخن سعید بن جبیر است، بر نزول این آیه شریفه در خصوص اهل بیت علیهم السلام نظر دارد.

ما در مباحث آینده به دو دیدگاه دیگر نیز خواهیم پرداخت.

روایت هیثم بن کلیب ... ص: ۳۴

ابوسعید، هیثم بن کلیب شاشی نیز در این زمینه در کتاب المسند الکبیر و در بخش مسند عبداللَّه بن مسعود روایتی را از زرّ بن حبیش این گونه نقل می‌کند:

حسن بن علی بن عفّان، از محمّد بن خالد، از یحیی بن ثعلبه انصاری، از عاصم بن ابی النجود، از زرّ نقل می‌کند که عبداللَّه بن مسعود گوید:

ما در مسیری در خدمت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بودیم. ناگاه عربی با صدای بلند فریاد زد: ای محمّد!

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: این جا هستم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۵

گفت: ای محمّد! نظر تو درباره شخصی که قومی را دوست می‌دارد؛ ولی همانند آن‌ها عمل نمی‌کند چیست؟

حضرت فرمود:

المرء مع من أحبّ؛

انسان با دوستدارش همراه است.

گفت: ای محمّد! به چه چیزی دعوت می‌کنی؟

فرمود:

إلی شهادة أن لا إلّااللَّه وأنّی رسول اللَّه وإقام الصلاة وإیتاء الزکاة وصوم رمضان وحجّ البیت؛

به سوی شهادت «لا إله إلّااللَّه» و این که من رسول خدا هستم و برپا داشتن نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان و حج خانه خدا.

آن مرد گفت: آیا به این فراخوانی پاداشی را نیز می‌خواهی؟

فرمود:

لا، إلّاالمودّهٔ فی القربی؛

نه، مگر این که به خویشان مودّت و مهر ورزید.

گفت: ای محمّد! منظور تو، خویشان من است یا خویشان تو؟

فرمود:

بل أقربای؛

منظورم خویشان من است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۶

عرضه داشت: دستت را بده تا با تو بیعت کنم، چرا که خیری نیست در این که کسی تو را دوست بدارد؛ ولی خویشاوندان تو را دوست نداشته باشد. «۱»

روایت طبرانی ... ص: ۳۶

در این باره طبرانی نیز دو حدیث نقل می‌کند:

حدیث نخست: محمّد بن عبداللَّه، از حرب بن حسن طحّان، از حسین اشقر، از قیس بن ربیع، از اعمش، از سعید بن جبیر چنین نقل می‌کند:

ابن عباس گوید: هنگامی که آیه شریفه «قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا! منظور کدام خویشاوندان شماست که مهرورزی بر آن‌ها برای ما واجب است؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علیٌ وفاطمهٔ وابناهما؛ «۲»

علی، فاطمه و دو فرزند آنان.

حدیث دوم. محمّد بن عبداللَّه حضرمی، از محمّد بن مرزوق، از

---

(۱). مسند الصحابه: ۲/ ۱۲۷، حدیث ۶۶۴.

(۲). المعجم الکبیر: ۳/ ۴۷، حدیث ۲۶۴۱ و ۱۱/ ۳۵۱، حدیث ۱۲۲۵۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۷

حسین اشقر، از نصیر بن زیاد، از عثمان ابوالیقظان، از سعید بن جبیر نقل می‌کند که ابن عباس گوید:

روزی انصار در اجتماع خود گفتند: کاش برای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مالی را جمع می‌کردیم تا دستان او در امور مالی باز می‌شد و به کسی در این باره نیازی نداشت؛ از این رو به خدمت ایشان شرف‌یاب شدند و گفتند: ای رسول خدا! ما می‌خواهیم از اموال خود برای شما جمع کنیم.

در این هنگام خداوند این آیه شریفه را نازل کرد که:

«قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»؛

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

انصار با اختلاف نظر در این باره از حضور پیامبر خارج شدند.

برخی از آنان می‌گفتند: آیا ندیدید که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله چه فرمود؟ برخی دیگر نیز می‌گفتند: این سخن را به این

جهت فرمود که ما اهل بیت او را یاری کنیم و در دفاع از آن‌ها بجنگیم «... ۱»

(۱). همان: ۱۲/ ۲۶، حدیث ۱۲۳۸۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۸

روایت حاکم نیشابوری ... ص: ۳۸

حاکم نیشابوری نیز در این باره روایتی را نقل کرده و می‌گوید:

ابومحمّد حسن بن محمّد بن یحیی فرزندِ برادر طاهر عقیقی حسنی، از اسماعیل بن محمّد بن اسحاق بن جعفر بن محمّد بن علی بن الحسین نقل می‌کند که گوید: عمویم علی بن جعفر بن محمّد، از حسین بن زید، از عمر بن علی، از پدرش علی بن الحسین این گونه نقل کرد:

آن گاه که علی علیه السلام کشته شد، حسن بن علی علیهما السلام برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و پس از حمد و ثنای خدا فرمود:

لقد قُبض فی هذه اللیلة رجل لا یسبقه الأوّلون بعمل ولا یدرکه الآخِرون، وقد کان رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله وسلّم یعطیه رایته فیقاتل وجبریل عن یمینه ومیکائیل عن یساره، فما یرجع حتّی یفتح اللّه علیه...

أیّها الناس! من عرفنی فقد عرفنی، ومن لم یعرفنی فأنا الحسن بن علیّ، وأنا ابن النبیّ، وأنا ابن الوصیّ، وأنا ابن البشیر، وأنا ابن النذیر، وأنا ابن الداعی إلی اللّه بإذنه، وأنا ابن السراج المنیر، وأنا من أهل البیت الّذی کان جبریل ینزل إلینا ویصعد من عندنا.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۳۹

وأنا من أهل البیت الّذی أذهب اللّه عنهم الرجس وطهّرهم تطهیراً، وأنا من أهل البیت الّذی افترض اللّه مودّتهم علی کلّ مسلم. فقال تبارک وتعالی لنبیّه صلّی اللّه علیه وآله وسلّم: «قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبَی وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْناً» فاقتراف الحسنة، مودّتنا أهل البیت؛ «۱»

ای مردم! شخصیتی باعظمت از میان شما به سرای دیگر شتافت که نه پیشینیان بر او پیشی گرفته‌اند و نه آیندگان عظمت او را درک خواهند کرد. (او گوی سبقت را از همگان ربود). به راستی آن گاه که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله پرچم اسلام را به او می‌سپرد، در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ او می‌جنگید و دست از جنگ برنمی‌داشت مگر آن که خداوند او را فاتح و پیروز می‌نمود...

خداوند جان او را در شبی گرفت که جان وصیّ موسی در آن شب گرفته شد...

ای مردم! هر کس مرا می‌شناسد، می‌شناسد؛ و هر که مرا نمی‌شناسد بداند که من حسن، فرزند علی هستم، من فرزند پیامبر صلی اللّه علیه وآله

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۷۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۰

و فرزند وصی او هستم. من فرزند بشارت دهنده و بیم دهنده هستم.

من فرزند دعوت کننده به سوی خدا به اذن او و فرزند چراغ روشن گر هستم. من فرزند کسی هستم که جبرئیل برای ما نازل می‌شد و از نزد ما به عالم بالا، صعود می‌نمود.

من از خاندانی هستم که خداوند هر گونه رجس و پلیدی را از آن‌ها زدود و پاک و پاکیزه‌شان ساخت. من از خاندانی هستم که

خداوند بزرگ مودّت و مهرورزی به آن‌ها را واجب کرد و در قرآن بر پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: «بگو: من از شما پاداشی درخواست نمی‌کنم جز مودّت و مهربانی به خویشاوندان».

پس منظور از دریافت حسنه و نیکی، مودّت و دوستی ما خاندان رسالت است.

حاکم نیشابوری در تفسیر این آیه شریفه در بخش تفسیری المستدرک علی الصحیحین چنین می‌نگارد:

بخاری و مسلم در تفسیر این آیه فقط به حدیث عبدالملك بن میسره زرّاد، از طاووس، از ابن عباس اتفاق نظر دارند که منظور از «قربی» در آیه شریفه قربای آل محمّد علیهم السلام هستند. «۱»

---

(۱). همان: ۲/ ۴۴۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۱

روایت ابونعیم اصفهانی ... ص: ۴۱

ابونُعیم اصفهانی نیز درباره این آیه، دو حدیث نقل کرده است.

حدیث نخست. ابوعبداللَّه حسین بن احمد بن علی، از حسن بن محمّد بن ابی هریره، از اسماعیل بن یزید، از قتیبهٔ بن مهران، از عبدالغفور، از ابوهاشم، از زاذان نقل می‌کند که علی علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علیکم بتعلّم القرآن وکثرهٔ تلاوته تنالون به الدرجات وکثرهٔ عجائبه فی الجنّهٔ؛

بر شما باد به آموختن قرآن و تلاوت فراوان آن، تا به وسیله آن به درجه‌ها، مقام‌ها و شگفتی‌های بسیاری در بهشت دست یابید.

آن گاه علی علیه السلام فرمود:

وفینا آل حم، إنّه لا یحفظ مودّتنا إلّاکلّ مؤمن؛

و آل حم درباره ماست. به راستی که مودّت و مهرورزی به ما را جز مؤمن، کسی حفظ نمی‌کند.

سپس این آیه کریمه را قرائت فرمود:

«قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّهَٔ فِی الْقُرْبی»؛ «۱»

---

(۱). تاریخ اصفهان: ۲/ ۱۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۲

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

حدیث دوم. ابوعبداللَّه محمّد بن احمد بن علی بن احمد بن مخلّد، از محمّد بن عثمان بن ابی شیبه، از عبادهٔ بن زیاد، از یحیی بن علاء، از امام صادق علیه السلام، از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که جابر بن عبداللَّه انصاری گوید:

روزی عربی بادیه‌نشین به خدمت پیامبر صلی اللَّه علیه وآله رسید و گفت: ای محمّد! اسلام را بر من عرضه کن!

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

تشهد أن لا إله إلّااللَّه وحده لا شریك له وأنّ محمّداً عبده ورسوله؛

شهادت می‌دهی که معبودی جز خداوند یگانه نیست که شریکی ندارد و همانا محمّد بنده و فرستاده اوست.

گفت: بر این امر، اجر و پاداشی را درخواست می‌کنی؟

فرمود:

لا، إلّاالمودّة فی القربی؛

نه، جز مودّت و مهرورزی بر نزدیکان.

گفت: نزدیکان من یا نزدیکان تو؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۳

فرمود: نزدیکان من.

عرضه داشت: بیا با تو بیعت کنم. پس بر هر کسی که تو و نزدیکانت را دوست ندارد، لعنت خدا باد.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: آمین.

ابونعیم اصفهانی در ذیل این حدیث می‌نویسد:

این حدیث، حدیثی غریب از احادیث جعفر بن محمّد است که من آن را فقط از حدیث یحیی بن علاء کوفی قاضی القضات شهر ری نوشته‌ام. «۱»

روایت ابوبشر دولابی ... ص: ۴۳

از دیگر کسانی که به این موضوع پرداخته است، ابوبشر دولابی است. وی خطبه سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام را با سندهای گوناگونی چنین نقل می‌کند:

سند اول: ابوالقاسم کهمس بن معمر به من گفت: ابومحمّد اسماعیل بن محمّد بن اسحاق بن جعفر بن محمّد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب، از عمویم علی بن جعفر بن محمّد بن حسین بن زید، از حسن بن زید بن حسین بن علی، از پدرش نقل

---

(۱). حلیة الاولیاء: ۳/ ۲۰۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۴

می‌کند که آن گاه که امیر مؤمنان علی علیه السلام کشته شد، امام حسن علیه السلام برای مردم این گونه سخنرانی کرد...

سند دوم: ابوعبداللَّه حسین بن علی بن حسین بن علی بن عمر بن حسن بن علی بن ابی طالب، از پدرش، از حسین بن زید، از حسن بن زید بن حسن- در این سند به نقل از پدرش نیامده است- وی می‌گوید:

آن گاه که علی علیه السلام کشته شد، امام حسن علیه السلام برای مردم سخنرانی کرد...

سند سوم: احمد بن یحیی أودی، از اسماعیل بن ابان ورّاق، از عمر، از جابر از ابوطفیل و زید بن وهب و عبداللَّه بن نجی و عاصم بن ضمره، از حسن بن علی علیهما السلام نقل می‌کنند که آن حضرت فرمود:

امشب شخصیّتی قبض روح شده که «... ۱»

روایت ابن عساکر ... ص: ۴۴

ابن عساکر نیز به نقل این مطلب پرداخته است.

وی می‌نویسد: ابوالحسن فرضی، از عبدالعزیز صوفی، از ابوالحسن بن سمسار، از ابوسلیمان؛...

---

(۱). الذریة الطاهرة: ۱۰۹- ۱۱۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۵

هم‌چنین ابن سمسار، از علی بن الحسن صوری، از سلیمان احمد بن ایوب طبرانی لخمی در اصفهان، از حسین بن ادریس حریری شوشتری، از ابوعثمان طالوت بن عباد بصری صیرفی، از فضّال بن جبیر نقل می‌کنند که ابوامامه باهلی گوید:

پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

خلق اللّه الانبیاء من أشجار شتّی وخلقنی وعلیّاً من شجرة واحدة، فأنا أصلها وعلیّ فرعها وفاطمة لقاحها والحسن والحسین ثمرها. فمن تعلّق بغصن من أغصانها نجا، ومن زاغ هوی.

ولو أنّ عبداً عبد اللّه بین الصفاء والمروة ألف عام ثمّ ألف عام ثمّ ألف عام ثمّ لم یدرک محبتنا لأکبه اللّه منخریه فی النار، ثمّ تلا: «قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»؛

خداوند پیامبران را از درخت‌های پراکنده آفرید و من و علی را از یک درخت خلق کرد. من ریشه آن، علی شاخه آن، فاطمه شکوفه و حسن و حسین میوه آن هستیم. پس هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های آن بیاویزد، نجات می‌یابد و آن کس که از (مسیر) آن‌ها منحرف شود هلاک خواهد شد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۶

اگر بنده‌ای خدا را در میان صفا و مروه سه هزار سال عبادت کند آن گاه محبت ما را درک نکند، خداوند او را به رو به آتش دوزخ می‌اندازد.

آن گاه حضرتش این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

«قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی».

علی بن حسن صوفی این حدیث را یک بار دیگر از راوی دیگری نقل می‌کند و می‌گوید: ابوالحسن فقیه سلمی طرسوسی، از عبدالعزیز کتّانی، از ابونصر بن جیّان، از ابوالحسن علی بن الحسن طرسوسی، از ابوالفضل عباس بن احمد خواتیمی در طرسوس، از حسین بن ادریس شوشتری نقل می‌کند «... ۱» ابن عساکر در موردی دیگر روایت خواستگاری مروان بن حکم از دختر عبداللّه بن جعفر را برای یزید- که به فرمان معاویه انجام شد- نقل می‌کند.

بنا بر این روایت، عبداللّه بن جعفر موضوع دخترش را به امام حسین علیه السلام واگذار کرد. امام حسین علیه السلام او را به ازدواج قاسم بن محمّد بن جعفر درآورد. آن حضرت در مسجد پیامبر در جمع

---

(۱). تاریخ مدینة دمشق، شرح حال امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام: ۱/ ۱۳۲ و ۱۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۷

بنی هاشم و بنی امیّه لب به سخن گشود و پس از حمد و ثنای خدا، چنین فرمود:

إنّ الإسلام دفع الخسیسة وتمّم النقیصة وأذهب اللائمة، فلا لوم علی مسلم إلّافی أمر مأثم وأنّ القرابة الّتی عظّم اللّه حقّها وأمر برعایتها وأن یسأل نبیّه الأجر لَهُ بالمودّة لأهلها: قرابتنا أهل البیت؛ «... ۱»

به راستی که اسلام کارهای فرومایه را زدود و کاستی‌ها را کامل کرد و سرزنش‌ها را از میان برد؛ اکنون هیچ سرزنشی برای مسلمان نیست مگر در گناه. به راستی خویشاوندی که خداوند حقّ آن را بزرگ داشته و به مردم رعایت آن را دستور داده و این که پیامبرش به عنوان پاداش مهرورزی به خاندانش را بخواهد؛ همان خویشاوندی ما اهل بیت است...

روایت ابن اثیر ... ص: ۴۷

ابن اثیر جزری نیز به تفسیر این آیه پرداخته است. وی در روایتی در این زمینه می‌نویسد:

---

(۱). شواهد التنزیل با تعلیقه و حاشیه علامه محمّد باقر محمودی: ۲/ ۱۴۴، و به نقل از انساب الاشراف، شرح حال معاویه و تاریخ مدینهٔ دمشق، شرح حال مروان بن حکم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۸

حکیم بن جبیر گوید: حبیب بن ابی ثابت گفت: من با بزرگانمان هم‌نشینی داشتم. روزی علی بن الحسین علیهما السلام از کنار ما می‌گذشت. میان او و گروهی از قریش درباره زنی که از آن‌ها گرفته بود و حضرتش به این پیوند راضی نبود، نزاع و کشمکش بود.

بزرگان انصار گفتند: چرا دیروز ما را به جهت اختلافی که میان تو و بنی فلان وجود داشت فرا نخواندی؟ بزرگان ما برای ما این گونه نقل کرده‌اند که روزی گروهی از قبیله‌ها خدمت رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله رسیدند و گفتند: ای محمّد! آیا اجازه می‌دهید ما بخشی از املاک و اموالی را که خداوند به خاطر تو، آن‌ها را در اختیار ما گذارده است و به وسیله تو ما را برتری داده و گرامی داشته، در اختیار شما قرار دهیم؟

در این هنگام این آیه مبارکه نازل شد که:

«قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»؛

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

این روایت را ابن منده نقل کرده است. «۱»

---

(۱). أسد الغابه فی معرفهٔ الصحابه: ۵/ ۳۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۴۹

روایت ابن کثیر ... ص: ۴۹

ابن کثیر نیز در ضمن گفتاری به تفسیر این آیه پرداخته و می‌نویسد:

قول سوم را که بخاری و دیگران نقل کرده‌اند، روایتی از سعید بن جبیر است ... و سدّی از ابودیلم نقل کرده و می‌گوید: هنگامی که علی بن الحسین علیهما السلام را به اسارت وارد شام کردند...

و ابواسحاق سبیعی نیز گوید: از عمرو بن شعیب درباره آیه شریفه مودّت پرسیدم، گفت: منظور از قربی، خویشاوندان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله هستند.

این دو روایت را ابن جریر نقل کرده است؛ آن گاه ابن جریر می‌گوید: ابوکریب از مالک بن اسماعیل، از عبدالسلام، از یزید بن ابوزیاد، از مقسم، از ابن عباس نیز روایت کرده است...

هم‌چنین این روایت را ابن ابی حاتم، از علی بن الحسین علیهما السلام، از عبدالمؤمن بن علی، از عبدالسلام، از یزید بن ابی زیاد- که از نظر نقل حدیث ضعیف است- با سند خود نظیر همین روایت و یا نزدیک به همین مضمون را نقل می‌کند.

به همین مضمون در صحیح بخاری و صحیح مسلم، در بخش غنیمت‌های جنگ حنین نقل شده؛ ولی در آن، از نزول این آیه سخنی به

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۰

میان نیامده است.

ابن ابی حاتم گوید: علی بن الحسین علیهما السلام از شخصی که نامش را ذکر کرد، از حسین اشقر، از قیس، از اعمش، از سعید بن جبیر نقل می‌کند که ابن عباس گوید:

هنگامی که آیه «قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا! اینان که خداوند به مودّت و دوستی آن‌ها امر فرموده چه کسانی هستند؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

فاطمة وولدها رضی اللَّه عنهم؛

فاطمه و فرزندان آن بانو، رضوان خدا بر آنان باد.

ابن ابی حاتم پس از نقل این حدیث می گوید:

سند این حدیث ضعیف است؛ زیرا در این حدیث فرد مبهم و ناشناخته و منکری است که از راوی شیعی متعصب؛ یعنی حسین اشقر نقل کرده است. «۱»

---

(۱). تفسیر القرآن العظیم: ۴/ ۱۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۱

روایت هیثمی ... ص: ۵۱

از کسانی که به نقل این حدیث پرداخته، حافظ علی بن ابوبکر هیثمی است. وی در این زمینه در مجمع الزوائد چند حدیث نقل کرده است.

حدیث نخست: ابن عباس گوید: آن گاه که آیه شریفه «قُل لَّا أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» فرو فرستاده شد، اصحاب عرضه داشتند: ای رسول خدا! خویشاوندان شما که مودّت و دوستی آن‌ها بر ما واجب است چه کسانی هستند؟

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علیّ وفاطمة وابناهما؛

علی، فاطمه و فرزندان آن دو.

این حدیث را طبرانی از حرب بن حسن طحّان، از حسین اشقر، از قیس بن ربیع نقل می‌کند.

هیثمی می‌افزاید: این سه راوی را، علمای رجال توثیق کرده‌اند و معتبر دانسته‌اند؛ ولی گروهی دیگر آن‌ها را تضعیف کرده‌اند. البته دیگر راویان این حدیث موثق و مورد اعتماد هستند. «۱»

---

(۱). مجمع الزوائد: ۷/ ۱۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۲

هیثمی در ادامه می‌نویسد:

این حدیث را بار دیگر طبرانی نقل کرده و می گوید:

در این سند جمعی از راویان، از نظر نقل حدیث ضعیف هستند که راوی شناسان آنان را موثق و مورد اعتماد دانسته‌اند. «۱» آن گاه طبرانی خطبه امام حسن علیه السلام را در بخش خطبه حسن بن علی علیهما السلام از ابوالطفیل این گونه نقل می‌کند:

ابوالطفیل گوید: امام حسن بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام برای ما سخنرانی کرد و پس از حمد و ستایش خدا و ثنای او، از امیر مؤمنان علی علیه السلام به عنوان آخرین وصی الهی و وصی پیامبران و امین صدّیقان و شهیدان یاد کرد و فرمود:

یا أیها الناس! لقد فارقکم رجل ما سبقه الأوّلون ولا یدرکه الآخرون. لقد کان رسول اللَّه صلی اللَّه علیه وآله یعطیه الرایهٔ فیقاتل جبریل عن یمینه ومیکائیل عن یساره فما یرجع حتّی یفتح اللَّه علیه ولقد قبضه اللَّه فی اللیلهٔ الّتی قبض فیها وصی موسی؛...

ای مردم! شخصیتی باعظمت از میان شما به سرای دیگر شتافت که نه

---

(۱). همان: ۹/ ۱۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۳

پیشینیان بر او پیشی گرفته‌اند و نه آیندگان عظمت او را درک خواهند کرد. (او گوی سبقت را از همگان ربود). به راستی آن گاه که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله پرچم اسلام را به او می‌سپرد، در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ او می‌جنگید و دست از جنگ برنمی‌داشت مگر آن که خداوند او را فاتح و پیروز می‌نمود.

خداوند جان او را در شبی گرفت که جان وصیّ موسی در آن شب گرفته شد...

آن گاه امام حسن علیه السلام چنین ادامه داد:

من عرفنی فقد عرفنی، ومن لم یعرفنی فأنا الحسن بن محمّد صلّی اللَّه علیه وآله.

ثمّ تلا هذه الآیهٔ قول یوسف: «وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَآئِی إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَقَ وَیَعْقُوبَ»؛ «۱»

هر کس مرا می‌شناسد، می‌شناسد؛ و هر که مرا نمی‌شناسد بداند که من حسن فرزند محمّد صلی اللَّه علیه وآله هستم.

آن گاه حضرتش این آیه شریفه را تلاوت فرمود که حضرت یوسف گفت: «من از آیین پدرانم، ابراهیم، اسحاق و یعقوب پیروی کردم».

---

(۱). سوره یوسف: آیه ۳۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۴

سپس امام حسن علیه السلام به آیاتی از قرآن اشاره کرد و فرمود:

أنا ابن البشیر، أنا ابن النذیر، وأنا ابن النبیّ، أنا ابن الداعی إلی اللَّه بإذنه، وأنا ابن السراج المنیر، وأنا ابن الّذی أُرسل رحمةً للعالمین، وأنا مِن أهل البیت الّذین أذهب اللَّه عنهم الرجس وطهّرهم تطهیراً، وأنا مِن أهل البیت الّذین افترض اللَّه عزّوجلّ مودّتهم وولایتهم، فقال فی ما أُنزل علی محمّد صلّی اللَّه علیه وآله: «قُل لَّاأَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی»؛

من فرزند بشارت دهنده و بیم دهنده هستم. منم فرزند پیامبرم. من فرزند دعوت کننده به سوی خدا به اذن او و فرزند چراغ روشن‌گر هستم. من فرزند کسی هستم که برای جهانیان به عنوان رحمت فرستاده شد. من از خاندانی هستم که خداوند هر گونه رجس و پلیدی را از آن‌ها زدود و پاك و پاکیزه‌شان ساخت. من از خاندانی هستم که خداوند بزرگ مودّت و مهرورزی و ولایت آن‌ها را واجب کرد و در قرآنی که بر محمّد صلی اللَّه علیه وآله فرو فرستاد فرمود: «بگو من از شما پاداشی درخواست نمی‌کنم جز مودّت و مهربانی به خویشاوندان».

هیثمی پس از نقل این روایت می‌نویسد: این روایت را طبرانی در

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۵

المعجم الاوسط و المعجم الکبیر و ابویعلی به اختصار نقل کرده‌اند. نظیر آن را بزّار نیز نقل کرده است. احمد بن حنبل شیبانی نیز با

اختصاری بیشتر این روایت را نقل کرده است.

گفتنی است که سندهای احمد بن حنبل و برخی از سندهای بزّار و طبرانی در المعجم الکبیر معتبر هستند. «۱»

روایت سیوطی ... ص: ۵۵

حافظ جلال الدین سیوطی نیز این حدیث را با چند سند از طاووس از ابن عباس- آن سان که گذشت- نقل کرده است که برخی از آن‌ها را می‌آوریم:

۱. ابن مردویه به سند ابن مبارك نقل می‌کند که ابن عباس درباره «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» گفت: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: تحفظونی فی قرابتی؛

مرا درباره خویشانم مراعات کنید.

۲. ابن جریر، ابن ابی حاتم و ابن مردویه با سند مقسم نقل می‌کنند که ابن عباس گوید: روزی انصار گفتند «... ۲»

---

(۱). همان: ۹/ ۱۴۶.

(۲). این حدیث پیش‌تر گذشت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۶

۳. طبرانی در المعجم الاوسط و ابن مردویه با سندی ضعیف نقل کرده‌اند که سعید بن جبیر گوید: روزی انصار در جمع خود گفتند «...۱» ۴. ابونعیم اصفهانی و دیلمی از طریق مجاهد نقل می‌کنند که ابن عباس گوید: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله درباره آیه مودّت فرمود:

أن تحفظونی فی أهل بیتی وتودّوهم بی؛

مرا درباره خاندانم مراعات کنید و به خاطر من به آنان مهر بورزید.

۵. ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردویه با سند ضعیف از سعید بن جبیر نقل می‌کنند که ابن عباس گفت:

هنگامی که آیه مودّت نازل شد، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! منظور از خویشان شما که مودّت به آن‌ها واجب است چه کسانی هستند؟

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

علیٌ وفاطمة وولداها؛

علی، فاطمه و دو فرزند او علیهم السلام.

۶. سعید بن منصور گوید: از سعید بن جبیر درباره آیه مودّت پرسیدم که منظور از قربی چه کسانی هستند؟

---

(۱). ر. ك: صفحه ۳۷ از همین کتاب.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۷

گفت: خویشان رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله.

۷. ابن جریر از ابودیلم نقل می‌کند که گوید:

هنگامی که علی بن الحسین علیهما السلام به اسارت وارد دمشق شد «... ۱» آن گاه سیوطی به نقل حدیث ثقلین و دیگر احادیثی که درباره سفارش پیامبر به پیروی از اهل بیت علیهم السلام و بر حذر داشتن از بغض و کینه ورزی با آن‌هاست، می‌پردازد «... ۲»

روایت آلوسی ... ص: ۵۷

دانشمند دیگری از اهل سنّت که پیرامون آیه مودّت سخن به میان آورده، آلوسی است. وی در تفسیر روح المعانی می‌نویسد:
گروهی از علما در معنای آیه مودّت چنین اظهار نظر کرده‌اند که منظور پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله این بود که من از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم مگر مهرورزی شما به اهل بیت و خویشان من.
و در کتاب بحر المحیط آمده است: این گفته ابن جبیر، سدّی و عمرو بن شعیب است.

---

(۱). ر. ک: صفحه ۳۰ از همین کتاب.
(۲). الدر المنثور: ۶/ ۶ و ۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۸
آن گاه آلوسی به توضیح واژگان آیه (نکات ادبی) آن می‌پردازد و می‌نویسد:
حرف «فی» در آیه به معنای «ظرف مجازی» است و واژه «قربی» به معنای أقرباء؛ یعنی خویشاوندان است و جار و مجرور در جای حال قرار گرفته است؛ بنابراین، معنای آیه این گونه می‌شود:
من از شما هیچ پاداشی درخواست نمی‌کنم جز مودّت و مهرورزی ثابت و استوار نسبت به خویشان من [و برای افاده این معنا کلمه «فی» آمد و] نفرمود: «إلّا مودة القربی».
سپس آلوسی به نقل روایت مرفوعه‌ای می‌پردازد و می‌نگارد:
ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردویه با استناد به ابن جبیر نقل می‌کنند که ابن عباس گوید: هنگامی که آیه مودّت نازل شد ...
آلوسی در ذیل این حدیث می‌نویسد: آن سان که جلال الدین سیوطی در الدرّ المنثور گفته، سند این روایت ضعیف است.
از طرفی، ابن حجر عسقلانی در کتاب الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف به ضعف سند این حدیث تصریح کرده است.
هم‌چنین وی می‌گوید که اگر این روایت صحیح بود، آن چنان که در صحیح بخاری و مسلم و دیگر منابع آمده است و گذشت، ابن عباس نمی‌گفت: ای ابن جبیر در پاسخ شتاب کردی، ... مگر این که بگوییم گروهی از
سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۵۹
اهل بیت روایاتی نقل کرده‌اند که این معنا را تأیید می‌کند؛ از جمله ابن جریر روایت کرده که ابودیلم گوید: هنگامی که حضرت علی بن الحسین علیهما السلام را به اسارت وارد شهر شام کردند...
در روایت دیگری زاذان از علی علیه السلام چنین نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:
فینا فی آل حم آیةٌ لا یحفظ مودّتنا إلّامؤمن؛
درباره ما در سوره آل حم، آیه‌ای است که اشاره دارد به این که مودّت و دوستی ما را جز مؤمن نگاه نمی‌دارد.
آن گاه علی علیه السلام این آیه شریفه را قرائت کرد.
کمیت شاعر نیز در سروده خود به این سخن اشاره می‌کند و می‌سراید:
وجدنا لکم فی آل حم آیة تأوّلها منّا تقیّ ومعربُ
در سوره آل حم آیه‌ای وجود دارد که همه ما نزول آن را درباره شما می‌دانیم.
آلوسی در ادامه می‌نویسد: در این زمینه چه زیبا سروده است، سیّد عمر هیتی یکی از سادات معاصر، آن جا که گوید:

بأيّة آية يأتي يزيدُ غداة صحائفُ الأعمال تُتلى

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۰

وقام رسول ربّ العرش يتلو وقد صمّت جميع الخلق «قل لا»؛

یزید در روز قیامت به هنگام قرائت نامه اعمال، با کدامین آیه خواهد آمد؛ در حالی که فرستاده پروردگار عرش، در هنگام سکوت همه مردم این چنین تلاوت می‌کند که «قل لا».

روشن است که خطاب در این آیه، همه امّت را در بر می‌گیرد، نه فقط انصار را؛ گرچه برخی چنین توهّم کرده‌اند؛ چرا که همه مردم به مودّت و دوستی اهل بیت علیهم السلام مکلّف و موظّف هستند.

آن گاه آلوسی از مسلم نیشابوری، ترمذی و نسائی حدیث ثقلین و برخی از احادیث مناقب اهل بیت علیهم السلام را نقل کرده و می‌گوید:

روایات دیگری در این باره نقل شده است که به جهت فراوانی قابل شمارش نیستند. «۱»

روایت شوکانی ... ص: ۶۰

شوکانی با نقل روایات بیشتری به تفسیر این آیه پرداخته است؛ همان روایاتی که ما از الدرّ المنثور نقل کردیم. از جمله حدیثی است که پیشوایان حدیث با سند مقسم از ابن عباس نقل کرده‌اند.

---

(۱). روح المعانی: ۲۵/ ۳۱ و ۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۱

شوکانی پس از نقل این حدیث می‌نویسد: یکی از راویان این حدیث یزید بن ابی زیاد است که از جهت نقل روایت ضعیف است.

شوکانی بار دیگر به روایت ابونعیم اصفهانی و دیلمی با سند مجاهد از ابن عباس می‌پردازد و درباره سند آن، اشکالی نمی‌کند. آن گاه به روایت کسانی که با سند سعید بن جبیر از ابن عباس نقل می‌کنند، پرداخته و در ذیل آن می‌نویسد: سیوطی گفته است: سند این روایت ضعیف است.

شوکانی در ادامه به تعارض میان خبرهایی که از ابن عباس نقل شده، می‌پردازد و روایاتی را که در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم آمده ترجیح داده و می‌نویسد:

خداوند آل محمّد علیهم السلام را به جهت فضایل بسیار و امتیازات ارزشمندی که به آنان ارزانی داشته از این مودّت بی‌نیاز ساخت که ما برخی از این امتیازات را به هنگام تفسیر آیه تطهیر بیان کردیم. «۱»

نکته قابل توجه ... ص: ۶۱

دانشمندان اهل سنّت تلاش کرده‌اند تا خطبه امام حسن علیه السلام را به صورت کامل نقل نکنند و حتی به صورت ناقص که می‌آورند در

---

(۱). فتح القدیر: ۴/ ۵۳۶ و ۵۳۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۲

متن خطبه تصرّف کرده‌اند. در این باره می‌توان به مسند و مناقب احمد بن حنبل شیبانی، المعجم الکبیر طبرانی، تاریخ طبری،

المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری، الکامل ابن عدی و مجمع الزوائد هیثمی مراجعه کرد. «۱» پژوهش‌گر حقایق پس از مراجعه به این منابع و تطبیق متن‌های این خطبه با یک‌دیگر، متوجه اخلاص امینان حدیث و حرص و ولع آن‌ها نسبت به حفظ و نقل بی‌کم و کاست حدیث خواهد شد (!!)

سخنان امام حسن‌علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارش ... ص: ۶۲

اینک ما به این خطبه، آن سان که ابوالفرج اصفهانی با سندهای گوناگون نقل کرده، می‌پردازیم.

وی می‌گوید: احمد بن عیسی عجلی، از حسین بن نصر، از زید بن معذل، از یحیی بن شعیب، از ابو مخنف، از اشعث بن سوار، از ابواسحاق سبیعی، از سعید بن رویم؛

هم‌چنین علی بن اسحاق مخرمی و احمد بن جعد، از عبداللّه بن عمر مشکدانه، از وکیع، از اسرائیل، از ابواسحاق، از عمرو بن حبشی؛

---

(۱). مسند احمد بن حنبل: ۱/ ۱۹۹، مناقب احمد بن حنبل، حدیث ۱۳۵ و ۱۳۶، المعجم الکبیر: ۳، حدیث‌های ۲۷۱۷- ۲۷۲۵، تاریخ طبری: ۵/ ۱۵۷، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۷۲، الکامل: ۳/ ۴۰۰، مجمع الزوائد: ۹/ ۱۴۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۳

نیز علی بن اسحاق، از عبداللّه بن عمر، از عمران بن عیینه، از اشعث بن ابواسحاق...

و محمّد بن حسین خثعمی، از عبّاد بن یعقوب، از عمرو بن ثابت نقل می‌کنند که عمرو بن ثابت گوید:

من سالی نزد ابواسحاق سبیعی رفت و آمد می‌کردم تا درباره خطبه حسن بن علی علیهما السلام از او بپرسم؛ ولی وی این خطبه را برای من بیان نمی‌کرد. روزی نزد او رفتم. هوا گرم بود. او زیر آفتاب، کلاه درازی بر سر گذارده بود؛ گویی سردرد داشت.

به من گفت: تو کیستی؟

من خود را به او معرفی کردم.

او گریست و گفت: پدر و خانواده‌ات چطور هستند؟

گفتم: خوبند.

گفت: برای چه یک سال است نزد من رفت و آمد می‌کنی؟

گفتم: خطبه‌ای را که حسن بن علی علیهما السلام پس از وفات پدر بزرگوارش ایراد کرده، می‌خواهم.

گفت: هبیرهٔ بن یریم به من از محمّد بن محمّد باغندی و محمّد بن حمدان صیدلانی، از اسماعیل بن محمّد بن علوی نقل کرد که اسماعیل گفت:

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۴

من از عمویم علی بن جعفر بن محمّد، از حسین بن زید بن علی بن حسین بن زید بن حسن از پدرش «۱» نقل کرد که گفتند:

آن گاه که امیر مؤمنان علی علیه السلام وفات یافت، امام حسن علیه السلام برای مردم چنین سخنرانی کرد:

لقد قُبض فی هذه اللیلهٔ رجل لم یسبقه الأوّلون ولا یدرکه الآخرون بعمل، ولقد کان یجاهد مع رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله فیقیه بنفسه، ولقد کان یوجّهه برایته فیکتنفه جبریل عن یمینه ومیکائیل عن یساره، فلا یرجع حتّی یفتح اللّه علیه، ولقد توفّی فی هذه اللیلهٔ الّتی عرج فیها بعیسی بن مریم، ولقد توفّی فیها یوشع بن نون وصیّ موسی، وما خلّف صفراء ولا بیضاء إلّاسبعمائهٔ درهم بقیت من عطائه أراد أن یبتاع بها خادماً لأهله؛

در این شب شخصیّتی از دنیا رخت بربست که پیشینیان از نظر عمل و کردار بر او پیشی نگرفتند و آیندگان از نظر عمل و کردار به او نخواهند رسید، او همراه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله جهاد می‌نمود و با جان خود او را نگاه می‌داشت.

---

(۱). صاحب مقاتل الطالبین می‌گوید: در نقل‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد ولکن همگی در مضمون خبر متّفق هستند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۵

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله با پرچم خویش او را به جنگ روانه می‌ساخت؛ پس جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ، او را حفظ می‌کرد تا آن که خداوند او را پیروز می‌نمود.

او در شبی از دنیا رفت که عیسی بن مریم در آن شب عروج داده شد، یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام در آن شب از دنیا رفت.

شخصیّتی از دنیا رفت که از طلا و نقره چیزی از خود باقی نگذاشت، مگر هفتصد درهمی که خیرات و عطایای خود بود که برای تأمین خدمتگزار خانه‌اش کنار گذاشته بود.

آن گاه بغض گلویش را گرفت و اشک از دیدگانش جاری شد.

مردم نیز با آن حضرت گریستند. سپس فرمود:

أیّها الناس! من عرفنی فقد عرفنی، ومن لم یعرفنی فأنا الحسن بن محمّد صلّی اللَّه علیه وآله، أنا ابن البشیر، أنا ابن النذیر، أنا ابن الداعی إلی اللَّه عزّوجلّ بإذنه، وأنا ابن السراج المنیر، وأنا من أهل البیت الّذین أذهب اللَّه عنهم الرجس وطهّرهم تطهیراً، والّذین افترض اللَّه مودّتهم فی کتابه، إذ یقول: «وَمَن یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِیهَا حُسْناً» «۱»

فاقتراف الحسنة مودّتنا أهل البیت؛

---

(۱). سوره شورا: آیه ۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۶

ای مردم! هر کس مرا می‌شناسد، شناخته است و هر کس مرا نشناخته، من خود را معرفی می‌کنم: من حسن فرزند حضرت محمّد صلی اللَّه علیه وآله هستم. من فرزند پیامبر مژده دهنده و بیم دهنده هستم، من فرزند دعوت کننده به سوی خدا به اذن او، هستم، من فرزند چراغ روشن‌گر هستم.

من از خاندانی هستم که خداوند هر گونه پلیدی و ناپاکی را از آنان زدوده و آن‌ها را پاک و پاکیزه ساخته است؛ خاندانی که خداوند مودّت و دوستی آن‌ها را در کتابش فرض و واجب نموده است؛ آن گاه که می‌فرماید: «و هر کس کار نیکی انجام دهد بر نیکی او می‌افزاییم». پس منظور از دریافت حسنه و نیکی، مودّت و دوستی ما خاندان رسالت است.

ابومخنف در ادامه این روایت از راویان خود چنین نقل می‌کند:

آن گاه ابن عباس برخاست و در برابر امام حسن علیه السلام ایستاد و مردم را برای بیعت با آن حضرت فرا خواند.

مردم به این بیعت پاسخ مثبت دادند و گفتند: ایشان، محبوب ما و شایسته‌ترین فرد بر خلافت است.

سپس با او بیعت کردند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۶۷

آن گاه امام حسن علیه السلام از منبر پایین آمدند. «۱» گفتنی است که دانشمند شیعی، شیخ مفید رحمه اللَّه نیز با اسناد خود این خطبه را همین گونه روایت کرده است. «۲» مخفی نماند که پایان بخش این روایت، بهترین شاهد بر بطلان روایت طاووس از سعید،

از ابن عباس است.

---

(۱). مقاتل الطالبيّين: ۶۱ و ۶۲.

(۲). الإرشاد: ۲/ ۷ و ۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۱

بخش دوم بررسی و تصحیح سندهای روایات آیه مودت ... ص: ۷۱

بررسی سندهای روایات ... ص: ۷۱

ما در بخش یکم روایتی چنـد درباره آیه مودّت آوردیم که منظور از «القربی» در این آیه، همان اهل بیت علیهم السـلام بودند. البته در برخی از روایات به صراحت بیان شده بود که منظور از «القربی»، علی، فاطمه، و دو فرزند آن دو بزرگوار علیهم السلام هستند.
ما این روایت‌ها را از مهم‌ترین و مشهورترین کتاب‌های حدیثی و تفسیری اهل سنّت، از عالمان پیشین و متأخرین آن‌ها نقل کردیم.
با این بیان تمامی عالمان شیعه و اهل سنّت به طور اتفاق، نزول آیه مبارکه مودّت را درباره اهل بیت علیهم السلام می‌دانند.
اکنون راویان این روایات را بررسی می کنیم.

روایت طاووس ... ص: ۷۱

در این روایت سـعید بن جبیر به طور قطعی گفته است که منظور از «القربی» فقط اهل بیت علیهم السلام هستند. این روایت را محمّد بن
سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۲
اسماعیل بخاری، مسلم بن حجّاج نیشابوری، احمد بن حنبل شیبانی، ترمذی و دیگران نقل کرده‌اند.
ما در سند این روایت ایرادی ندیدیم، گرچه ما در این باره دیدگاه خاصی داریم که در آینده بیان خواهد شد.

روایت احمد بن حنبل ... ص: ۷۲

این روایت را احمـد بن حنبـل در بخش زیادات المناقب آورده است. گوینـده این سـخن که با عبارت «برای ما نوشت» آمـده است؛ همان قطیعی (ابوبکر ابن جعفر حنبلی درگذشته ۳۶۸ ه) می‌باشد.
قطیعی روایت‌گر کتاب‌های المسند، الزهد و المناقب احمد بن حنبل است. افرادی که از او روایت نقل کرده‌اند عبارتند از:
دارقطنی، حاکم نیشابوری، ابن رزقویه، ابن شاهین، برقانی، ابونعیم اصفهانی و دیگر پیشوایان علم و دانش اهل سنّت.
دارقطنی این راوی را معتبر دانسـته و گویـد: قطیعی، فرد مورد اعتماد، زاهـد و قـدیمی است. شـنیده‌ام که وی مسـتجاب الدعوه بوده است.
برقانی درباره او گوید: به نظر من قطیعی در ثبت و ضبط روایت دقیق و راست‌گو بود.
روزی در نزد حاکم نیشابوری اعتبار او را زیر سؤال بردم. حاکم
سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۳
از من نپذیرفت و از قطیعی به خوبی یاد کرد و گفت: او استاد من بود.

برخی از راوی شناسان گفته‌اند: قطیعی در واپسین روزهای زندگی خویش ناتوان شده و اختلال حواس پیدا کرده بود؛ از این رو برخی در نقل روایت از او توقف کرده‌اند.

از این جاست که ذهبی در میزان الاعتدال با تصریح به راست‌گویی وی می‌نویسد:

ابوبکر احمد بن جعفر بن حمدان قطیعی راوی پذیرفته شده و راست‌گویی بود؛ گرچه اندکی دچار اختلال حواس شده بود.

خطیب بغدادی گوید: تا کنون کسی را ندیدم که احتجاج به سخنان او را ترک کند.

آن گاه ذهبی مورد اعتماد بودن قطیعی را از دارقطنی و دیگر عالمان نقل کرده و سخن کسانی را که اختلال حواس او را در واپسین لحظات عمرش مطرح کرده‌اند «۱» رد کرده است.

از راویان دیگر این سند، محمّد بن عبداللَّه سلیمان حضرمی همان مطیّن است که در سال ۲۹۷ ه بدرود حیات گفته است.

دارقطنی درباره او می‌گوید: محمّد بن عبداللَّه فرد مورد اعتماد

---

(۱). تاریخ بغداد: ۴/ ۷۳، المنتظم: ۷/ ۹۲، سیر اعلام النبلاء: ۱۶/ ۲۱۰، میزان الاعتدال: ۱/ ۸۷، الوافی بالوفیات: ۶/ ۲۹۰ و منابعی دیگر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۴

و استواری بود.

خلیلی گوید: او حافظ و مورد اعتماد بود.

ذهبی گوید: محمّد بن عبداللَّه حضرمی، استاد، حافظ، راست‌گو و حدیث‌شناس کوفه بود.

البته درباره دیگر راویان به گونه‌ای که صحّت سند و حجیّتِ آن را اثبات کند، سخن خواهیم گفت.

روایت طبری ... ص: ۷۴

روایاتی که ابن جریر طبری به عنوان دلیل بر شأن نزول آیه مودّت درباره اهل بیت علیهم السلام نقل کرد، چهار روایت بود که جز روایت دوم، اشکالی از دیگر روایات گرفته نشده است.

سند روایت دوم چنین است:

ابوکریب، از مالک بن اسماعیل، از عبدالسلام، از یزید بن ابی زیاد، از مقسم، از ابن عباس ...

ابن کثیر می‌نویسد: همین طور ابن ابی حاتم از علی بن الحسین، از عبدالمؤمن بن علی، از عبدالسلام، از یزید بن ابی زیاد- که از نظر نقل روایت، ضعیف است- سندی نظیر و یا نزدیک به آن را روایت کرده است.

شوکانی نیز از ابن کثیر پیروی کرده؛ آن جا که پس از نقل این

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۵

روایت می‌نویسد: یکی از راویان آن، یزید بن ابی زیاد است که از نظر نقل روایت، ضعیف است.

روایت پیشوایان بزرگ اهل سنّت ... ص: ۷۵

جلال الدین سیوطی روایتی را از پیشوایان عالمان اهل سنّت مانند ابن منذر، ابن ابی حاتم و طبرانی نقل کرده و سند آن حدیث را تضعیف نموده است و شهاب الدین آلوسی نیز از او پیروی کرده است.

البته در این باره، هیثمی، ابن کثیر و ابن حجر عسقلانی از آن دو پیشی گرفته‌اند.

ابن حجر در شرح صحیح بخاری می‌نویسد:

روایتی را که سعید بن جبیر به طور قطع مطرح کرده است گاهی از خود سعید به نقل از ابن عباس به صورت مرفوع نقل شده است؛ از این رو طبرانی، ابن ابی حاتم با سند قیس بن ربیع، از اعمش، از سعید بن جبیر، از ابن عباس چنین نقل می‌کند که گوید:

هنگامی که آیه مودّت نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا! خویشاوندان واجب الاطاعه شما چه کسانی هستند...

ابن حجر در ادامه می‌گوید که سند این حدیث ضعیف است.

گروهی از مفسّران نیز به این گونه تفسیر یقین دارند و آنان به همین روایتی که طبرانی، ابن ابی حاتم از ابن عباس نقل نموده‌اند

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۶

اعتماد کرده‌اند، در حالی که اسناد این حدیث سست و بی‌ارزش است؛ زیرا برخی راویان آن، از نظر نقل حدیث، ضعیف و برخی رافضی هستند. «۱» ابن حجر در کتاب الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف در هنگام نقل این احادیث می‌نویسد:

این حدیث را طبرانی، ابن ابی حاتم، حاکم نیشابوری در کتاب مناقب الشافعی با سند حسین اشقر، از قیس بن ربیع، از اعمش، از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل کرده است؛ در حالی که حسین اشقر از نظر نقل حدیث، ضعیف و ساقط است.

ابن کثیر نیز در این باره چنین اظهار نظر کرده است: ابن ابی حاتم از علی بن الحسین، از مردی که نام برده، از حسین اشقر، از قیس، از اعمش از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می‌کند...

ابن کثیر پس از نقل این حدیث از ابن ابی حاتم، می‌نویسد: این سند، ضعیف است؛ زیرا یکی از راویان آن فرد مبهم و ناشناخته و منکر است که از بزرگ شیعی متعصب یعنی حسین اشقر نقل کرده است.

قسطلانی نیز از دیدگاه ابن کثیر پیروی کرده است. آن جا که

---

(۱). فتح الباری: ۸/ ۴۵۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۷

می‌گوید:

ابن ابی حاتم از ابن عباس نقل کرده که گوید: هنگامی که آیه مودّت نازل شد، گفتند: ای رسول خدا! کسانی که خداوند به مودّت و دوستی آنان دستور داده است، چه کسانی هستند؟

فرمود:

فاطمة وولداها علیهم السلام؛

حضرت فاطمه و دو فرزند گرامی آن بزرگوار علیهم السلام.

قسطلانی پس از نقل این حدیث گوید: ابن کثیر در ذیل این حدیث می‌نویسد: سند آن ضعیف است؛ زیرا که فرد مبهم و ناشناخته و منکری در آن وجود دارد که او فقط از شیعی متعصب یعنی حسین اشقر روایت می‌کند. «۱» هیثمی در این رابطه گوید: این روایت را طبرانی با سند حرب بن حسن طحّان، از حسین اشقر، از قیس بن ربیع نقل کرده که راوی شناسان همه این راویان را توثیق کرده‌اند؛ اما برخی دیگر آنان را ضعیف دانسته‌اند؛ ولی دیگر راویان آن مورد اعتماد هستند. «۲»

---

(۱). ارشاد الساری: ۷/ ۳۳۱.

(۲). مجمع الزوائد: ۷/ ۱۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۸

حقیقت امر در روایت‌های این بخش ... ص: ۷۸

همان گونه که ملاحظه شد، روایت‌هایی که بیان‌گر گفتار حق هستند و در کتاب‌های اهل سنّت روایت شده‌اند، بنا بر آراء و دیدگاه رجالی آن‌ها به سه قسمت تقسیم می‌گردد:

۱. روایت‌هایی که به صحّت آن‌ها اتفاق نظر دارند. این همان حدیث طاووس، از سعید بن جبیر، از ابن عباس است.

۲. روایت‌هایی که در این باب محدّثان نقل کرده‌اند و درباره سند آن اظهار نظر نکرده‌اند و حتی پیرامون آن هیچ سخنی به میان نیاورده‌اند؛ بلکه می‌توان فهمید که گریزی جز اعتراف به اعتبار این روایت‌ها نیافته‌اند؛ مانند روایت‌هایی که در آن‌ها مطرح شده که عدّه‌ای از پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله در قبال دعوتش درخواست اجر کردند ... و خطبه امام حسن علیه السلام پس از شهادت پدر بزرگوارشان و همچنین سخنان امام سجاد علیه السلام در شام و مواردی دیگر از این قبیل.

۳. روایت‌هایی که در این زمینه مطرح شده و درباره سند آن‌ها اظهار نظر شده است.

در بررسی این سه دسته از روایت‌ها می‌گوییم:

ما درباره دسته نخست دیدگاهی داریم که در آغاز بخش چهارم مطرح خواهیم کرد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۷۹

درباره دسته دوم از روایات به بیان صحت آن‌ها نیازی نیست؛ زیرا که اهل سنّت خود به این امر اعتراف و اقرار کرده‌اند.

آن چه که در صدد بررسی و بحث پیرامون آن هستیم روایت‌های دسته سوم است. ما به طور مفصل در شرح حال راویانی که در این روایت‌ها تضعیف شده‌اند با تکیه بر سخنان بزرگان جرح و تعدیل اهل سنّت، سخن خواهیم گفت تا روشن شود که همه ادعاهای آنان بی‌اعتبار و مردود است.

جایگاه راویان حدیث مودّت ... ص: ۷۹

اکنون به شرح حال این راویان می‌پردازیم:

۱. یزید بن ابی زیاد.

یزید بن ابی زیاد قرشی هاشمی کوفی، مولای عبداللّه بن حارث بن نوفل و از راویان کتاب‌های شش‌گانه صحیح اهل سنّت است.

مزّی درباره او می‌نویسد: بخاری در کتاب صحیح در بخش «لباس» پس از حدیث عاصم بن کلیب از ابوبرده چنین می‌گوید: ما به علی علیه السلام گفتیم: «قسیّه» چیست؟

و جریر از یزید در حدیث خود گوید: قسیّه همان پارچه ابریشمی و حریر راه راه است...

بخاری در بخش «بالا بردن دست هنگام تکبیر نماز» و همچنین

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۰

در بخش «آداب» روایتی را از یزید بن ابی زیاد، نقل کرده است. مسلم نیشابوری نیز روایتی را به همراه راوی دیگری از یزید بن ابی زیاد نقل کرده است و دیگر محدّثان به روایت وی استدلال کرده‌اند. «۱» گروه بسیاری از پیشوایان بزرگ اهل سنّت همچون: سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، شریک بن عبداللّه، شعبهٔ بن حجّاج، عبداللّه بن نمیر و مانند ایشان از وی روایت، نقل کرده‌اند. «۲»

ذهبی در سیر اعلام النبلاء می‌نویسد:

شعبه با همه مهارت و خبرگی که در نقد راویان دارد، از یزید بن ابی زیاد، حدیث نقل می‌کند. «۳» گفتنی است که در اعتماد بر یزید بن ابی زیاد و صحّت استدلال به حدیث او همین کافی است که نویسندگان کتاب‌های شش‌گانه صحیح و پیشوایان بزرگ

اهل سنّت از او روایت نقل کرده‌اند. افزون بر این که مسلم بن حجّاج نیشابوری در مقدمه کتاب خود می‌نویسد:

راویانی مانند عطاء بن سائب، یزید بن ابی زیاد، لیث بن ابی سلیم و مانند آن‌ها کسانی هستند که دارای خوبی، راست گویی و دریافت

---

(۱). تهذیب الکمال: ۳۲/ ۱۴۰.

(۲). همان: ۳۲/ ۱۳۷، سیر اعلام النبلاء: ۶/ ۱۲۹، تهذیب التهذیب: ۱۱/ ۲۸۷، شماره ۵۳۱.

(۳). سیر اعلام النبلاء: ۶/ ۱۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۱

علم و دانش‌اند.

عده‌ای از پیشوایان رجالی و راوی شناسِ اهل سنّت نیز یزید بن ابی زیاد را توثیق کرده‌اند.

ابن سعد می‌گوید: وی فرد مورد اعتمادی بود؛ اما در سال‌های پایانی عمرش دچار حواس پرتی شده بود و روایت‌های عجیبی نقل می‌کرد.

ابن شاهین در کتاب ثقات می‌نویسد: احمد بن صالح مصری می‌گوید: یزید بن ابی زیاد از نظر نقل حدیث، ثقه و مورد اعتماد است و در این باره سخن کسانی که از او ایراد گرفته‌اند مرا به شگفتی وانمی‌دارد و اعتماد مرا نسبت به او سلب نمی‌کند.

ابن حبّان گوید: او فردی راست‌گو بود؛ جز آن که در دوره کهنسالی حافظه‌اش کم شد و دچار حواس‌پرتی گشت و با این حال به نقل روایات می‌پرداخت؛ از این رو حدیث‌های منکری در حدیث‌های وی وارد شد.

آجری از ابوداوود چنین نقل می‌کند: سراغ ندارم کسی احادیث او را ترک کند و نقل ننماید؛ هر چند از او بهتر نزد من وجود دارد.

یعقوب بن سفیان گوید: گرچه راوی شناسان به خاطر

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۲

حواس‌پرتی یزید بن ابی زیاد از وی ایراد گرفته‌اند؛ ولی او بر عدالت و وثاقت خود باقی است؛ گرچه او مانند حکم و منصور نیست. «۱» گفتنی است که با دقت در سخنان نقّادان راویان اهل سنّت، به رغم این که یزید بن ابی زیاد از راویان کتاب‌های شش‌گانه اهل سنّت بوده، آن سان که بخاری و مسلم از او روایت نقل کرده و دیگر نویسندگان کتاب‌های شش‌گانه صحیح اهل سنّت به روایت‌های وی استدلال کرده‌اند؛ با این وجود نخستین اشکالی که بر او می‌کنند این است که می‌گویند: وی از بزرگان شیعه بوده است. «۲» اینک می‌پرسیم: منظور از شیعه چه کسانی هستند و از کجا شناخته می‌شود که یزید بن ابی زیاد از بزرگان شیعه است؟

در پاسخ می‌گویند: احادیثی که او نقل کرده بیان‌گر این معناست و اهل سنّت این احادیث را در زمره احادیث ساختگی نقل کرده‌اند؛ از جمله آن احادیث: وی از سلیمان بن عمرو بن احوص نقل می‌کند که ابوبرزه گوید: معاویه و عمرو بن عاص آوازه‌خوانی می‌کردند.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله درباره آن دو فرمود:

---

(۱). ر. ک: تهذیب التهذیب: ۶/ ۲۸۸ و ۲۸۹ و منابع دیگر.

(۲). الکامل: ۷/ ۲۷۲۹، تهذیب الکمال: ۳۲/ ۱۳۸، تهذیب التهذیب: ۱۱/ ۲۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۳

اللهم ارکسهما فی الفتنة رکساً ودعّهما فی النار دعّاً؛ «۱»

خدایا! آن‌ها را گرفتار فتنه کن و در آن واژگون نما و به سختی به سوی آتش دوزخ بینداز.

بنابر دیدگاه علمای اهل تسنّن این حدیث ساختگی است! «۲» و یا حدیثی غریب و منکر است؛ «۳» زیرا که در این حدیث، معاویه سرکرده گروه ستم پیشه «فئة باغیه» و عمرو بن عاص سرکرده نفاق، سرزنش شده‌اند؛ از این رو راوی این حدیث از بزرگان شیعه خواهد بود! حتی اگر از راویان صحاح و کتاب‌های دیگر باشد.

راوی شناسان اهل سنّت در دفاع از معاویه و عمرو بن عاص‌به اتّهام ساختگی بودن این حدیث و شیعه بودن راوی آن، بسنده نکرده‌اند؛ بلکه به تحریف متن حدیث نیز روی آورده‌اند و واژه «فلان» و «فلان» را به جای آن دو نام، قرار داده‌اند؛ از این رو احمد بن حنبل در

---

(۱). این حدیث را احمد بن حنبل در مسند: ۴/ ۴۲۱، طبرانی و بزّار؛ آن سان که در مجمع الزوائد: ۸/ ۱۲۱ آورده، نقل کرده‌اند.

(۲). ابن جوزی این حدیث را در کتاب الموضوعات آورده؛ ولی به این حدیث ایراد نگرفته‌مگر از جهت یزید بن ابی زیاد و در این باره جز این سخن اظهار نظر نکرده که «او در آخر عمرش هر آن چه به او گفته می‌شد، باور می‌کرد». از این رو سیوطی سخن او را پی گرفته است که در آینده خواهیم گفت.

(۳). میزان الاعتدال: ۴/ ۴۲۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۴

مسند می‌نویسد:

عبداللَّه گوید: از پدرم، از عبداللَّه بن محمّد- من از عبداللَّه بن محمّد بن ابی شیبه شنیدم- از محمّد بن فضیل، از یزید بن ابی زیاد، از سلیمان بن عمرو بن احوص نقل می‌کند که گوید: ابوهلال صاحب این خانه به من گفت:

از ابوبرزه شنیدم که می‌گفت: روزی در سفری همراه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بودیم. شنیدیم که دو مرد آوازه خوانی می‌کنند و یکی به دیگری به آواز پاسخ می‌دهد...

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: بنگرید این‌ها چه کسانی هستند؟

گفتند: فلانی و فلانی!

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اللهم ارکسهما فی الفتنة رکساً ودعاهما إلی النار دعّاً؛

خدایا! آن‌ها را گرفتار فتنه کن و در آن واژگون نما و به سختی به سوی آتش دوزخ بینداز.

گویی همین مقدار از تحریف، سوزش کینه و دشمنی آنان را شفا نبخشیده، یا این تحریف به جهت ایجاد ابهام انجام شده است که این

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۵

تحریف، مقدمه‌ای می‌شود برای محدّث دیگری تا بیاید و به جعل حدیث دست بزند و دو واژه فلان و فلان را بردارد و به جای آن‌ها معاویه و عَمرو دیگری را قرار دهد.

جلال الدین سیوطی- پس از آن که این خبر ساختگی را از ابویعلی نقل می‌کند و سخن ابن جوزی را پی می‌گیرد، آن جا که می‌گوید:

این حدیث جعلی نیست؛ چرا که احمد بن حنبل در مسند خود این حدیث را آورده و برای این حدیث از حدیث ابن عباس نیز شاهدی است، طبرانی نیز در المعجم الکبیر این حدیث را نقل کرده- می‌نویسد:

ابن قانع در معجم خود، از محمّـد بن عبدوس کامل، از عبداللَّه بن عمر، از ابوالعباس سـعید تیمی، از سـیف بن عمر، از ابوعمر مولی ابراهیم بن طلحه، از زید بن اسلم، از صالح نقل می کند که شقران گوید:

شبی همراه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله در سفری بودیم. ناگاه پیامبر صدایی را شنید و فرمود: این صدای کیست؟

من رفتم ببینم چه کسی آوازه‌خوانی می کند. دیدم معاویهٔ بن رافع و عمرو بن رفاعهٔ بن تابوت آوازه خوانی می کنند.

نزد پیامبر آمدم و جریان را باز گفتم. پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۶

اللهمّ ارکسهما ودعّهما إلی جهنّم دعّاً؛

خدایا! آن‌ها را گرفتار فتنه کن و به سختی به سوی آتش دوزخ بینداز.

راوی می گوید: در اثر این نفرین عمرو بن رفاعه پیش از آن که پیامبر از سفر باز گردد، از دنیا رفت.

جلال الدین سیوطی در ادامه می‌نویسد:

ایـن روایـت اشـکال را از بین برد و روشن کرد که در حـدیث نخست در واژه «ابن العـاص» اشـتباه رخ داده است که او «ابن رفـاعه» یکی از منافقان بود و معاویـهٔ بن رافع نیز یکی از منافقان به شـمار می‌رفت و خـدا داناتر است. «۱» گفتنی است که خود سـیوطی نیز واقعیت مطلب و حقیقت آن را می‌داند، وگرنه خود را به نادانی نمی‌زد. پاسخ سیوطی را از دو جهت می‌توان داد:

۱. حدیث نخست اشکالی نداشت و یا در آن اشتباهی رخ نداده بود تا اشتباه برطرف شود، نهایت چیزی که می‌توان گفت این است که در مسـند احمد بن حنبل، واژه فلان و فلان به جای معاویه و عمرو آمده بود و سیوطی مانند دیگر عالمان می‌داند که این حدیث تحریف شده،

(۱). اللآلی المصنوعه: ۱/ ۴۲۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۷

اگر از روی عمـد نباشـد، از روی خطا خواهد بود؛ چرا که او در ایراد بر حدیث با ابن جوزی موافقت نکرده است؛ بلکه شواهدی را برای صحّت حدیث آورده است.

۲. اگر بپـذیریم که در حـدیث نخست ابهـام و اشـکالی وجود دارد، آیـا می‌توان این ابهـام و اشـکال را بـا حـدیثی که به طور مطلق سنـدش مورد پسند هیـچ کس نیست از میـان برد؛ چرا که یکی از راویان این حـدیث سیف بن عمر است که اینک به سخنانی که عالمان رجالی درباره وی گفته‌اند نگاهی گذرا می‌نماییم.

ابن معین می گوید: سیف بن عمر از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابوحاتم می گوید: حدیث او متروک است.

ابوداوود گوید: حدیث او ارزشی ندارد.

نسائی و دارقطنی او را از نظر نقل حدیث، ضعیف می‌دانند.

ابن عدی نیز درباره وی می گوید: برخی از احادیث او مشهور است؛ ولی عموم احادیث او منکر و قابل استناد نیستند.

ابن حبّان می‌نویسد: سیف، روایات ساختگی از راویان مورد اعتماد نقل می کند. می گویند: او حدیث جعل می کرد و به زندیق بودن متّهم شده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۸

برقانی از دارقطنی نقل کرده که سیف، فردی متروک بوده است.

حاکم نیشابوری نیز درباره او اظهار نظر کرده و گفته: سیف به زندیق بودن متهم است و روایات او اعتبار ندارد.

شگفت این که سیوطی خود احادیث او را رد می کند و می گوید:

سیف، جاعل حدیث بود. «۱» اینک پژوهش گر با انصاف با دقت در آن چه که آوردیم ملاحظه خواهد کرد که چگونه حدیثی را که اهل سنّت از شخصی که صاحبان کتاب‌های شش گانه صحیح از او روایت کرده و بر او اعتماد نموده‌اند، رد می کنند؛ چرا که این حدیث در سرزنش پسر هند و پسر نابغه می‌باشد و آنان پیروان آن دو هستند.

از طرفی، این حدیث را در برابر حدیثی قرار می‌دهند که درباره راوی آن اتفاق نظر کرده‌اند که اعتبار ندارد و او را به جعل حدیث و زندیق بودن متّهم کرده‌اند. بنگرید که چگونه با دین و سنّت رسول رب العالمین بازی می کنند.

گمان نکنید که این گونه بازی با دین و سنّت فقط در بخش‌های فضائل و مثالب (عیب‌ها و ایرادها) به کار می‌برند؛ بلکه این روش را در

---

(۱). اللآلی المصنوعه: ۱/ ۱۹۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۸۹

اصول اعتقادی، اصول فقه و فقه نیز به کار برده‌اند.

اینک به بحث خود باز می گردیم و می گوییم: یزید بن ابی زیاد در نزد اهل سنّت، مورد اعتماد است و از راویان کتاب‌های شش گانه صحیح بوده و او هیچ ایرادی ندارد جز این که درباره برخی از زشتی‌های پیشوایان آنان روایت نقل کرده است؛ از این رو، او را از بزرگان شیعه شمرده‌اند؛ در صورتی که شیعه؛ بلکه رافضی بودنِ راوی- طبق اصطلاح اهل سنّت- به وثاقت و مورد اعتماد بودنِ او ضرری نمی‌رساند. همان گونه که در جای خود نوشته‌اند و در موارد بسیاری بر همین مبنا عمل کرده‌اند. «۱» کوتاه سخن این که روایت یزید بن ابی زیاد درباره نزول آیه مودّت در خصوص اهل بیت علیهم السلام صحیح است.

۲. حسین اشقر.

ما در کتاب نگاهی به آیه تطهیر به گوشه‌ای از شرح حال ابوعبداللَّه حسین بن حسن اشقر فزاری کوفی پرداخته‌ایم و در آن جا گفته‌ایم که او از راویان نسائی در کتاب صحیح اوست و عالمان رجالی اهل سنّت گفته‌اند که شرطهایی را که نسائی در صحیح خود برای پذیرش روایات

---

(۱). مقدمه فتح الباری شرح صحیح بخاری: ۳۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۰

برگزیده، از شرایط بخاری و مسلم نیشابوری سخت‌تر است. «۱» از طرفی، پیشوایان بزرگ اهل سنّت مانند احمد بن حنبل شیبانی، ابن معین، فلّاس، ابن سعد و افرادی از این قبیل از حسین اشقر روایت کرده‌اند.

حافظ ابن حجر عسقلانی در شرح حال حسین اشقر از عقیلی این گونه حکایت کرده است: احمد بن محمّد بن هانی گوید: به احمد بن حنبل گفتم: آیا از حسین اشقر حدیث نقل می کنی؟

گفت: به نظر من او دروغگو نیست و آن گاه احمد بن حنبل اشاره به شیعه بودن وی نمود.

عباس بن عبدالعظیم به احمد بن حنبل گفت: او درباره ابوبکر و عمر حدیث نقل می کند.

احمد بن محمّد بن هانی گوید: من نیز به احمد بن حنبل گفتم: ای اباعبداللَّه! حسین، کتابی را در معایب ابوبکر و عمر نوشته است!

احمد گفت: عباس بن عبدالعظیم شایستگی سخن گفتن از حسین اشقر را ندارد. «۲»

(۱). تذکرة الحفّاظ: ۲/ ۷۰۰.

(۲). تهذیب التهذیب: ۲/ ۲۹۱- ۲۹۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۱

روشن است که همین عمل حسین اشقر در نوشتن کتابی در معایب ابوبکر و عمر باعث شده جز احمد بن حنبل او را تضعیف کنند.

از جوزجانی نیز درباره او چنین نقل شده که گفت: حسین اشقر غلوکننده و از دشنام دهندگان بر نیکان بود؛ «۱» از این رو می گویند: او روایت‌های منکری داشت و نظیر این تعبیرها که نشان‌گر ایراد علمای رجالی اهل سنّت در احادیث شخصی است که در فضیلت علی علیه السلام و در پستی دشمنان او روایت کرده است. در واقع در شخص چنین راوی ایراد نکرده‌اند؛ از این رو یحیی بن معین گوید:

حسین اشقر از شیعیان غلوکننده بود.

از او پرسیدند: احادیث او چگونه است؟

پاسخ داد: ایرادی ندارند.

پرسیدند: آیا وی راستگو است؟

گفت: آری! من از او روایت‌هایی نوشته‌ام. «۲» بنابراین، حسین اشقر در نزد احمد بن حنبل، نسائی، یحیی بن معین، ابن حبّان فردی ثقه و راستگویی است. تنها گناه او شیعه بودن

(۱). تهذیب التهذیب: ۲/ ۲۹۱- ۲۹۲.

(۲). همان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۲

اوست که خود اهل سنّت تصریح کرده‌اند که شیعه بودن، هیچ ضرری بر مورد اعتماد بودن راوی ندارد.

گفتنی است که آن چه در این جا مهم است، راستگو بودن حسین اشقر در نزد حافظ ابن حجر عسقلانی است. وی درباره او می گوید:

حسین بن حسن اشقر فزاری کوفی، راوی راستگویی است که نسبت به مذهب شیعه متعصّب بود و غلو می کرد. وی در طبقه‌های رجالی در طبقه دهم قرار دارد و در سال ۲۰۸ هجری وفات کرد. «۱» این که ما یک بار دیگر به شرح حال حسین اشقر پرداخته‌ایم به این جهت است که تأکید کنیم که خود ابن حجر در دو مورد سخنش را نقض کرده است:

۱. او در کتاب الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف حسین اشقر را تضعیف کرده با این که در تقریب التهذیب او را به راستگویی توصیف کرده است.

۲. وی به حسین اشقر به سبب تشیع و یا رافضی بودن- طبق تعبیر خودش- ایراد گرفته با این که در مقدمه فتح الباری به صراحت گفته است که رافضی بودن- چه رسد به شیعه بودن- هیچ ضرری به وثاقت

(۱). تقریب التهذیب: ۱/ ۱۷۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۳

راوی نمی‌زند.

بدین سان ایراد ابن حجر و هم‌چنین دیگران که به پیروی از او چنین ایرادی را مطرح کرده‌اند در حدیث ما فاقد اعتبار است.

ایرادهای متفاوت ... ص: ۹۳

لازم به ذکر است که ایرادکنندگان بر روایتی که پیشوایان اهل سنّت نظیر: طبرانی، ابن ابی حاتم، ابن منذر، حاکم نیشابوری، ابن مردویه، از حسین اشقر، از قیس بن ربیع، از اعمش، از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل کرده‌اند، با تعبیرهای گوناگونی ایراد گرفته‌اند؛ از این رو جلال الدین سیوطی فقط گفته است که این سند، ضعیف است و آلوسی نیز در این اظهار نظر از وی پیروی کرده است.

ابن حجر در کتاب الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف می‌نویسد:

حسین اشقر از نظر نقل حدیث ضعیف و ساقط است.

او جز این تعبیر، در جای دیگر تعبیر دیگری ندارد؛ ولی در فتح الباری می‌نویسد: اسناد حسین، بی‌ارزش است؛ زیرا او از نظر نقل حدیث، ضعیف و رافضی است.

ابن کثیر- و به پیروی از او قسطلانی- درباره حسین اشقر می‌گویند: وی شیخ شیعی متعصبی بود. او در خصوص اسناد

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۴

ابن ابی حاتم- که در آن تعبیر: «شخص نامبرده» آمده- می‌افزاید: در این سند شخص مبهم و ناشناخته منکری وجود دارد.

هیثمی در این باره زیاده روی کرده و گوید: این روایت را طبرانی با سند حرب بن حسن طحّان، از حسین اشقر، از قیس بن ربیع نقل کرده که علمای رجالی نیز این راویان را توثیق کرده و گروه دیگری آن‌ها را تضعیف کرده‌اند و دیگر راویان این روایت، ثقه و مورد اعتماد هستند.

بنابر آن چه که در شرح حال حسین اشقر آوردیم دیگر جایی برای سخن سیوطی و آلوسی نماند. سخن ابن کثیر درباره اشقر نیز این چنین است.

اما سخن او که می‌گوید: «در این سند فرد ناشناخته و منکری وجود دارد»، باید بگوییم که اگر او همان حرب بن حسن طحّان است که ایرادی بر او وارد نیست. ما در آینده شرح حال او را خواهیم آورد و اگر آن فرد ناشناخته و منکر، راوی دیگری است؛ پس اشکال به تبعیت از آن، رفع خواهد شد؟

با این بیان سخن ابن حجر در کتاب الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف نیز ساقط می‌شود.

اما در مورد سخن او در فتح الباری می‌توان گفت که این ایراد فقط

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۵

برای اشقر وارد است، به این که او را به رافضی بودن وصف کرده و به این جهت از نظر حدیث، تضعیف نموده است و ممکن است منظور از ضعیف بودن غیر از اشقری باشد که به رافضی بودن توصیف نموده است و این دیدگاه به نظر واقع، نزدیک‌تر است. و به نظر می‌رسد منظور او قیس بن ربیع است که دیگران او را ضعیف پنداشته‌اند که اینک به شرح حال قیس بن ربیع می‌پردازیم.

۳. قیس بن ربیع.

ابومحمّد قیس بن ربیع اسدی کوفی از راویان ابوداوود، ترمذی و ابن ماجه است. «۱» عدّه بسیاری از پیشوایان حدیث، در کتاب‌های شش گانه صحیح و منابع دیگر، مانند سفیان ثوری، شعبهٔ بن حجّاج، عبدالرزّاق بن همام، ابونعیم فضل بن دکین، ابوداوود طیالسی، معاذ بن معاذ و دیگران از او روایت کرده‌اند. «۲» اکنون برخی از سخنان آنان را در توثیق، مدح و ثنای او به اختصار می‌آوریم.

(۱). ر. ک: تهذیب الکمال: ۲۴/ ۲۵، تهذیب التهذیب: ۸/ ۳۵۰ و منابع دیگر.

(۲). تهذیب الکمال: ۲۴/ ۲۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۶

ابوداوود طیالسی از شعبه چنین نقل می‌کند که از ابوحصین شنیدم که قیس بن ربیع را مدح و تمجید می‌کرد. وی می‌گوید: شعبه به ما گفت: قیس را پیش از آن که بمیرد دریابید.

عفّان گوید: به یحیی بن سعید گفتم: آیا او را به دروغ گویی متهم می‌کنید؟

گفت: نه!

عفّان گوید: قیس، فردی ثقه و مورد اعتماد بود که ثوری و شعبه او را توثیق می‌کردند.

درباره قیس، حاتم بن لیث از ابوالولید طیالسی چنین نقل می‌کند:

قیس بن ربیع فردی ثقه و مورد اعتماد بود و احادیث معتبری داشت.

احمد بن صالح گوید: به ابونعیم گفتم که درباره قیس بن ربیع چیزی در دل دارید؟

گفت: نه!

عمرو بن علی گوید: از معاذ بن معاذ شنیدم که قیس را خوب تمجید می‌کرد.

از طرفی، یعقوب بن شیبه سدوسی گوید: قیس بن ربیع در نزد همه اصحاب ما، فرد راستگویی است. کتاب وی ارزشمند است؛ ولی

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۷

جدّاً حافظه خوبی نداشت. احادیث او مضطرب، خطاهای او فراوان و روایت‌های او ضعیفند.

ابن عدی گوید: همه روایات قیس، معتبر است و سخن درباره او همان است که شعبه گفته است.

بنا بر آن چه گفته شد، چند نکته را می‌توان مطرح نمود:

۱. فرماندار بودن او، قیس فرماندار مدائن از جانب منصور بود که مردم به علّت بدرفتاری او با آنان، از وی متنفر شدند.

۲. شیعه بودن او. این مطلب را ذهبی از احمد بن حنبل نقل کرده است. «۱» ۳. وجود حدیث‌های منکر در نزد او.

حرب بن اسماعیل گوید: به احمد بن حنبل گفتم: چه چیزی باعث تضعیف قیس بن ربیع شده است؟

گفت: وی حدیث‌های منکری نقل کرده است؛ ولی گفته‌اند:

هنگامی که قیس به کهن سالی رسید، فرزندش این احادیث را در احادیث او وارد کرد و او نیز این احادیث را نقل کرد. «۲»

---

(۱). میزان الاعتدال: ۳/ ۳۹۳.

(۲). تاریخ بغداد: ۱۲/ ۴۵۶- ۴۶۲، تهذیب الکمال: ۲۴/ ۲۵- ۳۷، سیر اعلام النبلاء: ۸/ ۴۱- ۴۴، تهذیب التهذیب: ۸/ ۳۵۰- ۳۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۸

و از آن جایی که قیس ذاتاً فرد راستگو، ثقه و مورد اعتماد بود و این روایت‌ها در روایت‌های او داخل شده بود و از او نبود؛ ذهبی می‌گوید: قیس، ذاتاً فرد راستگویی است؛ ولی حافظه خوبی نداشت. «۱» حافظ ابن حجر عسقلانی درباره وی گوید: قیس، فرد راستگو بود؛ هنگامی که به سن کهن سالی رسید، دچار اختلال حواس شد و فرزندش برخی احادیث را در احادیث او وارد کرد و او نیز این احادیث را نقل کرد. «۲» بنابر آن چه گفته شد، اگر منظور ابن حجر عسقلانی در مقدمه فتح الباری تضعیف این راوی است، در واقع با این سخن، گفتار پیشین خود را نقض کرده است.

۴. حرب بن حسن طحّان

دربـاره حرب بن حسن سـخنی از عالمان رجالی نقل نشـده و مورد تضـعیف قرار نگرفته است؛ جز از جانب هیثمی، با این حال او به مورد اعتماد بودن حرب، تصریح کرده و به تضعیف کننده، اشاره‌ای نکرده و دلیل تضعیف را نیز بیان ننموده است.

---

(۱). میزان الاعتدال: ۳/ ۳۹۳.

(۲). تقریب التهذیب: ۲/ ۱۲۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۹۹

ابن ابی حاتم گوید: از پدرم درباره حرب بن حسن طحّان پرسیدم، در پاسخ گفت: او استاد حدیث است. «۱» ابن حجر نیز به نقل از ازدی درباره وی گوید: احادیث او مشکلی نداشتند.

از طرفی، ابن حبان نیز او را در زمره راویان مورد اعتماد قرار داده است.

ابن نجاشـی می‌گویـد: وی دارای کتـابی بود که از جهت اعتقـادی شـیعه بود و روایـات اهـل سـنّت را نقل می‌کرد. یحیی بن زکریا لؤلـؤی از او روایت نقـل کرده است. «۲» ناگفته نمانـد که نمی‌توان برای سـخن ازدی ارزشـی قائل شـد؛ آن سان که ذهبی تصـریح کرده و می‌گوید: نمی‌توان به سخن ازدی ارزش داد؛ چرا که به راحتی دیگران را جرح و تضعیف می‌کرد.

سخن پایانی ... ص: ۹۹

در پایان این بخش، بیان دو مطلب ضروری است.

مطلب یکم. حاکم نیشابوری خطبه امام حسن علیه السلام را از

---

(۱). الجرح والتعدیل: ۳/ ۲۵۲.

(۲). لسان المیزان: ۲/ ۱۸۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۰

فرزنـدان اهـل بیت علیهم السـلام و ذریّه پـاک پیامبر نقل کرده است. ذهبی پس از نقل این حـدیث می‌نویسـد: این حـدیث صـحیح نیست. «۱» از آن جایی که این ایراد به صورت اجمال و ابهام مطرح شـده، ارزش پاسـخگویی نـدارد و به گمان ما، ایراد او از جهت متن و مفهوم حدیث است، نه سند آن.

از طرفی، عذر ذهبی در ایراد گرفتن به مناقب و فضایل اهل بیت علیهم السلام روشن است.

مطلب دوم. ابن عسـاکر پس از نقل حـدیث ابی امامه باهلی به سـند طبرانی می‌نویسـد: این حـدیث منکر است و من آن را در کتاب طـالوت بن عبّاد نیافتم. «۲» حافظ ابوعبـداللّه گنجی این حـدیث را با همین متن با سـند طبرانی نقل می‌کنـد و می‌نویسد: این حدیث حسن «۳» و عـالی است. طبرانی نیز آن را در کتـاب المعجم خود- آن سـان که گـذشت- با سـندهای همسان نقل کرده است؛ ولی محدّث شام آن را در کتابش با سندهای پراکنده نقل

---

(۱). تلخیص المستدرک: ۳/ ۱۷۲.

(۲). تاریخ مدینهٔ دمشق، شرح حال امیرالمؤمنین علیه السلام: ۱/ ۱۰۳.

(۳). ر. ک: صفحه ۳۰ پاورقی شماره ۱ از همین کتاب.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۱

کرده است. «۱» حافظ ابن حجر عسقلانی نیز این حدیث را نقل کرده است. «۲» حاکم حسکانی نیشابوری نیز این حدیث را در شواهد التنزیل نقل کرده است؛ البته نه با سند و طریق طبرانی. «۳» روشن است که نبود آن در جزئی که در دست ابن عساکر بود؛ از حدیث طالوت بن عبّاد، ضرری به سند نمی‌زند.

از سوی دیگر منکر بودن حدیث در کدام فراز آن است؟ آیا در حدیث شجره است و یا در آن بخش از سخن رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله که فرمود: «اگر بنده‌ای خدا را سه هزار سال در میان صفا و مروه عبادت کند » «... ۴» و یا در تلاوت آیه مودّت که در این باره آمده است؟

درباره حدیث «شجره» می‌گوییم: این حدیث را گروه بسیاری از پیشوایان حدیث روایت کرده‌اند. «۵» و به این حدیث امیر مؤمنان

---

(۱). کفایهٔ الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب علیهما السلام: ۳۱۷.

(۲). لسان المیزان: ۴/ ۴۳۴.

(۳). شواهد التنزیل: ۲/ ۱۴۱.

(۴). ر. ک: صفحه ۴۵ و ۴۶ از همین کتاب.

(۵). ر. ک: نفحات الازهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار، ج ۵. در این کتاب روایاتی آمده که‌پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام از یک نور و از یک شجره آفریده شده‌اند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۲

علی علیه السلام نیز در نهج البلاغه اشاره فرموده؛ «۱» و هیچ کس نگفته که این حدیث منکر است.

روشن شد که آیه مودّت درباره علی، فاطمه و دو فرزند آن‌ها علیهم السلام نازل شده است.

و اما این که پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود: «و اگر بنده‌ای خدا را سه هزار سال در میان صفا و مروه عبادت کند » ... گمان می‌کنم منظور ابن عساکر از این که «منکر» است همین جمله باشد، که البته این سخن ارزشمندی است و معنای دقیق و ژرفی دارد. چکیده بیان آن، چنین است که مهرورزی و دوست داشتن وسیله‌ای برای پیروی و قرب و نزدیکی به خدای تعالی است؛ بنابراین، هر عملی که بدون درک حب و مهر پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله باشد، موجب تقرّب به درگاه خدا نخواهد بود و هر عملی که موجب تقرّب و نزدیکی به خداوند متعال نشود، باطل است و انجام دهنده آن از دوزخیان بوده و دوزخ بدجایگاهی است.

البته آن چه گفته شد در صورتی است که به ظاهر کلام آن حضرت تکیه کنیم؛ ولی در صورتی که سخن آن حضرت کنایه از بغض و کینه ورزی باشد، مطلب روشن‌تر است؛ چرا که بغض و کینه ورزی

---

(۱). نهج البلاغه: ۱۶۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۳

به پیامبر و خاندان او، موجب دوری از خداوند متعال خواهد بود و با این اعتقاد هیچ عملی سود نخواهد داشت.

خداوندا! ما را از مهرورزان پیامبر و خاندان او قرار ده و به وسیله آن‌ها ما را مقرّب درگاه خود قرار ده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۷

بخش سوم رد شبهه‌های مخالف ... ص: ۱۰۷

ابن تیمیّه و شبهه در آیه مودّت ... ص: ۱۰۷

صحّت حدیث‌هایی که پیرامون نزول آیه مبارکه مودّت درباره اهل بیت علیهم السلام بود، ثابت شد؛ حتی احادیثی که سندهای آن‌ها را زیر سؤال برده بودند. از این رو بعد از سقوط ادله‌ای که دست‌آویز آن‌ها بود، همه شبهه‌هایی که پیرامون این آیه مطرح کرده‌اند، رد می‌شود.

با این حال ما برخی از دیدگاه‌های اهل سنّت را در این زمینه می‌آوریم و با دلیل‌ها و شاهدهای محکم و استوار از آن‌ها پاسخ می‌دهیم؛

...« لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ»؛ «۱»

...تا کسی که باید هلاک شود، با دلیلی روشن، هلاک گردد و کسی که باید زنده شود با دلیلی واضح، زنده بماند.

---

(۱). سوره اسراء: آیه ۴۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۸

به نظر می‌رسد متعصب‌ترین اهل سنّت در مخالفت با این آیه، ابن تیمیّه است. از این رو ما دیدگاه او را پیش از همه مطرح می‌نماییم.

وی در کتاب منهاج السّنه چنین می‌نویسد:

در صحیح بخاری از سعید بن جبیر این گونه آمده است: از ابن عباس درباره آیه مودّت سؤال شد که منظور از مودّت قربی و نزدیکان، چه کسانی هستند؟

من گفتم: منظور این است که نزدیکان محمّد صلی اللَّه علیه وآله را دوست داشته باشید.

ابن عباس گفت: در پاسخ شتاب کردی! به راستی تیره‌ای از قریش نبود مگر این که برای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در آن‌ها پیوند خویشاوندی بود که آن حضرت فرمودند: «مگر این که در خویشاوندی میان من و خودتان به من مهرورزی نمایید». «۱» ابن تیمیّه پس از نقل این حدیث می‌نویسد: ابن عباس از بزرگان اهل بیت و داناترین آن‌ها به تفسیر قرآن بوده است و این تفسیر نیز از او درباره این آیه شریفه ثابت شده است.

دلیل بر این مطلب، این است که ابن عباس نگفت: «إلّا المودة لذوی القربی»؛ بلکه گفت: «إلّا المودّة فی القربی»؛ مگر نمی‌دانی

---

(۱). ر. ک: صفحه ۲۶ و ۲۷ از همین کتاب.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۰۹

آن گاه که خداوند متعال سخن از خویشاوندان پیامبر خدا به میان می‌آورد می‌فرماید:

«وَاعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِى الْقُرْبى». «۱»

در این باره گفته نمی‌شود: «إلّا المودّة فی ذوی القربی»؛ بلکه گفته می‌شود: «المودّة لذوی القربی»؛ بنابراین، چگونه می‌شود که خداوند متعال فرموده است: «إلّا المودّة فی القربی».

توضیح این سخن این است که اساساً پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله اجر و پاداشی از مردم نمی‌خواهد؛ چرا که پاداش او به عهده خداست و آن چه به عهده مسلمانان است موالات و دوستی اهل بیت است؛ ولی این دوستی با دلیل‌های دیگری جز این آیه، ثابت می‌شود و موالات ما به اهل بیت علیهم السلام چیزی از پاداش پیامبر را در بر نمی‌گیرد.

از طرفی این آیه، از آیات مکّی است و در آن موقع، علی با فاطمه ازدواج نکرده بود و هنوز وی، فرزندی نداشت. «۲» ابن تیمیّه در جایی دیگر می‌نویسد:

این که گفته می‌شود آیه مودّت درباره اهل بیت نازل شده، دروغ

(۱). سوره انفال: آیه ۴۱.

(۲). منهاج السنّه: ۴/ ۲۵- ۲۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۰

آشکاری است؛ زیرا این آیه، در سوره شورا آمده و بدون تردید سوره شورا مکّی است و پیش از ازدواج علی با فاطمه نازل شده است ... ما پیش‌تر درباره این آیه سخن گفتیم که منظور از این آیه، همان است که ابن عباس توضیح داده است ... این روایت را بخاری و دیگران نیز نقل کرده‌اند.

از طرفی، گروهی از نگارندگان سنّی و شیعه از یاران احمد بن حنبل و دیگران حدیثی را از پیامبر صلی اللّه علیه وآله این گونه نقل کرده‌اند:

هنگامی که این آیه نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا! اینان چه کسانی هستند؟

پیامبر فرمود:

علی وفاطمهٔ وابناهما؛

علی، فاطمه، و دو فرزند آن‌ها.

این حدیث به اتّفاقِ نظر اهل معرفت دروغ است! «۱» ابن تیمّیه در جای جای کتاب منهاج السنّه تکرار می‌کند که این حدیث دروغ است و این آیه در سوره شورا آمده، که این سوره مکّی است و علی در مدینه با فاطمه ازدواج کرده است و آن تفسیری که در

(۱). همان: ۴/ ۵۶۲ و ۵۶۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۱

صحیح بخاری و مسلم آمده با این حدیث تناقض دارد.

آن گاه می‌نویسد: از ابن عباس درباره آیه مودّت پرسیدند ... و پس از پاسخ ابن عباس می‌نویسد: خداوند نفرمود: «إلّا المودّهٔ للقربی» و نفرمود: «المودّهٔ لذوی القربی» آن سان که در آیه خمس فرموده است و از طرفی، پیامبر اجر و پاداشی برای تبلیغ رسالت پروردگار خویش از مردم نخواست؛ بلکه اجر و پاداش او به عهده خداوند بود. از سوی دیگر، واژه «القربی» با الف و لام تعریف آمده. پس باید مراد از «قربی» نزد مخاطبان معلوم باشد.

ابن تیمّیه می‌افزاید: ما پیش‌تر گفتیم هنگامی که این آیه نازل شد، نه حسن و نه حسین آفریده شده بودند و نه علی با فاطمه ازدواج کرده بود؛ بنابراین، قربی و خویشاوندان مورد خطاب و شناخته شده پیامبر نمی‌توانند اینان باشند؛ بر خلاف قربی و خویشاوندانی که پیش روی پیامبر بودند و نزد مردم شناخته شده و معلوم بودند. «۱»

آیه مودّت و شبهه‌های دیگر ... ص: ۱۱۱

اشارهٔ

عالمان دیگری از اهل سنّت نیز اشکال‌هایی پیرامون این آیه مطرح کرده‌اند.

(۱). همان: ۷/ ۹۵- ۱۰۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۲

ابن حجر عسقلانی در کتاب الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف به این آیه اشکال کرده که این حدیث معارض دارد. وی می‌نویسد: این حدیث با روایتی که از جهت اعتبار برتر است، معارضه دارد؛ همان حدیثی که در صحیح بخاری آمده است «... ۱» وی در فتح الباری می‌افزاید: مؤیّد دیدگاه ما این است که این سوره در مکه نازل شده است. «۲» ابن کثیر نیز در این باره اظهار نظر کرده است. وی می‌نویسد:

این که بگوییم این آیه در مدینه نازل شده بعید است؛ زیرا که این سوره مکّی است و در آن زمان فاطمه علیها السلام فرزندی نداشته است؛ زیرا با علی علیه السلام ازدواج نکرده بود؛ بلکه ازدواج آن‌ها در سال دوم هجری پس از جنگ بدر انجام شد. حقیقت این است که تفسیر این آیه همان گونه است که حبر (دانشمند) امت ابن عباس تفسیر کرده است «... ۳» قسطلانی در این باره می‌نویسد:

این آیه مکّی است و در آن زمان فاطمه علیها السلام اصلًا فرزند

---

(۱). الکاف الشاف چاپ شده به همراه کتاب الکشّاف: ۴/ ۲۲۰.

(۲). فتح الباری: ۸/ ۴۵۸.

(۳). تفسیر القرآن العظیم: ۴/ ۱۰۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۳

نداشت؛ زیرا که با علی علیه السلام پس از جنگ بدر در سال دوم هجری ازدواج کرد. بنابراین، تفسیر آیه به همان تفسیری که حبر (دانشمند) امت و ترجمان قرآن؛ یعنی ابن عباس گفته صحیح‌تر و شایسته‌تر است. «۱» شوکانی در این مورد فقط به معارضه بسنده کرده و حدیث طاووس از ابن عباس را ترجیح داده است. «۲» ابن روزبهان نیز در این باره اظهار نظر کرده و گفته است: ظاهر آیه با توجه به این معنا شامل تمامی خویشاوندان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله می‌شود. «۳» عبدالعزیز دهلوی توضیح بیشتری در این باره داده که حاصل کلام وی چنین است:

گرچه این حدیث را احمد بن حنبل و طبرانی از ابن عباس نقل کرده‌اند؛ ولی بیشتر محدّثان آن را تضعیف کرده‌اند؛ چرا که تمامی سوره شورا در مکه نازل شده است و در آن موقع حسن و حسین متولد نشده بودند و علی پس از آن با فاطمه ازدواج کرده است ...از طرفی

---

(۱). ارشاد الساری: ۷/ ۳۳۱.

(۲). فتح الغدیر: ۴/ ۵۳۷.

(۳). ابطال الباطل چاپ شده به همراه احقاق الحق: ۳/ ۲۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۴

برخی از راویانِ حدیث، از شیعیان غالی هستند؛ گرچه محدّثان آنان را به راستگویی توصیف کرده‌اند. گمان قوی این است که راوی دروغ نگفته است؛ بلکه فقط حدیث را نقل به معنا کرده است؛ چرا که در متن حدیث «اهل بیتی» آمده است. از این رو شیعیان آنان را به چهار نفر مخصوص کرده‌اند ... این معنایی که ذکر شده مناسب شأن و مقام نبوّت نیست؛ بلکه از شأن اهل دنیا است. همچنین این روایت با آیات بسیاری منافات دارد، آن جا که می‌فرماید:

«قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلّا عَلَى اللَّهِ»؛ «۱»

بگو: هر گونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط بر عهده خداست.

بنابراین، اگر خاتم پیامبران خواهان اجر و پاداش بود، لازم می‌آمد که جایگاه وی از دیگر پیامبران پایین‌تر باشد و این بر خلاف اجماع مسلمانان است. «۲» آن چه آوردیم شبهاتی است که از طرف بزرگان اهل سنت در این باره مطرح شده است. اینک به ترتیب، شبهه‌ها را پاسخ می‌دهیم.

---

(۱). سوره سبأ: آیه ۴۷.

(۲). تحفهٔ اثنا عشریه: ۲۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۵

مکی بودن سوره شورا و نبود حسنین ... ص: ۱۱۵

علیهما السلام

شبهه نخست این بود که سوره شورا مکّی است و در آن زمان حسنین علیهما السلام متولد نشده بودند.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و اساسی‌ترین شبهه در این زمینه همین شبهه است. ما درباره این شبهه در دو محور بحث می‌کنیم:

محور نخست. آیه مبارکه از دیدگاه روایات؛

محور دوم. آیه مبارکه با قطع نظر از روایات.

درباره دیدگاه نخست می‌گوییم: با توجه روایت‌های مختلفی که درباره آیه مبارکه وارد شده؛ چه روایت‌هایی که آیه را به اهل بیت علیهم السلام تفسیر کرده‌اند، یا روایت‌هایی که گفته‌اند این آیه به جهت گفتار انصار نازل شده، در هر صورت آیه، مدنی است و در مدینه نازل شده است. از این رو گروهی از عالمان گفته‌اند: سوره شورا، مکّی است جز چند آیه از آن، که در مدینه نازل شده است.

قرطبی در این باره گوید: بنابر نظر حسن، عکرمه، عطاء و جابر، سوره شورا مکّی است. ابن عباس و قتاده می‌گویند: این سوره مکّی است جز چهار آیه از آن، که در مدینه نازل شده است و آیه مودّت در

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۶

زمره این آیه‌های چهارگانه است. «۱» ابوحیّان در این باره می‌نویسد: ابن عباس می‌گوید: سوره شورا مکّی است، مگر چهار آیه از آن؛ از آیه مودّت تا پایان چهارمین آیه، در مدینه نازل شده است. «۲» شوکانی نیز می‌نویسد: از ابن عباس و قتاده روایت شده که سوره شورا مکّی است، مگر چهار آیه از آن- از جمله آیه مودّت- که در مدینه نازل شده است. «۳» آلوسی در تفسیر روح المعانی می‌نویسد: در البحر المحیط آمده است که سوره شورا مکّی است، جز چهار آیه از آن، از آیه مودّت تا پایان چهارمین آیه.

اما مقاتل گوید: در این سوره آیاتی مدنی است؛ آیه‌ای خداوند متعال می‌فرماید: «ذلِكَ الَّذِی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ» و برخی از مفسّران آیه «أَمْ یَقُولُونَ افْتَرى» را استثناء کرده‌اند؛ البته جایز است به اعتبار اغلب، اطلاق آورده شود. «۴»

---

(۱). تفسیر قرطبی: ۱۶/ ۱.

(۲). البحر المحیط: ۷/ ۵۰۷.

(۳). فتح القدیر: ۴/ ۵۲۵.

(۴). روح المعانی: ۲۵/ ۱۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۷

ما از گفتار علما در این باره به همین مقدار بسنده می کنیم. البته وجود آیه‌های مدنی در سوره‌های مکّی و یا عکس آن بسیار است و در این باره هیچ فردی، اشکالی ندارد؛ از این رو، این شبهه به روشنی دفع می‌شود.

اینک بنابر محور دوم، با قطع نظر از روایات از این شبهه پاسخ می‌دهیم.

آیه مودّت بر لزوم «مودّت قربی»؛ یعنی خویشاوندان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله دلالت دارد و مخاطب آیه، مسلمانان هستند نه دیگران.

این لزوم از آیه به ذهن متبادر است که بسیاری از پیشوایان اهل سنّت به این تبادر اذعان و اعتراف کرده‌اند از جمله:

۱. کرمانی؛ نگارنده الکواکب الدراری فی شرح صحیح بخاری.

۲. عینی؛ نویسنده عمدهٔ القاری فی شرح صحیح البخاری.

وی در شرح حدیث طاووس می‌نویسد:

چکیده سخن ابن عباس این است که همه قریش خویشاوندان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله هستند و منظور آیه، بنی هاشم و نظیر آنان نیست؛ آن سان که ذهن انسان از سخن سعید بن جبیر چنین مطالبی را

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۸

برداشت می کند.

اما این که گفتیم مخاطب این آیه مسلمانان هستند، از چند جهت می‌توان اثبات کرد، از جمله سیاق آیات است؛ چرا که خدای سبحان می‌فرماید:

«تَرَی الظّالِمینَ مُشْفِقینَ مِمَّا کَسَبُوا وَهُوَ واقِعٌ بِهِمْ وَالَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ فی رَوْضاتِ الْجَنّاتِ لَهُمْ ما یَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْکَبیرُ* ذلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی وَمَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فیها حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ* أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِبًا فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ وَیَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَیُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ إِنَّهُ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ* وَهُوَ الَّذی یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَیَعْفُوا عَنِ السَّیِّئاتِ وَیَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ* وَیَسْتَجیبُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ وَیَزیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْکافِرُونَ لَهُمْ عَذابٌ شَدیدٌ»؛ «۱»

(در روز قیامت) ستمکاران را می‌بینی که از اعمالی که انجام داده‌اند، بسیار بیمناکند و همان را که مرتکب شده‌اند، بر آنان فرود می‌آید

---

(۱). سوره شورا: آیه ۲۲- ۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۱۹

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در باغ‌های سرسبز بهشت هستند، برای آنان هر چه را که بخواهند نزد پروردگارشان فراهم است، این همان فضل بزرگ است.

این است چیزی که خدا آن را به آن بندگانش که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده می‌دهد. بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالتم] هیچ پاداشی جز مودّت نزدیکان [یعنی اهل بیتم] را نمی‌خواهم و هر کس کار نیکی کند، بر نیکی‌اش می‌افزاییم یقیناً خدا بسیار آمرزنده و عطا کننده پاداش فراوان، در برابر عمل اندک است.

بلکه [منافقان سبک مغز] می گویند: [در نزول آیه مودّت] بر خدا دروغ بسته است! پس اگر خدا بخواهد، بر دل تو مهر می‌نهد [تا از

دروغ بستن باز ایستی، ولی تو از دروغ بستن بر خدا منزهی، این تهمت بزرگ است که این بیماردلان بر تو می‌بندند] و خدا باطل را محو می کند و حق را با کلمات استوارش [و سخنان منطقی و مستدلش] پابرجا می‌سازد. به یقین او به نیّت‌ها و اسرار سینه‌ها داناست. و اوست که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از گناهان درمی گذرد و آن چه را انجام می‌دهید، می‌داند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۰

و درخواست کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، اجابت می کند و از فضل و احسانش بر آنان می‌افزاید و برای کافران عذابی سخت خواهد بود.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، آیه مودّت پس از «ذلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ» آمده است.

شاید کسی بگوید: پس از آیه مودّت، این گونه آمده است: «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِبًا».

در پاسخ وی می گوییم: منظور از این افراد، مشرکان نیستند، بلکه منظور کسانی هستند که به ظاهر مسلمان و در باطن منافق هستند. بیان‌گر این معنا گفتار بعدی خداوند متعال است که می‌فرماید:

«وَهُوَ الَّذی یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ وَیَعْفُوا عَنِ السَّیِّئاتِ وَیَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ».

بنابراین، مخاطب آیه مشرکان نیستند؛ زیرا که واژه «توبه» در قرآن کریم جز درباره مسلمانان معصیت‌کار، به کار نرفته است.

اگر کسی بپرسد که آیا در مکه منافقان نیز در شمار مسلمانان بوده‌اند؟

در پاسخ وی می گوییم: آری! در این زمینه به گفتار پژوهش گران

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۱

درباره سوره مدّثر رجوع کنید و آن را با گفتار مفسران بسنجید. «۱» بنابر آن چه گفته شد، بر تمامی مسلمانان واجب است که به اقربا و خویشاوندان پیامبر صلی اللَّه علیه وآله مهر بورزند و مودّت داشته باشند...

به راستی آیا به دوست داشتن و مودّت عموها و عموزادگان پیامبر امر شده‌ایم؟!

به طور قطع درباره مشرکانِ آن‌ها چنین امری نرسیده است، اما درباره مؤمنانِ از خویشاوندان پیامبر، به هنگام نزول آیه یا پس از آن؛ برای آنان در آن زمان، در مکّه جایگاهی مشخص نبود...

از این رو، منظور از خویشاوندان، علی علیه السلام است؛ چرا که شرک ورزان همواره بغض و کینه آن حضرت را در دل داشتند و با او به ستیز برمی‌خاستند. منافقان به او حسد می‌ورزیدند و عناد می کردند و مؤمنان، او را دوست می‌داشتند و به او مهر می‌ورزیدند.

ناگفته نماند که دو واژه «مودّت» و «یقترف» نشان‌گر همین معنا است.

پس از همه این مطالب، آن گاه که در مدینه از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله

---

(۱). در این باره می‌توانید به تفسیرهای قرآنی شیعه و اهل سنّت مراجعه کنید؛ به ویژه در تفسیر سوره مدثر، همان سوره‌ای که در نزد همه مفسران اهل سنّت، مکّی است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۲

درباره معنای واژه «قربی» در آیه مبارکه پرسیدند که منظور از اینان چه کسانی هستند؟ حضرتش فرمود:

علی وفاطمهٔ والحسن والحسین؛

علیّ، فاطمهٔ، حسن و حسین علیهم السلام.

۲. پیامبر درخواست اجر نکرد ... ص: ۱۲۲

به راستی پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله از جانب خدای سبحان در برابر تبلیغ و رسالت خویش هیچ گونه پاداشی از مردم درخواست نکرد و همانا اجر و پاداش او بر خدا بود؛ آن سان پیامبران پیشین نیز همین گونه بودند. حضرت نوح علی نبینا وآله وعلیه السلام به قوم خود چنین گفت:

«إِنّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمینٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطیعُونِ* وَما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلّا عَلی رَبِّ الْعالَمینَ»؛ «۱»

به راستی من برای شما پیامبری امین هستم. پس تقوای خدا پیشه کنید و از من اطاعت نمایید. من برای این دعوت، هیچ پاداشی نمی‌خواهم؛ پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

هود پیامبر علی نبینا وآله وعلیه السلام نیز می‌گوید:

---

(۱). سوره شعراء: آیه ۱۰۷- ۱۰۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۳

«یا قَوْمِ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِیَ إِلّا عَلَی الَّذی فَطَرَنی أَ فَلا تَعْقِلُونَ»؛ «۱»

ای قوم من! من برای رسالت خویش از شما پاداشی نمی‌خواهم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفرید، آیا نمی‌اندیشید؟!

صالح پیامبر علی نبینا وآله وعلیه السلام نیز به قوم خود چنین می‌گوید:

«إِنّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمینٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطیعُونِ* وَما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلّا عَلی رَبِّ الْعالَمینَ»؛ «۲»

به راستی من برای شما پیامبری امین هستم. پس تقوای خدا پیشه کنید و از من اطاعت کنید. من برای این دعوت، هیچ پاداشی نمی‌خواهم؛ پاداش من تنها بر پروردگار جهانیان است.

با توجه به این آیات، برخی از دانشمندان اهل سنّت پافشاری کرده‌اند که استثنا موجود در این آیات استثناء منقطع است و برخی دیگر مانند زمخشری و گروهی دیگر، جایز دانسته‌اند که استثناء هم می‌تواند متصل و هم منقطع باشد.

از سوی دیگر، پیامبر ما نیز همین گونه بودند که در ازای تبلیغ

---

(۱). سوره هود: آیه ۵۱.

(۲). سوره شعراء: آیه‌های ۱۴۳- ۱۴۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۴

رسالت خویش از مردم اجر و پاداش درخواست نکردند؛ آن سان که در آیات متعددی به این مطلب اشاره شده است. آن جا که می‌فرماید:

«قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ وَما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفینَ* إِنْ هُوَ إِلّا ذِکْرٌ لِلْعالَمینَ»؛ «۱»

بگو: در برابر این رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم و من از متکلفان نیستم (و بیهوده سخن نمی‌گویم). این، فقط یادآوری برای جهانیان است.

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم:

«قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ إِنْ أَجْرِیَ إِلّا عَلَی اللَّهِ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْ‌ءٍ شَهیدٌ»؛ «۲»

بگو: هر پاداشی از شما خواسته‌ام برای خود شماست؛ پاداش من فقط بر خداوند است و او بر همه چیز گواه است.

در آیه دیگری نیز آمده است:

«قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلّا مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبيلًا»؛ «۳»

---

(۱). سوره ص: آیه‌های ۸۶ و ۸۷.

(۲). سوره سبأ: آیه ۴۷.

(۳). سوره فرقان: آیه ۵۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۵

بگو: من برای رسالت خویش از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند.

شبهه‌ای که درباره این آیات مطرح است، همان استثناء است که مفسّران از شیعه و اهل سنّت به کیفیت‌های بسیاری از آن پاسخ داده‌اند؛ ولی در دو تفسیر خازن و خطیب شربینی به دو وجه از آن پاسخ داده شده است؛ لکن اگر این آیات با دقت بررسی گردد، روشن می‌شود که آیه‌هایی که درباره پیامبر ما صلی اللّه علیه وآله آمده بر چهار گونه است:

۱. آیاتی که به عدم درخواست اجر مربوط می‌شود؛

۲. آیاتی که شامل درخواست اجر می‌شود، ولی با واژه «لکم».

۳. آیاتی که شامل عدم درخواست اجر می‌شود و از طرفی درخواست «گزینش راهی به سوی خدا» از روی اختیار می‌شود.

۴. آیاتی که شامل درخواست اجر است و آن همان مودّت و مهرورزی به خویشاوندان است.

اکنون می‌پرسیم: به راستی ای انسان‌های منصف! چه تنافی میان این آیه‌ها وجود دارد؟

پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله در قبال تبلیغ رسالت خویش از مردم اجر و پاداشی درخواست نکرد و فقط به آن‌ها فرمود: «در این باره راهی به سوی خدا برگزینید» و آن «وظیفه شماست» و این وظیفه جز با مودّت

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۶

و مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام محقق نمی‌شود؛ از این رو در روایتی از اهل بیت علیهم السلام آمده است که فرمودند:

نحن السبيل؛ «۱»

ما همان راه برگزیده شده هستیم.

آری، آنان همان راه‌ها به سوی خدا هستند؛ به ویژه «آن گاه که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد، فتنه‌ها آشکار شوند و راه‌ها بسته شود» «۲» در این هنگام اهل بیت علیهم السلام همان راه هستند.

معنای آیه کریمه در قرآن کریم همین است که گفتیم و لازمه‌های این دلیل بر کسی مخفی نیست. پس ای پژوهش گر حقایق! خوب این مطلب را بگیر و غنیمت بشمار و «با حکمت و موعظه نیکو به سوی راه پروردگارت فرا خوان و با آنان به نیکوترین روش استدلال و مناظره کن » «... ۳» و خداوند برای ما کافی است و او بهترین وکیل و حامی ماست.

---

(۱). ینابیع المودة: ۲۲ به نقل از فرائد السمطین.

(۲). مجمع الزوائد: ۹/ ۱۶۵.

(۳). سوره نحل: آیه ۱۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۷

۳. چرا آیه نفرمود: «إلّا المودّة للقربی ...»؟ ص: ۱۲۷

این شبهه را دهلوی و ابن تیمیّه مطرح کرده‌اند. جالب این که چنین شبهه‌ای از شخصی هم‌چون دهلوی بعید نیست؛ ولی از شخصی هم چون ابن تیمیّه که ادّعای فهم زبان عربی دارد، عجیب و شگفت‌آور است و ای کاش او در این باره به سخنان متخصّصان در فن زبان عربی مراجعه می کرد.

زمخشری در الکشّاف می‌نویسد:

در این آیه جایز است که استثنا متصل باشد؛ به این معنا که «لا اسألکم أجراً إلّاهذا وهو أن تودّوا أهل قرابتی؛ من در مقابل رسالت خویش هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر این که خویشان مرا دوست بدارید».

در واقع این اجر و پاداشی نیست، زیرا که خویشان او همان خویشان مردم نیز هستند؛ از این رو صله و مهرورزی به آن‌ها در مروّت و جوان‌مردی لازم است.

از طرفی، استثنا می‌تواند منقطع هم باشد؛ به این معنا که «لا أسألکم أجراً قطّ ولکنّنی أسألکم أن تودّوا قرابتی الّذین هم قرابتکم ولا تؤذوهم؛ من از شما درخواست هیچ اجر و پاداشی نمی کنم، ولی از شما می‌خواهم خویشان مرا که خویشان شما نیز هستند، دوست

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۸

بدارید و آن‌ها را آزار ندهید».

زمخشری در ادامه با طرح یک پرسش می‌نویسد:

شاید کسی بپرسد: چرا گفته نشد: «إلّا مودّهٔ القربی» یا «إلّا المودّهٔ للقربی» و معنای «إلّا المودّهٔ فی القربی» چیست؟

در پاسخ او می گوییم: منظور این است که برای مودّت و مهرورزی مکان و جایگاهی قرار داده شده است؛ مثل این که بگویی:

«لی فی آل فلان مودّهٔ ولی فیهم هوی وحبّ شدید»؛ می‌خواهی بگویی:

من فلان خاندان را دوست دارم و آنان، جایگاه و محل مهرورزی من هستند.

در این جا حرف «فی» صله برای مودّت نیست، همان گونه که «لام» در «إلّا المودهٔ للقربی» صله است، بلکه حرف «فی» به واژه محذوفی متعلّق است که ظرف بدان متعلّق شده؛ مانند «المال فی الکیس؛ مال در کیسه است». آن چه که در جمله در تقدیر قرار گرفته، چنین است: مگر مودّتی که ثابت در قربی و متمکّن در آن‌هاست.

از طرفی، واژه «قربی» همانند واژه‌های «زلفی» و «بشری» مصدر و به معنای قرابت است و منظور از آن، اهل قربی و خویشاوندان است.

در روایتی آمده است: آن گاه که این آیه نازل شد، گفته شد: ای رسول خدا! خویشان شما که مهرورزی به آن‌ها برای ما لازم است چه

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۲۹

کسانی هستند؟

فرمود:

علی وفاطمهٔ وابناهما؛

علی، فاطمه، و دو فرزند آن‌ها علیهم السلام.

روایتی که از علی علیه السلام نقل شده بیان گر همین معناست. آن جا که گوید: روزی به پیامبر شکوه کردم، که ای رسول خدا! مردم به من حسادت می کنند، پیامبر فرمود:

أما ترضی أن تکون رابع أربعهٔ: أوّل من یدخل الجنّهٔ أنا وأنت والحسن والحسین وأزواجنا عن أیماننا وشمائلنا وذرّیتنا خلف أزواجنا؛ «۱»

آیا راضی و خشنود نیستی که چهارمین نفر از این چهار نفر باشی؟ نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، من، تو، حسن، حسین علیهم السلام، همسران ما سمت راست و چپ ما هستند و فرزندان و ذریه ما پشت سر همسران ما وارد بهشت می‌شوند.

فخر رازی نیز به تقریر این سخن پرداخته و می‌نویسد:

صاحب الکشّاف سؤالی را مطرح کرده و گفته است که «چرا گفته

(۱). الکشّاف: ۴/ ۲۱۹- ۲۲۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۰

نشد: «إلّا مودّة القربی» یا «إلّا المودّة للقربی» و معنای «إلّا المودّة فی القربی» چیست؟

آن گاه پاسخ داده که منظور این است که برای مودّت و مهرورزی مکان و جایگاهی قرار داده شده است، مثل این که بگویی: «لی فی آل فلان مودّة ولی فیهم هوی وحب شدید؛ می‌خواهی بگویی: من فلان خاندان را دوست دارم و آنان جایگاه و محل مهرورزی هستند». «۱» ابوحیان نیز به این مطلب اشاره کرده و آن را نیکو شمرده است. «۲» نیشابوری نیز گوید: آن گاه خداوند متعال به پیامبرش چنین فرمان داد که بگوید: «من» در ازای این تبلیغ «از شما هیچ اجر و پاداشی درخواست نمی‌کنم جز مودّت و مهرورزی بر خویشاوندان» که این مودّت بر آن‌ها ثابت است؛ یعنی آن‌ها را جایگاه و محل استقرار مودّت خویش قرار دهید؛ از این رو نفرمود: «مودّة القربی» ویا «المودّة للقربی».

گفتنی است که واژه «القربی» مصدر و به معنای قرابت است؛ یعنی در اهل قربی و در حق آن‌ها. «۳» ابوالسعود نیز در این باره اظهار نظر کرده است. وی پس از آن که

(۱). التفسیر الکبیر: ۲۷/ ۱۶۷.

(۲). البحر المحیط: ۷/ ۵۱۶.

(۳). تفسیر نیشابوری: چاپ شده در حاشیه تفسیر طبری: ۲۵/ ۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۱

استثنا در آیه را استثنا متصل قرار داده می‌نویسد:

گفته شده استثنا در آیه منقطع است؛ بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: «من هرگز از شما هیچ اجر و پاداشی درخواست نمی‌کنم؛ ولی از شما درخواست مودّت بر خویشان را می‌خواهم».

وی در ادامه می‌نویسد: «فی القربی» بیان حال از مودّت است؛ یعنی مودّتی که در قربی ثابت و در اهل آن، یا در حقّ قرابت متمکّن و استوار است و واژه «قربی» همانند واژه «زلفی» مصدر و به معنای قرابت است. در روایتی آمده: آن گاه که این آیه نازل شد، به پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله گفته شد: ای رسول خدا! خویشان شما چه کسانی هستند «...؟ ۱»

۴. تعارض ... ص: ۱۳۱

چهارمین و آخرین شبهه‌ای که برای این آیه ارائه کرده‌اند، تعارض است. این شبهه به روایتی که احمد و دیگران از ابن عباس نقل کرده‌اند بستگی دارد که ما پاسخ این شبهه را به تفصیل در بخش چهارم خواهیم داد.

(۱). تفسیر ابی السعود: ۸/ ۳۰. برای آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توان به تفسیرهای بیضاوی، نسفی، شربینی و دیگر تفسیرهای اهل

سنت مراجعه کرد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۵

نزول آیه مودّت روایت‌ها و دیدگاهها‌ها ... ص: ۱۳۵

نزول آیه مودّت درباره اهل بیت ... ص: ۱۳۵

اشارهٔ

تا کنون روشن شد که نزول آیه مبارکه مودّت در مورد اهل بیت علیهم السلام همان چیزی است که به ذهن خطور می‌کند و اعتقاد به این نظر، به دلایل استوار و متینی در کتاب‌های اهل سنّت تکیه دارد و از امامان خاندان پیامبر: امیر مؤمنان علی علیه السلام- که به اتفاق، داناترین عالم به قرآن در میان یاران پیامبر می‌باشد- و حسن سبط پیامبر خدا، حسین شهید، امام سجاد، امام باقر، امام صادق علیهم السلام روایت شده است.

هم‌چنین این حدیث را تعداد زیادی از بزرگان صحابه پیامبر نقل نموده‌اند.

از طرف دیگر، ابن عباس نیز بنابر روایتی که از او به طریق سعید بن جبیر، مجاهد، کلبی و دیگران نقل شده، به همین معنا معتقد بوده است؛ بلکه ابوحیان آن را بدون سند و به صورت حتم و مسلّم

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۶

گرفته است، که گفتار او را خواهیم آورد.

هم‌چنین نظر سعید بن جبیر، عمرو بن شعیب، سدّی و گروهی دیگر از صحابه پیامبر همین است.

دلایل و شواهدی دیگر ... ص: ۱۳۶

اینک دلائیل و شواهد دیگری بر نظریه نزول آیه در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌آوریم:

این نظریه را مفسران بسیاری و عالمان دیگری نقل کرده و آن را رد نکرده‌اند؛ بلکه هیچ نظری را بر آن برتری نداده‌اند. فراتر این که در این زمینه شواهد و دلایلی از اخبار و روایات برای اثبات آن یادآور شده‌اند که برخی از آن‌ها را نام می‌بریم.

دیدگاه زمخشری ... ص: ۱۳۶

جاراللّٰه زمخشری این نظریه را ذکر نموده است و روایتی نیز درباره آن آورده است. وی در این باره حدیثی را نقل می‌کند که آمده است: «وقتی این آیه نازل شد، گفته شد: ای پیامبر خدا! چه کسی خویشاوند توست »....؟

زمخشری پس از نقل این حدیث می‌گوید: روایتی که از علی نقل شده، بیان‌گر همین معناست ... البته ما پیش‌تر آن را آورده‌ایم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۷

آن گاه زمخشری می‌گوید: در حدیثی آمده است که پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله فرمود:

حرّمت الجنّهٔ علی مَن ظلم أهل بیتی وآذانی فی عترتی، ومن اصطنع صنیعةً إلی أحدٍ من وُلد عبد المطّلب ولم یجازه علیها فأنا أُجازیه علیها غداً إذا لقینی یوم القیامهٔ؛

بهشت بر کسی که به اهل بیت و خاندان من ستم روا بدارد و مرا در مورد خاندانم بیازارد، حرام شده است و هر گاه شخصی احسانی به یکی از فرزندان عبدالمطلب نماید و کسی پاداشی به او ندهد، پس خودم در روز قیامت آن هنگام که مرا ملاقات نماید،

پاداش خواهم داد.

سپس روایت «انصار را نقل کرده » ... که ما قبلًا آورده‌ایم و افزوده است: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات مغفوراً له.

ألا ومَن مات علی حبّ آل محمّد مات تائباً.

ألا ومَن مات علی حبّ آل محمّد مات مومناً مستکمل الإیمان.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد بشّره مَلك الموت

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۸

بالجنّهٔ ثمّ منکر ونکیر.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد یزفُّ إلی الجنّهٔ کما تُزفّ العروس إلی بیت زوجها.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد جعل اللَّه قبره مزار ملائکهٔ الرحمهٔ.

ألا ومَن مات علی حب آل محمّد مات علی السُنّهٔ والجماعهٔ.

ألا ومَن مات علی بغض آل محمّد لم یشمّ رائحهٔ الجنّهٔ؛ «۱»

هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، شهید از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، بخشوده شده از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، بر توبه کامل از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، مؤمنی با ایمان کامل از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، فرشته مرگ

---

(۱). الکشّاف: ۴/ ۲۲۰- ۲۲۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۳۹

او را به بهشت نوید دهد، سپس دو فرشته مأمور سؤال برزخ به او نوید بهشت دهند.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، او را با احترام و شادی به سوی بهشت برند، آن سان که عروس به خانه داماد برده می‌شود.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت خود قرار می‌دهد.

آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمّد از دنیا رود، بر سنّت پیامبر و همه مسلمانان از دنیا رفته است.

آگاه باشید! هر کس بر دشمنی و کینه خاندان محمّد از دنیا رود، هیچ گاه بوی بهشت به مشام او نخواهد رسید.

دیدگاه فخر رازی ... ص: ۱۳۹

فخر رازی نیز درباره نزول آیه مودّت سخن گفته است. آن جا که گوید: کلبی از ابن عباس چنین روایت کرده است:

هنگامی که پیامبر صلی اللَّه علیه وآله به مدینه آمدند، مشکلات و گرفتاری‌های مالی فراوانی داشتند و هیچ گونه دارایی در دست نداشتند. انصار گفتند: خداوند شما را به وسیله این مرد به راه راست هدایت و ارشاد نمود و او پسر خواهر از قبیله و همسایه شما در

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۰

شهرتـان می‌باشـد، پس بخشـی از دارایی خود را برای او گرد آوریـد! آنـان چنین کردنـد و بخشـی از دارایی خود را خـدمت پیامبر آوردند. حضرت آن‌ها را باز گرداند و این آیه مبارکه فرود آمد:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا »؛...

بگو: بر این [رسالت و پیامبری] هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم.

یعنی بر ایمان و هدایت شدنتان هیچ پاداشی نمی‌خواهم مگر دوستی نزدیکان و خاندانم.

پس آن‌ها را بر دوستی با خاندان خود برانگیخت.

آن گاه فخر رازی روایت زمخشری را به طور کامل آورده و گفته است:

من می گویم: خانـدان محمّـد، همـان کسـانی هسـتند که تمـامی کارهایشان با محمّـد در ارتباط است. پس هر کس ارتباطش با آن حضـرت کامل‌تر و بیشتر باشـد، خانـدان او به شـمار می‌آیـد و بی‌تردید فاطمه، علی، حسن و حسـین بیشترین و شدیدترین ارتباط را داشتند که بر همگان به صورت تواتر روشن است. پس آن‌ها به طور مسلّم همان خاندان هستند.

فخر رازی در ادامه می‌افزاید:

مردم در معنای کلمه «آل/ خاندان» اختلاف نظر دارند، و گفته

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۱

شده: منظور نزدیکان پیامبر هستند، و بعضی دیگر گفته‌اند: منظور امّت پیامبر هستند.

پس در صورتی که «آل» را بر نزدیکان معنا کنیم، پس آنان خانـدان پیامبر خواهند بود، و اگر به معنای امّت او بگیریم که دعوت او را پذیرفتند. باز هم آنان خاندان پیامبر خواهند بود. پس ثابت شد که در همه حالات آنان، خاندان پیامبر هستند.

اما آیـا غیر آنـان از خانـدان، کسـی دیگر نیز شامـل کلمه «آل» می‌شـود، در این بـاره اختلاـف نظر وجود دارد. زمخشـری صـاحب الکشّاف نقل کرده است:

هنگامی که این آیه بر پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله نازل شد، پرسیدند:

نزدیکان شما که دوستی و مهرورزی به آنان بر ما لازم شد، چه کسانی هستند؟

فرمودند:

علی وفاطمهٔ وابناهما؛

علی، فاطمه، و دو فرزند آن‌ها علیهم السلام.

پس روشن می‌شود که این چهار نفر نزدیکان پیامبر هستند.

و هر گاه این مطلب ثابت شد، آن‌ها به این احترام و بزرگداشت، اختصاص پیدا می‌کنند که چند دلیل بر آن قابل عرضه است:

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۲

یکم. حرف استثنا «إلّا» در آیه، که نحوه استدلال به آن گذشت.

دوم. بدون تردید پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله، فاطمه علیها السلام را دوست می‌داشت و در حق ایشان فرموده‌اند:

فاطمهٔ بضعهٔ منّی یؤذینی ما یؤذیها؛

فاطمه پاره‌ای از وجود من است، هر آن چه او را بیازارد مرا آزرده است.

و هم‌چنین به روایت متواتر از پیامبر خدا صـلی اللَّه علیه وآله ثابت شده است که آن بزرگوار، علی، حسن و حسـین علیهم السلام را دوست می‌داشت و وقتی دوستی پیامبر نسبت به ایشان ثابت شود، این دوستی و محبّت بر تمامی امت اسـلامی نیز لازم می‌آید؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»؛ «۱»

و او را پیروی نمایید بسا که از هدایت شدگان باشید.

در آیه دیگر می‌فرماید:

«لَقَدْ كانَ لَكُمْ فی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ «۲»

همانا در فرستاده خداوند برای شما الگو و نمونه خوب و کاملی می‌باشد.

---

(۱). سوره اعراف: آیه ۱۵۸.

(۲). سوره احزاب: آیه ۲۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۳

سوم. به راستی که دعا برای خاندان، مقام و مرتبه بزرگی را ثابت می‌نماید و به همین منظور این ادعا در انتهای تشهّد نماز قرار گرفته که:

اللهم صلّ علی محمّد وآل محمّد وترحّم علی محمّد وآل محمّد؛

خداوندا! بر محمّد و بر خاندان او درود بفرست و بر محمّد و خاندان او رحمت قرار بده.

این بزرگداشت در مورد شخص دیگری غیر از خاندان پیامبر وارد نشده است. در این زمینه شافعی این گونه سروده است:

یا راكباً قف بالمحصّب من منی واهتف بساكن خیفها والناهضِ

سحراً إذا فاض الحجیج إلی منی فیضاً كما نظم الفرات الفائِض

إن كان رفضاً حبّ آل محمّد فلیشهد الثقلان أنّی رافضی «۱»

ای سواره! در قسمت سنگریزه‌های دشت منا بایست و به ساكنان خیف (قسمتی از منا است كه مسجد مشهوری نیز دارد) چه ایستاده

---

(۱). التفسیر الكبیر: ۲۷/ ۱۶۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۴

یا نشسته؛

سحرگاهان در آن هنگام كه حاجیان به سوی منا سرازیر می‌شوند؛ همان گونه كه رود فرات متصل سرازیر می‌شود با صدای بلند ندا كن:

هر گاه مهرورزی به خاندان محمّد رفض (خروج از دین و كفر) باشد، پس تمام موجودات گواهی دهند كه من كافر و رافضی هستم.

دیدگاه قرطبی ... ص: ۱۴۴

قرطبی نیز درباره آیه مودّت اظهار نظر كرده است: وی می گوید:

«گفته شده: منظور از كلمه «القربی» نزدیكان پیامبر صلی اللّه علیه وآله یعنی: از شما هیچ مزد و پاداشی نمی‌خواهم مگر مهرورزی و دوستی نزدیكان و خاندانم را همان طور كه خداوند به بزرگداشت و احترام آنان فرمان داده.

این، نظر امام زین العابدین علیه السلام، عمرو بن شعیب و سدّی است. در روایت سعید بن جبیر آمده كه ابن عباس گوید:

هنگامی كه خداوند متعال آیه مودّت را نازل فرمودند، همگان از پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله پرسیدند: ای پیامبر خدا! اینان چه

کسانی هستند که بر ما لازم است تا آنان را دوست بداریم؟

فرمودند:

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۵

علی وفاطمة وابناؤهما؛

علی، فاطمه و دو فرزند گرامیشان.

هم‌چنین روایتی که از حضرت علی علیه السلام نقل شده بیان‌گر این مطلب است، آن جا که فرمود:

از حسدِ مردم به پیامبر شکایت کردم ... و پیامبر فرمود: بهشت حرام شده است بر کسی که...

وی می‌افزایـد: هر کس بگوید: «تقرّب و نزدیکی به خداوند در فرمان برداری از او و دوستی پیامبر او صـلی اللَّه علیه وآله می‌باشد و دوستی اهـل بیت و خانـدان او، باطـل و لغو است» در زشتی و بـدی گفتـارش همین بس که پیـامبر اکرم صـلی اللَّه علیه وآله فرموده است:

مَن مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً، ومَن مات علی حبّ آل محمّد جعل اللَّه زوّار قبره الملائکة والرحمة، «۱»

ومَن مات علی بغض آل محمّد جاء یوم القیامة مکتوباً بین عینیه: «أیس الیوم من رحمة اللَّه».

ومَن مات علی بغض آل محمّد لم یرح رائحة الجنّة، ومَن مات علی بغض آل بیتی فلا نصیب له فی شفاعتی؛

---

(۱). در این کتاب این گونه آمده است.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۶

هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

هر کس بر دوستی خاندان محمّد بمیرد، خداوند فرشتگان رحمت را زائران قبر او قرار می‌دهد.

و هر کس بر کینه و دشـمنی خاندان محمّد بمیرد، در روز واپسـین او را حاضـر نمایند در حالی که بین چشـمان او نوشته شده است: «از رحمت و بخشش الهی ناامید است».

و هر کس بر دشمنی خاندان محمّد بمیرد، هیچ گاه بوی بهشت به مشام او نمی‌رسد.

و هر کس بر دشمنی و کینه خاندان محمّد بمیرد، هیچ بهره‌ای از شفاعت و دستگیری من به او نمی‌رسد.

آن گاه می گوید: این حدیث را زمخشری در تفسیر خود به صورت کامل‌تر آورده است «... ۱»

دیدگاه خطیب شربینی ... ص: ۱۴۶

خطیب شربینی نیز درباره آیه مودّت سخن به میان آورده است.

وی می گوید: گفته شده: منظور از خاندان پیامبر، فاطمه، علی

---

(۱). تفسیر قرطبی: ۱۶/ ۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۷

و فرزندانشان هستند و درباره آنان آیه تطهیر نازل شده، آن جا که می‌فرماید:

«إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا»؛ «۱»

همانـا خداونـد اراده فرموده هر گونه پلیـدی و گنـاه را از شـما اهـل بیت و خانـدان پیامبر دور بـدارد و شـما را به طور کامل پاك و

پاکیزه دارد. «۲»

دیدگاه آلوسی ... ص: ۱۴۷

مفسر دیگری که به تفصیل به آیه مودّت پرداخته، آلوسی است.

وی می‌نویسد: بعضی گفته‌اند: منظور از «القربی» علی، فاطمه و فرزندانشان هستند. در این باره حدیث به صورت مرفوعه روایت شده است: ابن منذر، ابن ابی‌حاتم، طبرانی و ابن مردویه از ابن جبیر نقل می‌کنند که ابن عباس گوید: هنگامی که آیه مودّت نازل شد...

ولی گروهی به نقل از اهل بیت علیهم السلام در تأیید آن، روایت‌های دیگری آورده‌اند.

آن گاه آلوسی حدیث ابن جریر از ابی دیلم را نقل می‌کند، آن جا که

---

(۱). سوره احزاب: آیه ۳۳.

(۲). السراج المنیر: ۳/ ۵۳۷- ۵۳۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۸

می‌گوید: «زمانی که علی بن الحسین علیهما السلام را وارد شام »، ... سپس حدیث زاذان از علی علیه السلام را به صورت کامل آورده و گفتار کمیتِ شاعر و هیتی- یکی از نزدیکانش- را نقل نموده است که پیش‌تر همه این‌ها نقل شد.

سپس حدیث ثقلین را روایت نموده. آن گاه می‌گوید:

ترمذی حدیثی را نقل نموده و آن را پسندیده است و طبرانی، حاکم نیشابوری و بیهقی در کتاب شعب از ابن عباس نقل می‌کنند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

أحبّوا اللَّه تعالی لما یغذوکم به من نعمهٔ، وأحبّونی لحبّ اللَّه تعالی وأحبّوا أهل بیتی [لحبّی]؛

خداوند را به خاطر نعمت‌های فراوانی که به شما ارزانی داشته دوست بدارید و مرا به خاطر دوستی‌تان به خداوند دوست بدارید و اهل بیت و خاندانم را [به خاطر دوستی با من] دوست بدارید.

حدیث دیگری را ابن حبّان و حاکم نیشابوری از ابوسعید نقل کرده‌اند که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

والّذی نفسی بیده، لا یبغضنا أهل البیت رجل إلّاأدخله اللَّه تعالی النار؛

به کسی که جان من در دست اوست؛ سوگند، هیچ کس ما اهل بیت را

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۴۹

دشمن نمی‌دارد مگر آن که خداوند او را در آتش اندازد.

آلوسی می‌افزاید: در این زمینه روایت‌های بسیاری نقل است که قابل شمارش نیست. در بعضی از روایت‌ها، مطالبی آمده که بر عموم نزدیکان دلالت دارد و آن را شامل فرزندان عبدالمطلب نیز می‌نماید. از جمله روایتی که احمد بن حنبل، ترمذی و نسائی از مطّلب بن ربیعه نقل کرده‌اند و ترمذی آن را تصحیح نموده است. در آن روایت آمده است:

روزی عباس عموی پیامبر، خدمت آن حضرت رسید و گفت: هر گاه به میان قریش می‌رویم و در حال گفت و گو باشند، ساکت می‌شوند.

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله خشمگین شدند و عرق پیشانی مبارکشان بین دو چشم جاری شد، آن گاه فرمودند:

واللَّه، لا یدخل قلب امرئ مسلم إیمان حتّی یحبّکم للَّه تعالی ولقرابتی؛

به خدا سوگند! هیچ گاه ایمان داخل قلب مسلمانی نمی‌شود مگر این که شما را به خاطر خدا و نزدیکی با من دوست بدارد.
اگر منظور از «القربی» مؤمنان از آن‌ها باشـد، این معنا روشن است و اگر این گونه نباشد، پس گفته شده حکم الهی لغو و نسخ شده است و این مطلب اشکال دارد.
سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۰
حقیقت این است که دوستی نزدیکـان او به خـاطر نزدیکی و خویشاونـدی بـا ایشـان هر گونه که باشـند، واجب و لازم است؛ و چه نیکو سروده است:
داریتُ أهلك فی هواك وهم عِدی ولأجل عین ألفُ عینٍ تکرمُ
با خانواده‌ات به خاطر عشق و مهر تو مدارا و دوستی نمودم؛ در حالی که دشـمنان من بودند و به خاطر یک فردی که مورد محبت و احترام است؛ هزار نفر، مورد احترام قرار می گیرند.
و هر مقـدار نزدیکی و خویشاونـدی قـوی‌تر باشـد، بایـد مهرورزی شدیـدتر و بیشتر باشـد. پس بـا تـوجه به عموم «القربی» محبّت و دوستی علویان واجب‌تر از دوستی عباسیان باید باشد.
بنابر قول اختصاص مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام، این حالت با توجّه به مقام‌ها و رتبه‌ها تفاوت پیدا می کند و آثار آن دوستی، بزرگداشت و احترام و برآوردن وظایف در مقابل آن‌ها به صورت کامل، نتایج مختلفی به همراه دارد.
گفتنی است که بسـیاری از مردمـان در این وظیفه مهم کوتاهی کرده‌انـد تا آن جا که دوستی آن‌ها را رفض (نپـذیرفتن دین و کفر) می‌دانند. من نیز در این زمینه همان گفتار شافعی را می گویم که
سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۱
شفادهنده گمراهان و دانشـمندان است. آن جا که می گوید: ای سواره! در سـنگزارهای منا بایست «... ۱» آری، به نظر ما قول اول- نـازل شـدن آیه در مورد علی، فـاطمه و حسن و حسـین علیهم السـلام- همـان قول درست می‌باشـد و در صورتی که کوتـاه بیاییم و بپـذیریم که عمـوم «القربی» تمـامی خویشـان پیـامبر را در برمی گیرد، روایـات خاصـی که دربـاره اهـل بیت آمـده، مـودّت را به آن بزرگواران محدود می‌نماید.

بررسی و ردّ دیگر نظریات ... ص: ۱۵۱

در برابر نظریه مورد قبول، نظریات دیگری نیز آمده، که مودّت را در آن بزرگواران منحصر می کند:
۱. معنای «القربی» نزدیکی و خویشاوندی بین پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله و قریش است که موجب قرابت می‌شود. از این روست که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:
إلّا أن تصلوا ما بینی وبینکم من القرابهٔ؛
مگر این که بین من و خویشانم همواره دوستی را حفظ کنید.
۲. منظور از «قربی» نزدیکی و ارتباط با خداوند است. پس در

---

(۱). روح المعانی: ۲۵/ ۳۱ و ۳۲.
سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۲
واقع معنای آیه این گونه می‌شود: مگر این که با کارهای شایسته به خداوند مهرورزی نمایید.
۳. منظور از «قربی» خویشان و نزدیکان می‌باشد؛ ولی نه خویشان پیامبر بلکه با کسانی از خویشان خود مهرورزی داشـته باشـید که با

شما ارتباط و دوستی دارند.

۴. آیه مودّت به آیه «قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»؛ «۱»

«(ای پیامبر!) بگو: هر آن چه از شما مزد و اجر خواستم پس برای شماست» نسخ شده و حکم آن از بین رفته است.

نظریه چهارم را همه دانشمندان رد کرده‌اند، تا جایی که برخی از علما بر زشتی آن به روشنی سخن رانده‌اند. البته ما بیان کردیم که بین دو آیه هیچ منافاتی نیست، بلکه یکی از آن دو آیه تأکیدی بر آیه دیگر است.

امّا نظریه سوم، شایسته بحث و بررسی نیست؛ چرا که هیچ گونه دلیلی ندارد و ارزش بحث ندارد، به همین جهت صاحبان تفسیر به آن نپرداخته‌اند.

نظریه دوم که منظور از «قربی» تقرّب و نزدیکی به خداوند است؛

---

(۱). سوره سبأ: آیه ۴۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۳

از حسن بصری نقل شده است «۱» و از ظهور گفتار عینی حنفی معلوم می‌شود که آن را پذیرفته است «۲» و ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری به روایت احمد از مجاهد از ابن عباس به آن استدلال نموده است، که پیامبر صلی اللّه علیه وآله فرمود:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا» علی ما جئتكم به من البيّنات والهدی إلّاأن تقرّبوا إلى اللّه بطاعته؛

«بگو: هیچ گونه اجر و مزدی» برای هدایت و خواندن آیات الهی «نمی‌خواهم» مگر این که با فرمان برداری از خداوند به او نزدیک شوید.

ولی ابن حجر گفته است: در سند این روایت، ضعف و سستی است. «۳» این نظریه نیز به طور کامل مردود است؛ زیرا از طرفی بر خلاف معنای متبادر از آیه می‌باشد و از طرف دیگر، با روایات صریح مخالفت دارد و نیز با ذوق سالم و صحیح ناسازگار است.

---

(۱)

. تفسیر رازی: ۲۷/ ۱۶۵، فتح الباری: ۸/ ۴۵۸ و دیگر منابع.

(۲). عمدة القاری: ۱۹/ ۱۵۷.

(۳). فتح الباری شرح صحیح بخاری: ۸/ ۴۵۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۴

بررسی و نقد دیدگاه اول ... ص: ۱۵۴

۱. بررسی سند

ابن تیمیّه فقط همین نظر را یادآور شده و دیگر نظریات را نقل نکرده است. ابن حجر آن را برگزیده و شوکانی آن را بر بقیه نظریات برتری داده است. اینان دلیل آن را روایت احمد، بخاری و مسلم از طاووس، از سعید بن جبیر، از ابن عباس قرار داده‌اند که در ابتدای نقل روایت‌ها گذشت، ولی به این روایت از دو جهت مهم، ایرادهایی وارد است:

جهت یکم: بررسی سند روایت

۱. شعبهٔ بن حجّاج

راوی اصلی این روایت «شعبهٔ بن حجّاج» می‌باشد و این شخص دروغ‌گو و درباره اهل بیت علیهم السلام بسیار دروغ پرداز بوده

است.

شریف مرتضی رحمه اللَّه می گوید:

این شخص از جعفر بن محمّد (امام صادق علیه السلام) روایت کرده است که حضرتش ابوبکر و عمر را دوست داشته! «۱» کسی که چنین دروغی را بسازد، هیچ بعید نیست که روایتی را از

---

(۱). الشافی فی الامامه: ۴/ ۱۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۵

ابن عباس درباره نزول این آیه نیز بسازد.

۲. یحیی بن عباد ضبعی بصری

راوی دیگر این حدیث از شعبه، نزد احمد «یحیی بن عباد ضبعی بصری» می‌باشد. خطیب بغدادی گوید: یحیی در بغداد ساکن شد و از شعبه روایت کرد ... احمد بن حنبل از او روایت می کند «... ۱» ابن حجر عسقلانی او را از رجال «بخاری» که مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند، آورده و از ساجی نقل کرده است که او، در نقل روایت ضعیف و سست می‌باشد. از ابن معین نیز نقل شده است که او قابل اعتماد نیست، اگرچه او را راستگو دانسته است. «۲» خطیب با سند خویش از ابن مدینی روایت کرده است که از پدرم شنیدم که می گفت: یحیی بن عبّاد کسی نیست که من از او روایت نقل کنم، بشّار خفّاف از او بهتر است.

آن گاه با سند خود از یحیی بن معین روایت کرده است که او قابل اعتماد نبود، مطالبی را شنیده و فردی راست گو بوده است، ولی نزد او آمدیم، پس نوشته و کتابی را نشان داد که نمی‌توانست آن را خوب بخواند. پس ما نیز از او روی برگرداندیم.

---

(۱). تاریخ بغداد: ۱۴/ ۱۴۴.

(۲). مقدمه فتح الباری: ۴۵۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۶

هم‌چنین با سند خویش از ساجی روایت کرده است که یحیی بن عباد در نقل روایت، ضعیف و سست است. بعضی از مردم بغداد از او روایت می‌نمایند.

شنیدم که حسن بن محمّد زعفرانی که از طریق او از شعبی و غیر او روایت می کرد و هیچ کس از راویان بصره مانند بندار و ابن مثنی از او روایت نکرده‌اند. و ذهبی در میزان الاعتدال خود، فقط تضعیف او را از ساجی آورده است. «۱» ۳. محمّد بن جعفر

راوی دیگر این روایت، از شعبه در نقل بخاری، محمّد بن جعفر غندر می‌باشد. ابن حجر و ذهبی او را در بخش کسانی که مورد اختلاف نظر هستند، آورده‌اند و قول آن دو برگرفته از گفتار ابوحاتم است، آن جا که می گوید: «حدیث او از غیر شعبه نوشته می‌شود، و به او می‌توان احتجاج کرد». «۲» ۴. محمّد بن بشار

راوی دیگر این حدیث از غندر، محمّد بن بشار می‌باشد و بیشتر بزرگان اهل سنّت در او حرف دارند و ابن حجر اسم او را در بخش

---

(۱). میزان الاعتدال: ۴/ ۳۸۷.

(۲). مقدمه فتح الباری: ۴۳۷، میزان الاعتدال: ۳/ ۵۰۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۷

موارد اختلافی آورده و تضعیف او را در نقل روایت از ابن فلّاس نقل کرده است.

یحیی بن معین نیز او را ضعیف می‌دانسته و از ابوداوود نقل کرده که: «اگر پاکی و راستی او نبود، حدیث‌هایش به کنار نهاده می‌شد». «۱» ولی ابن حجر در میزان الاعتدال گفته است: فلّاس او را دروغ‌پرداز دانسته است و از دورقی نقل کرده است که «نزد ابن معین بودیم، سخن از بندار به میان آمد، دیدم که یحیی به حدیث‌های او ارزشی نمی‌نهد و او را ضعیف می‌داند».

و نیز گفته است: قواریری را دیدم که او را نمی‌پسندد، و او کبوترباز بود! «۲»

سخن منصفانه ... ص: ۱۵۷

آن چه بررسی شد وضع و حال بیشتر سندهای روایت طاووس از ابن عباس بود و انصاف این است که این روایت حجیّت ندارد تا چه رسد به این که با روایت‌های صحیح و درست معارضه کند.

افزون بر این که سخن حاکم نیشابوری در کتاب تفسیر، صراحت

---

(۱). مقدمه فتح الباری: ۴۳۷.

(۲). میزان الاعتدال: ۳/ ۴۹۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۸

دارد بر این که روایت بخاری و مسلم از طریق طاووس از ابن عباس کلام حقی است. این همان کلام حاکم نیشابوری است که «بخاری و مسلم در تفسیر این آیه فقط بر حدیث عبدالملك بن میسرة زرّاد از طاووس از ابن عباس اتفاق نظر دارند؛ که عباس گفته است: آیه فقط در خویشان خاندان محمّد صلی اللَّه علیه وآله نازل شده است.

از طرف دیگر، ابوحیّان آن را به گونه‌ای قطعی از ابن عباس نقل کرده است؛ چرا که او بعد از نقل نظر حق، گفته است: و همین مطلب را علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیهم السلام گفته است و این آیه را در هنگام اسارت در شام، شاهد قرار داده است. البتّه نظر ابن جبیر، سدّی و عمرو بن شعیب نیز همین گونه است و بنابر همین معنا، ابن عباس گفته است: از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله پرسیدند: چه کسانی خویشاوندان تو هستند که مهرورزی به آنان بر ما واجب شده است؟

فرمودند:

علی وفاطمة وأبناهما؛ «۱»

علی و فاطمه و فرزندانشان علیهم السلام.

---

(۱). البحر المحیط: ۷/ ۵۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۵۹

۲. بررسی عمیق در فهم حدیث

در این باره بیان چند نکته لازم است:

نخست آن که معقول نیست که خداوند و فرستاده‌اش مشرکان را مورد خطاب قرار داده و از آنان پاداش و اجر و مزد رسالت بخواهند، زیرا که مشرکان، کفر ورزیده و اصل این رسالت را تکذیب کرده‌اند.

پس چگونه می‌شود از آنان اجر و مزد خواست؟

دوم آن که این آیه در مدینه نازل شده است، ما پیش‌تر در دلیل نزول آن، روایت‌هایی را درباره انصار نقل کردیم.

سوم آن که همان گونه که گذشت در صورتی که این آیه را مکّی بدانیم، روی سخن با مسلمانان خواهد بود نه مشرکان.

بعد از همه این اشکالات، اگر سند و معنای این حدیث را که در مسند احمد و صحیح بخاری و مسلم از طاووس از ابن عباس آمده، قبول نماییم؛ شکی نیست که در همین روایت، سعید بن جبیر به قول حق معتقد بوده است. اما نظر ابن عباس متعارض است و تعارض در دو حدیث به سقوط و بی‌ارزشی هر دو می‌انجامد.

بنابراین، دلیلی بر این که، مراد از خویشاوندی بین پیامبر و قریش است، نخواهد ماند؛ زیرا فرض بر این است که تنها دلیل، همین روایت بود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۰

ولی سخن درست این است که ابن عباس از پیروان و شاگردان مدرسه اهل بیت علیهم السلام می‌باشد و هیچ گاه با گفتار و نظر آن‌ها مخالفت نمی‌نماید و پیش‌تر ثابت شد که امیر مؤمنان علی علیه السلام و امام سجاد علیه السلام به صراحت و روشنی فرمودند که آیه درباره خودشان نازل شده و هیچ کس در سند این دو روایت خدشه ننموده است و همچنین دو سبط و نواده پیامبر و دو امام راستگو؛ یعنی امام باقر و صادق علیهما السلام نیز بر این معنا تصریح دارند. پس چگونه ابن عباس در رأی با آن‌ها مخالفت می‌نماید؟!

هرگز، این گونه نبوده است؛ بلکه برخی از این گروه در جانب گرایی و تقلّب، زیاده‌روی کرده‌اند و بر زبان ابن عباس مطالبی قرار دادند و به او ناسازگاری و مخالفت با امیر مؤمنان علی علیه السلام را مانند قضیّه ازدواج موقّت نسبت دادند. به گونه‌ای در این باره روایتی را جعل کرده‌اند که علی علیه السلام ازدواج موقّت را حرام می‌دانست، به آن حضرت خبر رسید که ابن عباس آن را حلال می‌داند، حضرت به او فرمود: تو مردی فراموش‌کار هستی! با این حال ابن عباس از نظر خود برنگشته و همچنان آن را حلال می‌دانسته است! «۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک تحریم دو حکم حلال از سلسله پژوهش‌های اعتقادی، شماره ۲۶ از همین نگارنده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۱

البتّه از این گونه نمونه‌ها بسیار است که قصد طولانی کردن سخن را نداریم. منظور ما این بود که وقتی این گروه متعصّب و جانب‌گرا، دیدند بیشتر صحابه و یاران پیامبر با سندهای محکم و معتبر نزول آیه درباره اهل بیت علیهم السلام را روایت می‌نمایند و امامان اهل بیت علیهم السلام بر این نظریه اتّفاق کاملی دارند؛ ابتدا تلاش کردند که احادیث را سست و بی‌پایه جلوه دهند، سپس در مقابل آن، حدیثی را از قول عالمی که خود پیرو اهل بیت است، جعل و تزویر نمایند تا بین آن‌ها تعارض ایجاد کنند و به پندار خودشان بین آنان اختلاف بیندازند.

آن گاه در آینده کسانی مانند ابن تیمیّه و پیروانش پا به عرصه وجود بگذارند و به همین حدیث جعلی، استدلال کنند و حدیث صحیح مورد اتفاق تمامی مسلمانان را دروغ بدانند.

دو یادآوری مهم ... ص: ۱۶۱

در این جا تذکر دو نکته مهم ضروری است:

نخست آن که فخر رازی بعد از آوردن دلیل‌ها و حجّت‌های زیاد بر لزوم دوستی اهل بیت علیهم السلام و پیروی و احترام آن‌ها و ناروا دانستن کینه‌ورزی و دشمنی با آن‌ها، فهمیده است که این مطالب با امامت ابوبکر و عمر و بزرگداشت تمامی صحابه، به خاطر اعمالی که آن‌ها نسبت به اهل بیت علیهم السلام روا داشته‌اند منافات و تناقض دارد؛

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۲

از این رو تلاش کرده است که آن را جبران نماید و گفته است: «در آیه «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» مقام و رتبه بزرگی برای صحابه پیامبر ثابت می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده است:

«السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ* أُولئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»؛ «۱»

آنان که پیشی گرفتند، همانان نزدیک و مقرّب هستند.

پس هر کس از خداوند اطاعت کند نزد خداوند مقرّب و نزدیک‌تر است و شامل معنای آیه مودّت می‌شود.

فخر رازی بعد از این بیان، چنین نتیجه می گیرد و می گوید:

آیه به لزوم دوستی خاندان پیامبر و دوستی اصحاب او دلالت دارد و این رتبه بزرگ فقط بنابر نظر اصحاب ما اهل سنّت و جماعت که محبّت و دوستی بین خاندان پیامبر و اصحاب او را جمع کرده‌اند، صحیح و درست می‌باشد.

آن گاه فخر رازی به سخن یکی از گویندگان اشاره می کند و می گوید:

از گوینده‌ای شنیدم که می گفت: پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

مثل أهل بیتی کمثل سفینهٔ نوح من رَکِبَ فیها نجا؛

مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است، هر کس در آن سوار شود نجات پیدا می کند.

---

(۱). سوره واقعه: آیه ۱۰ و ۱۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۳

پیامبر در سخن دیگری:

أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

اصحاب من مانند ستارگان هستند، از هر کدام پیروی نمایید، هدایت می‌شوید.

ما هم اکنون در دریای تکلیف قرار داریم و امواج شبهه‌ها و فتنه‌ها به ما برخورد می‌نماید و هر کس در این دریا باشد به دو چیز احتیاج دارد:

۱. کشتی بی‌عیب و نقص از هر گونه رخنه‌ای.

۲. ستارگان نورانی و آشکار.

هر گاه کسی به آن کشتی سوار شود و نگاهش بر آن ستارگان بیفتد، امید سلامتی وی بیشتر است.

پس همین طور است که هم‌کیشان ما به کشتی دوستی خاندان محمّد سوار شدند و چشمانشان را بر ستارگان صحابه قرار دادند و امیدوارند که خداوند امنیت و سلامتی دنیا و آخرت را برای ایشان رقم بزنند. «۱» گفتنی است که نیشابوری نیز همین عبارت فخر رازی را آورده و گفته است: یکی از گویندگان گوید: پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

---

(۱). تفسیر رازی: ۲۷/ ۱۶۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۴

مثل أهل بیتی کمثل سفینهٔ نوح من رکب فیها نجا ومن تخلف عنها غرق؛

مثل اهل بیت من مانند کشتی نوح است هر کس در آن سوار شود نجات می‌یابد و هر کس تخلّف کند، غرق خواهد شد.

پیامبر در سخن دیگری فرمود:

أصحابی کالنجوم بأیّهم اقتدیتم اهتدیتم؛

اصحاب من همانند ستارگان هستند به هر کدام که اقتدا کنید هدایت خواهید شد.

اینک ما بر کشتی محبّت آل محمّد علیهم السلام سوار می‌شویم و به ستارگان درخشان- که همان آثار اصحاب است- می‌نگریم تا از دریای تکلیف و تاریکی نادانی و امواج شبهه‌ها و گمراهی‌ها نجات یابیم. «۱» آلوسی نیز عبارت رازی را آورده و آن را حکیمانه دانسته است و بعد درباره لزوم محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام و پیروی از آنان و حرمت دشمنی و کینه و مخالفتشان، گفته است:

«با همه این توصیفات (پیرامون اهل بیت علیهم السلام) آن چه را بزرگان اهل سنّت درباره صحابه پیامبر اعتقاد دارند کاملًا درست می‌دانیم و دوستی اصحاب را واجب روشنی می‌شماریم؛ زیرا شارع آن

---

(۱). تفسیر نیشابوری: چاپ شده در حاشیه تفسیر طبری: ۲۵/ ۳۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۵

را واجب و لازم دانسته و دلیل‌های روشنی بر آن برپا شده است و از ظرافت‌های حکیمانه، همان سخنی است که امام رازی از بعضی گویندگان نقل کرده است «... ۱»

بررسی این گفتار ... ص: ۱۶۵

به راستی نیشابوری و آلوسی، راه درست را پیش رفته‌اند که از سخنِ آغازین فخر رازی پیروی نکرده‌اند؛ چرا که ما متوجّه نشدیم که آن مطلب با آیه مودّت چه ارتباطی دارد. علاوه براین که اشکالات اساسی دارد؛ از جمله آیه «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ* أُولئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» در کتاب‌های شیعه و سنّی این آیه به امیر مؤمنان علی علیه السلام تفسیر و معنا شده است. «۲» اما درباره داستان حکیمانه آن شخص گوینده باید بگوییم که از بخت بد این گوینده- و این گونه گویندگان- گفتار روشن و صریح ده‌ها امام و محدّث قابل اعتماد سنّی، بر باطل بودن حدیث ستارگان و جعلی بودن آن دلالت دارد. برای نمونه:

احمد بن حنبل درباره آن می‌گوید: این حدیث صحیح و درست نیست.

---

(۱). روح المعانی: ۲۴/ ۳۲.

(۲). مجمع الزوائد: ۹/ ۱۰۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۶

بزّار می‌گوید: این گفتار از پیامبر، صحیح نمی‌باشد.

دارقطنی می‌گوید: این حدیث سست و بی‌پایه است.

ابن حزم می‌گوید: این روایت دروغین، جعلی و پوچ است و هرگز درست نیست.

بیهقی این گونه اظهار نظر می‌کند: تمامی سندهای آن، ضعیف و سست است.

ابن عبدالبر می‌گوید: سندهای آن درست نیست.

ابن جوزی می‌گوید: این حدیث درست نیست.

ابوحیان می‌گوید: رسول خدا چنین حدیثی نگفته است، این حدیث جعلی است که درست نیست به پیامبر خدا نسبت داده شود.

ذهبی می‌گوید: این حدیث پوچ و باطل است.

ابن قیّم نیز به برخی از سندهای آن اشاره می‌کند و می‌گوید: هیچ کدام از آن‌ها درست نیست.

دانشـمندان دیگری نیز هم‌چون ابن حجر عسـقلانی، جلال الدین سـیوطی، سخاوی، متقی هندی، مناوی، خفاجی، شوکانی و ... آن را ضعیف و بی‌پایه دانسته‌اند. «۱»

---

(۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک حقیقت صحابه شماره ۲۵ از سلسله پژوهش‌های اعتقادی، از همین نگارنده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۷

یادآوری دوم ... ص: ۱۶۷

فخر رازی در جهات بزرگداشت بسیار این چهار وجود پاک از خاندان پیامبر چنین می‌نگارد:

جهت سوم: دعا برای خاندان پیامبر رتبه و مقام بزرگی است و برای همین این دعا را در انتهای تشهّد هر نماز قرار داده‌اند که:

خداوندا! درود فرست ...

یکی از دانشـمندان مـا، مطالبی شـگفت‌انگیز دارد که به صورت کامـل آن را در این جـا می‌آوریم. وی در ضـمن نکته سودمنـدی می‌نویسد:

قاضی نعمانی می‌گوید: خداوند در کتاب خود قرآن فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً»؛ «۱»

همانا خداوند و فرشـتگان او بر پیامبر درود و سـلام می‌فرسـتند، ای کسانی که ایمان آوردید! بر او درود و سلام فرستید و کاملًا پیرو فرمان او باشید.

---

(۱). سوره احزاب: آیه ۵۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۸

پس پیامبر صـلی اللَّه علیه وآله برای امّت خود آن را روشن نمودنـد و دوسـتان و خانـدان خود را بعد از خود قرار دادند و این باعث افتخار آن‌هاست و در غیر آن‌ها یافت نمی‌شود و در غیر آن‌ها دانسته نشده است.

پس وقتی از ایشان چگونگی درود و سلام را پرسیدند، فرمود:

بگویید:

اللهم صلّ علی محمّد وآل محمّد کما صلّیت علی إبراهیم وآل إبراهیم إنّک حمید مجید؛

خداوندا! بر محمّد و خاندان او درود فرست همان طور که بر ابراهیم و خاندان او درود فرستادی، همانا تو ستوده و باشکوه هستی.

بنابراین، درود بر پیامبر و خانـدان او که از جانب خداونـد امر شـده، فقط دعا برای آن‌ها نیست، آن گونه که اهل سـنّت می‌پندارند؛ زیرا کسـی را نمی‌شناسیم که بر پیامبر دعا نموده باشد و ایشان پسندیده باشند، و هیچ گاه کسی را نمی‌شناسیم که پیامبر به او فرمان دهد که به حضرتش دعا کند و اگر حضرت فرمان می‌دادند باید آن شخص شفیع و واسطه، رها می‌شد و اگر جواب آیه «صلّو علیه: بر او درود فرستیـد» همان صلوات و درود بر محمّـد و خانـدان محمّـد باشـد؛ فرمان الهی مردود می‌شـد، مانند کسـی که به دیگری بگوید: این کار را انجام بده،

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۶۹

آن گاه بگوید: خودت این کار را انجام بده.

و در صورتی که منظور از درود، دعا باشـد، گفتار ما «خداونـدا! بر محمّـد و خاندان محمّد درود بفرست» به این معنا خواهد بود که

«خداوندا! برای او دعا کن» که این معنا صحیح و درست نیست.

از طرفی، صحابه پیامبر همواره بر او و خاندان او درود می‌فرستادند. پس هنگامی که امویان بر مردم چیره شدند، درود بر خاندان را در نامه‌ها و گفتارشان حذف کردند و گویندگان آن را مجازات نمودند، فقط به خاطر کینه و دشمنی که با خاندان او که دوستی آنان لازم بوده است، داشتند.

با عنایت به این که آن‌ها روایت کرده‌اند: روزی پیامبر شنید که مردی فقط بر او درود و صلوات می‌فرستد و بر خاندان او درود نمی‌فرستد، فرمودند:

لا تصلّوا علیّ الصلاهْ البترهْ؛

بر من درود ناقص و دم بریده نگویید.

آن گاه او را به آن صلوات که در ابتدای مطلب گفتیم، آموزش داد.

او در ادامه می‌نویسد: و هنگامی که عباسیان بر مردم چیره شدند درود بر خاندان پیامبر را باز گرداندند و مردم را به آن فرمان دادند و تا به

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۰

امروز تعدادی از آنان مانده‌اند که به هنگام ذکر پیامبر، بر خاندان او صلوات نمی‌فرستند.

عملکرد آنان این گونه بود و آنان هیچ گاه درنیافتند که معنای درود بر آن‌ها، غیر از دعا می‌باشد- و در این معنا، اندکی پایین آوردن مقام و درجه آن‌هاست- زیرا آن‌ها به دعای رعیت و مردم نیازمند می‌شوند؛ پس چگونه خواهد بود اگر بدانند که معنای صلوات و درود در این جا به معنای پیروی می‌باشد؟ و به همین معنا است «اسب مصلّی»؛ یعنی اسب تابع و پیرو.

پس نخستین کسی که صلوات فرستاد، پیامبر بود. هنگامی که جبرئیل به او صلوات را آموخت، از او پیروی کرد، سپس حضرت علی علیه السلام از پیامبر پیروی کرد و صلوات فرستاد؛ زیرا او اولین کسی است که با این صلوات و درود از پیامبر پیروی نمود. پس خداوند پیامبر را نوید داد که در امت او کسی را به جای او قرار می‌دهد که صلوات و پیروی از او می‌نماید و این هنگامی بود که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله از خداوند خواست و عرضه داشت:

«وَاجْعَلْ لی وَزیرًا مِنْ أَهْلی اشْدُدْ بِهِ أَزْری»؛

و از خاندان من یاور و وزیری- یعنی علی را- قرار بده. او را پشت‌گرمی من قرار بده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۱

آن گاه فرمود:

«صَلُّوا عَلَیْهِ».

یعنی ولایت و محبّت علی علیه السلام را پذیرا شوید و به فرمان او گردن نهید.

پیامبر فرمود: بگویید: «خداوندا! بر محمّد و خاندان محمّد درود بفرست». این بدین معناست که از خداوند بخواهید که ولایت و سرپرستی فرمانداراني را برپا نماید که هر کدام از دیگری پیروی می‌نمایند؛ همان طور که در خاندان ابراهیم علیه السلام این گونه بود.

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله فرمود: «و بر آن‌ها برکت و فراوانی ببخشای»؛ یعنی زیادی و فزونی را در آن‌ها قرار بده و امامت را از آن‌ها قطع نفرما.

و کلمه «آل» اگر چه عمومیت بر دیگران نیز دارد؛ ولی معنای مورد نظر، همان بزرگواران هستند؛ زیرا در پیروان و خاندان و فرزندان ایشان هم کافر و هم بدکار وجود دارد که شایسته نیست بر آن‌ها درود فرستاده شود.

بنابر آن چه گذشت، روشن شد که درود و صلوات بر آل محمّد، همان باور داشت سرپرستی او و امامان از فرزندان پاک و پاکیزه ایشان می‌باشد؛ زیرا دین مردمان به وسیله آن‌ها به رشد واقعی و کمال می‌رسد و نعمت و رفاه بر آنان به نهایت می‌رسد و آنان همان نمازی هستند که

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۲

خداوند فرموده است، موجب دوری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها می‌شود؛ زیرا نمازهای واجبی که خوانده می‌شود در بسیاری از موارد این گونه نیستند. «۱»

روشنی دلالت آیه ... ص: ۱۷۲

کوتاه سخن این که معنای این آیه بر لزوم مهرورزی اهل بیت علیهم السلام کاملًا روشن است.

۱. چه این که آیه در مدینه فرود آمده باشد و چه در مکه با در نظر گرفتن روایت‌ها یا بدون در نظر گرفتن آن‌ها.

۲. و چه استثنا منقطع باشد، آن سان که نظریه بسیاری از دانشمندان سنّی می‌باشد.

از طرفی، یکی از دانشمندان بزرگوار ما هم‌چون شیخ مفید بغدادی رحمه اللَّه با توجه به این که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله هیچ گاه مزد و پاداشی برای رساندن وحی و پیامبری نمی‌خواهد، می‌نویسد:

این نظریه که خداوند مزد پیامبرش را دوستی اهل بیت او علیهم السلام قرار داده است، درست نیست و هم‌چنین مزد خود ایشان نیز نمی‌تواند باشد؛ زیرا مزد پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله همان پاداش

---

(۱). الصراط المستقیم: ۱/ ۱۹۰ و ۱۹۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۳

همیشگی است که در هم‌جواری و نزدیکی با خداوند می‌باشد.

از سوی دیگر، به خاطر این که دادگستری و بخشندگی خداوند بر عهده خودش می‌باشد و سزاوار نیست که بندگان وظیفه‌ای در برابر این گونه کارها قرار دهند؛ زیرا باید تمامی کارها خالص برای خداوند باشد و هر کاری بر او باشد، مزد ایشان نیز بر عهده خود خداوند است، نه دیگران.

افزون بر این که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَیا قَوْمِ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مالًا إِنْ أَجرِیَ إِلّا عَلَی اللَّهِ»؛

و ای قبیله و امت من! از شما هیچ پاداش و مالی نمی‌خواهم، فقط پاداش من بر عهده خداوند می‌باشد.

در آیه دیگری می‌فرماید:

«یا قَوْمِ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِیَ إِلّا عَلَی الَّذی فَطَرَنی»؛

ای قبیله من! هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم، پاداش من فقط بر عهده کسی است که مرا آفرید.

بنابراین، اگر شخصی از معنای آیه مودّت سؤال کند که مگر خداوند از آن‌ها در برابر انجام وظیفه الهی پاداش نخواسته است؟

پاسخ می‌دهیم: مطلب این گونه نیست؛ زیرا به دلیل عقلی روشن و آیات

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۴

شریفه قرآن توضیح دادیم و استثنا در این آیه از معنای جمله قبل از «إلّا» نمی‌باشد؛ بلکه استثنا منقطع و خارج از جمله است. پس معنا بدین گونه می‌شود: «بگو از شما پاداشی نمی‌خواهم، ولی دوستی و مهرورزی خاندان خود را لازم می‌دانم و شما را نسبت به

آن بازخواست می کنم».

بنابراین، جمله اول آیه کاملًا معنای جداگانه دارد و استثناء «إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی» جمله دیگری است که فائده آن، لزوم مهرورزی در خویشاوندان مخصوص پیامبر است.

این گفتار، همانند آیه دیگری از قرآن است که می‌فرماید:

«فَسَجَدَ الْمَلائِکَةُ کُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ* إِلّا إِبْلیسَ»؛

پس تمامی فرشتگان سجده نمودند مگر ابلیس.

در این آیه «إلا ابلیس» به معنای ولیکن ابلیس می‌باشد، و از جمله قبلی خود استثنا نشده است.

و نیز مانند آیه دیگری است که می‌فرماید:

«فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لی إِلَّا رَبَّ الْعالَمینَ»؛

پس آنان دشمنان من هستند مگر پروردگار جهانیان.

معنای آن، چنین است که پروردگار جهانیان دشمن من نیست.

هم‌چنین مانند گفتار شاعر است که می گوید:

وبلدةٍ لیس لها انیس إلّا الیعافیر وإلّا العیس؛ «۱»

و چه بسیارند شهرهایی که هیچ دوست و مونسی ندارد؛ مگر آهوی وحشی و شتران بیابانگرد.

۳. و چه استثنا متّصل باشد که بعضی از علمای اهل سنّت هم‌چون زمخشری، نسفی و دیگران آن را پذیرفته‌اند. «۲» البته از بزرگان مذهب ما نظیر شیخ طوسی رحمه اللَّه نیز آن را جایز دانسته است. وی در تفسیر تبیان می‌نویسد:

در این استثنا دو دیدگاه وجود دارد:

نخست این که استثنا منقطع است، زیرا مهرورزی به خاندان از پاداش و مزد مالی نمی‌باشد که در این حدیث معنا این گونه می‌شود: «شما را به دوستی نزدیکان پند و موعظه می‌نمایم».

دوم این که استثنا متّصل و واقعی باشد که معنا در این صورت این گونه می‌شود: «مزد من دوستی اهل بیت و خاندانم هست» البته گویا که مزد من است، اگر چه واقعاً اجر و مزد نیست. «۳» دانشمند دیگری از بزرگان شیعه این دیدگاه را جایز دانسته است.

---

(۱). تصحیح الاعتقاد- شیخ مفید-: ۱۴۰- ۱۴۲.

(۲). الکشّاف: ۴/ ۲۲۱، تفسیر نسفی (که در حاشیه الخازن چاپ شده): ۴/ ۹۴.

(۳). تبیان فی تفسیر القرآن: ۹/ ۱۵۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۶

شیخ طبرسی رحمه اللَّه می‌نویسد:

...« در إلّاالمودّة» دو قول وجود دارد:

نخست آن که استثنا منقطع است؛ زیرا این مهرورزی با اسلام آوردن جبران می‌شود. پس پاداش پیامبری نمی‌شود.

دوم آن که استثنا متصل باشد که معنا این گونه می‌شود: «از شما پاداشی نمی‌خواهم مگر آن چه را خود به عنوان پاداش پذیرا شوم و به آن خشنود گردم»؛ همان طور که از دیگری کاری می‌خواهی پس طرف مقابل در برابر آن پولی می‌خواهد، می گویی: «پول مرا، برآورده شدن کار من قرار بده».

در واقع معنا این گونه می‌شود که هیچ پاداشی نمی‌خواهم، و اگر پاداشی بخواهم، نفع و بهره آن به خودتان می‌رسد. پس گویی

پاداشی از شما نخواسته‌ام.

البته توضیح این بحث در آیه «قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»؛ «بگو: هر پاداشی از شما بخواهم پس برای شماست» گذشت.

شیخ طبرسی در ادامه به حدیثی اشاره می کند و می گوید:

ابوحمزه ثمالی در تفسیر خود گفته است: عثمان بن عمیر، از سعید بن جبیر، از عبداللَّه بن عباس این گونه روایت نموده است:

هنگامی که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله به مدینه قدم نهادند و پایه‌های دین

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۷

اسلام را محکم و استوار نمودند، انصار در بین خود گفتند: نزد رسول خدا می‌رویم و می گوییم: گرفتاری‌های مالی زیاد بر تو روی آورده، پس این دارایی‌های ما را بپذیر «... ۱»

اصل در استثنا ... ص: ۱۷۷

این بود مطالبی که درباره استثنا آیه مطرح شده است؛ ولی در جای خود روشن و ثابت شده است که هر گاه شک داشتیم که استثنا متصل است یا منقطع، اصل در این جا، حکم به اتصال استثنا می کند و تا آن جا که ممکن باشد باید به همان معنا حمل شود، به همین جهت برخی از علمای اهل سنّت مانند بیضاوی از ذکر نظریه استثنا متصل طرفداری کرده و استثنا منقطع را به عنوان قولی، مطرح کرده‌اند؛ بلکه بعضی از بزرگان ما استثنا منقطع را نپذیرفته‌اند. شهید شوشتری رحمه اللَّه در این باره می‌نویسد:

نزد پژوهش گران زبان عربی و لغت دانان ثابت شده است که استثنا منقطع مجاز و بر خلاف اصل می‌باشد و هیچ گاه بر آن حمل نمی‌شود، مگر آن که نتوان آن را به متصل معنا کرد، بلکه چه بسیار است که معنای ظاهری کلمه را که به ذهن تبادر می کند، کناری نهاده‌اند فقط

---

(۱). مجمع البیان: ۹/ ۲۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۷۸

به خاطر این که استثنا را متصل معنا نمایند، همان گونه شارح عضدی به آن تصریح نموده است، آن جا که گوید:

واقعیت این است که استثنا متصل روشن‌تر است. پس کلمه «إلا» مشترک بین این دو معنا نمی‌باشد و بلکه وضع اصلی آن در استثنا متصل می‌باشد و در منقطع مجاز می‌باشد و برای همین گفته‌اند: عبارت‌هایی مثل: «صد درهم از او نزد من است مگر پیراهنی» و «شتری از او نزد من است مگر گوسفندی»، به معنای مگر بهای پیراهن یا بهای گوسفندی است.

پس در این جا کلمه‌ای را در تقدیر می گیرند که بر خلاف ظاهر است؛ به هدف این که استثنا متصل شود و اگر استثنای منقطع اصل بود معنای ظاهری عبارت را عوض نمی کردند. «۱»

---

(۱). احقاق الحق وازهاق الباطل: ۳/ ۲۱ و ۲۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۱

بخش پنجم دلالت آیه بر امامت و سرپرستی ... ص: ۱۸۱

جهاتی در دلالت آیه ... ص: ۱۸۱

اشارهٔ

بنـابر آن چه گـذشت، این آیه مبـارکه هر گونه که معنـا بشود بر امـامت و سـرپرستی امیر مؤمنـان علی و خانـدان پیـامبر اکرم علیهم السلام، از چند جهت دلالت دارد:

۱. خویشاوندی خاندانی و امامت ... ص: ۱۸۱

اشارهٔ

اگر برای نسبت خویشاوندی ارزشی در ایجاد سرپرستی و امامت، نباشد بدون شک امیرالمؤمنین علیه السلام، از همه جهات دیگر به نحو کامـل، برترین فرد موجود بودهانـد که اسـتحقاق امامت را داشـتهاند ... لکن با این حال، عنوان خویشاونـدی در این جا دخل و ارزشی پیدا کرده است؛ همان طور که به زودی خواهید دید.

سید ابن طاووس حلّی رحمه اللَّه در ردّ رساله عثمانیه جاحظ؛ سخن بسیار زیبایی دارد. وی می گوید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۲

فرقه عثمانیه باور دارنـد که هیـچ گاه شخصـی به ریاست و سـرپرستی دین نمی‌رسد مگر با دین. آن‌ها در ادامه مطلب با عبارت‌های بسیار طولانی و بی‌پایه، کتاب خود را پر نموده و سخنانی نظم گونه و کلماتی درست و نادرست را دستاویز خود قرار داده‌اند.

آن گاه سید بن طاووس در بیان این باور می‌افزاید:

نظر شـیعه این نیست که شایستگی سرپرستی و ریاست فقط به خویشاوندی منحصر است- با این بیان تمام آن اشکالاتی را که مطرح کرده‌اند، از بین می‌رود- بلکه شـیعیان می گویند: اگر خویشاوندی دلیلی برای شایسـتگی باشد، بنی هاشم سـزاوارترند و از میان بنی هاشم، علی علیه السلام نیز از همه آنان سزاوارتر است.

اگر به پیوند سببی باشد، باز علی علیه السلام برتر است؛ زیرا او تنها داماد پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌باشد.

اگر هم به پرورش و تربیت است؛ بـاز علی علیه السـلام بالاـتر از دیگران است، و اگر به ولاـدت از بهترین زنـان است، پس باز علی علیه السلام والاتر است.

اگر به مهـاجرت باشـد، پس بـاز علی علیه السـلام به جـای پیامبر در بستر آن حضـرت خفت و سـبب مهاجرت پیامبر شـد. پس تمام مهاجران جز پیامبر، بر سر سفره ایثار و از خود گذشتی او قرار دارند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۳

اگر به کارزار و جهاد باشد، باز علی علیه السلام از همگان والاتر است و اگر به حفظ قرآن باشد، پس علی علیه السلام برتر است.

و اگر به تفسیر آن باشـد، بـاز علی علیه السـلام برتر است و اگر به دانایی و دانش باشـد باز علی علیه السـلام والاتر و دانشـمندتر از دیگران است و اگر به سـخنوری باشد، پس علی علیه السـلام برتر و سخنران‌تر است و اگر به سرودن شعر باشد، باز علی علیه السلام برتر است.

صولی در این زمینه روایت کرده است که ابوبکر و عمر شاعر بودند؛ ولی علی از همه شاعرتر بود.

و اگر به گشودن درهـای بحث اعتقـادی و کلامی باشـد، پس علی علیه السـلام از همگان والاتر است و اگر به نیک کرداری است، پس علی علیه السلام برتر است، زیرا عمر، بهترین گواه آن است.

و اگر به یاری مستمندان و کارهای خیر باشد، پس علی علیه السلام والاتر است، و اگر به قدرت جسمی باشد، پس علی علیه السلام برتر است؛ دلیل آن، درِ خیبر است.

و اگر به زُهد و پارسایی باشد، باز علی علیه السلام برتر است؛ چرا که در تحمّل سختی‌ها، گریه، بی‌نیازی، عبادت، پیشی گرفتن در ایمان و...

از همگان برتر بود.

و اگر همه فضیلت‌ها و صفت‌های نیکویی که از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۴

نقل شده، وجود نداشته باشد؛ باز علی علیه السلام والاترین مقام و رتبه را دارد، به بیانی که در فصل‌های پیشین روایت‌هایی را از احمد بن حنبل و دیگران آوردیم.

و اگر به قدرت درک و هوشیاری است، پس علی علیه السلام برتر است؛ به خاطر این گفتار پیامبر صلی اللَّه علیه وآله که فرمود:

إنّ اللَّه أمرنی أن ادنیک ولا اقصیک وأن اعلّمک وتعی، وحق علی اللَّه أن تعی؛

خداوند به من فرمان داده است تا تو را نزدیک سازم و دور ننمایم و تو را بیاموزم، تو نیز فراگیری و درک نمایی و این حکم خداوند است که تو درک نمایی و هوشیار باشی.

و اگر به قضاوت و تدبیر است، پس علی علیه السلام والاتر است، به دلیل گواهی پیامبر به دانش و فرزانگی ایشان.

پس از بیان این مطالب، روشن می‌شود که هدف ما از بیان معنای رابطه خویشاوندی چیست؟ و به همین جهت است که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، از کسانی تعجب می‌کند که تنها ویژگی صحابه پیامبر بودن را در به دست آوردن خلافت، بر دو ویژگی صحابی و خویشاوندی با پیامبر (که در خود ایشان جمع بود) ترجیح دادند.

آن گاه سید بن طاووس حلّی رحمه اللَّه می‌گوید:

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۵

جاحظ در این گفته اشتباه نموده که «هیچ کس به امامت در دین نمی‌رسد مگر این که ملاک‌های دینی داشته باشد»؛ زیرا اگر رهبر دینی از استحکامی که مورد نیاز امامت است، برخوردار نباشد، هیچ گاه شایسته امامت و ریاست نیست؛ در حالی که او آن را فقط به دیانت محدود کرده بود و استثنا از نفی، مثبت است...

به راستی خویشاوندی تأثیر محکمی در امامت و رهبری دارد، به این دلیل که هر گاه شخصی بر شرافتمندان خاندانی از غیر خودشان، پیشی بگیرد و کسی که در شکوه به آن‌ها نمی‌رسد و شباهت به آن‌ها ندارد بر آنان ریاست کند؛ آنان از او گریزان خواهند بود و با او به پستی برخورد می‌نمایند و هر گاه بر رهبران حقیقی، کسی دیگر پیشی بگیرد و امامت بر آن‌ها را غریب و ناآشنایی از غیر خاندانشان به عهده بگیرد، همواره از وی دوری می‌گزینند و او را به کناری می‌نهند و این باعث خرابی دین و دنیا می‌شود و گاهی به صورت اتفاقی صورت می‌پذیرد؛ ولی روش معمول همان است که به آن اشاره نمودیم و به تحقق آن، کارها پیش می‌رود.

آن گاه سید بن طاووس رحمه اللَّه به دلالت آیه مودّت اشاره می‌کند و می‌گوید:

به راستی که قرآن مجید به دوستی و توجّه به نزدیکان خاندان

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۶

پیامبر خدا علیهم السلام فرمان داده است، همین دلیل باعث مقدّم بودن ایشان بر دیگران است، با این که آنان شایستگی‌های دیگری دارند که افراد دیگری نمی‌توانند بر آن‌ها برتری پیدا کنند. پس چگونه کسی بر آن‌ها پیشی بگیرد که نسبتی ندارد و آن شایستگی‌ها و فضیلت‌ها را دارا نیست؟!

ثعلبی بعد از آن که در ذیل آیه مودّت سخنی نقل می‌کند، می‌گوید:

حسین بن محمّد، از برهان بن علی صوفی، از حرب بن الحسن طحّان، از حسین اشقر، از قیس، از اعمش، از سعید بن جبیر برای من این گونه نقل کرد که ابن عباس گفت:

هنگامی که این آیه فرود آمد، مردم گفتند: ای پیامبر خدا! چه کسانی خویشان شما هستند که دوستی آنان را بر ما لازم دانستی؟

پیامبر فرمود:

علی وفاطمهٔ وابناهما؛

علی و فاطمه و فرزندانشان.

آن گاه ثعلبی مطالب زیادی را که ایجاد انگیزه در دوستی اهل بیت علیهم السلام می کند، روایت کرده است. از جمله می گوید:

ابوحسان مزکّی، از ابوالعباس محمّد بن اسحاق، از حسن بن علی بن زیاد سری، از یحیی بن عبدالحمید حمانی، از حسین اشقر، از قیس، از

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۷

اعمش، از سعید بن جبیر نقل می کند که ابن عباس گفت:

هنگامی که آیه مودّت نازل شد، مردم گفتند: ای رسول خدا! اینان که خداوند به مودّت و مهرورزی آنان فرمان داده است چه کسانی هستند؟

پیامبر فرمود:

علی وفاطمهٔ وولدهما؛

علی، فاطمه و فرزندان آن‌ها.

ثعلبی روایت دیگری را این گونه نقل می کند: ابوبکر بن حرث، از ابوالسبح، از عبداللَّه بن محمّد بن زکریا، از اسماعیل بن یزید، از قتیبهٔ بن مهران، از عبدالغفور ابوصباح، از ابوهاشم رمّانی، از زاذان نقل کرده که علی علیه السلام فرمود:

فینا فی آل حم آیهٔ إنّه لا یحفظ مودّتنا إلّاکلّ مؤمن؛

در شأن و مرتبه ما در آل حم (سوره‌های حم دار) آیه‌ای درباره ما نازل شد که طبق آن، هیچ کس مودّت و دوستی ما را نگه نمی‌دارد مگر شخص باایمان و پارسا.

آن گاه حضرتش این آیه را تلاوت فرمودند که «قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَٔ فِی الْقُرْبی».

کلبی در این باره گوید: بگو: به خاطر رسالتم از شما هیچ پاداشی

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۸

نمی‌خواهم مگر آن که خویشان مرا دوست بدارید.

آن گاه سید بن طاووس رحمه اللَّه می‌نویسد: بهتر دیدم آیاتی را که درباره آن‌ها آمده است، برای او بازگو کنم. «۱»

تحلیل و بررسی ... ص: ۱۸۸

تردیدی نیست که خویشاوندی و نزدیکی نسبی تأثیرگذار است و به راستی توجّه و خواست الهی به نزدیکان پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله؛ یعنی علی و زهرا پاره تن پیامبر و فرزندانشان، دلیل و حکمتی دارد که در احادیث پیامبر شواهد زیادی وجود دارد که به صورت خلاصه به برخی اشاره می‌نماییم:

مسلم، ترمذی، ابن سعد و دیگران از واثله روایت کرده‌اند که گوید: از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله شنیدم که می‌فرماید:

إنّ اللَّه عزّوجلّ اصطفی کنانهٔ من وُلد إسماعیل علیه الصلاهٔ والسلام، واصطفی قریشاً من کنانهٔ، واصطفی من قریش بنی هاشم،

واصطفانی من بنی هاشم؛ «۲»

خداوند بزرگ و با شکوه از فرزندان اسماعیل علیه السلام کنانه را

---

(۱). بناء المقالة الفاطمیة فی نقض رسالة العثمانیه: ۳۸۷- ۳۹۱.

(۲). جامع الاصول: ۹/ ۳۹۶، به نقل از مسلم و ترمذی، طبقات الکبری: ۱/ ۲۰، الشفا بتعریف حقوق المصطفی: ۶۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۸۹

برگزید و از کنانه، قریش و از قریش، فرزندان هاشم و مرا از فرزندان هاشم برگزید.

حافظ ابونعیم اصفهانی فصل دوم کتاب خود را در برتری پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از جهت پاکی زادگاه، خاندان و دیگر خوبی‌ها قرار داده و روایت‌های زیادی را با سندهای آن، آورده است که بعضی از آن‌ها را پیش‌تر آوردیم، از جمله این روایت است که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

إنّ اللَّه عزّوجلّ حین خلق الخلق جعلنی من خیر خَلقِه، ثمّ حین خلق القبائل جعلنی من خیر قبیلتهم، وحین خلق الأنفس جعلنی من خیر أنفسهم، ثمّ حین خلق البیوت جعلنی من خیر بیوتهم، فأنا خیرهم أباً وخیرهم نفساً؛ «۱»

همانا خداوند متعال هنگامی که تمام هستی را آفرید، مرا از بهترین آفریدگانش قرار داد. سپس هنگام آفرینش تمام گروه‌ها و قبیله‌ها، مرا از بهترین آنان قرار داد و هنگام آفرینش جان‌ها مرا از بهترین و والاترین جان‌ها قرار داد، سپس هنگامی که خاندان‌ها را می‌آفرید، مرا از بهترین و پاک‌ترین خاندان‌ها آفرید. پس من بهترین آنان از جهت پدر و از جهت جان، هستم.

---

(۱). دلائل النبوه: ۶۶/ ۱۶ «ذِکر اصطفائهم» و «ذِکر أنّهم خیر الخلق».

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۰

حافظ محبّ الدین طبری نیز برخی دیگر از این روایت‌ها را در عنوان «یادآوری برگزیدگی آنان» و «یادآوری این که آنان بهترین آفریدگان هستند» آورده است. «۱» قاضی عیاض در این زمینه گوید: باب دوم: «خداوند محاسن خلقت و حسن معاشرت و تمام فضایل دینی و دنیوی را یک جا در ایشان تکمیل کرده است».

آن گاه در این باب عبارت‌های بسیار سودمندی را به صورت طولانی آورده است. «۲» بنابراین، بین آیه مودّت و آیه تطهیر و روایت‌هایی «برگزیدگی آنان» و روایت‌های «بهترین آفریده خداوند بودن» وابستگی کاملی برقرار است.

بعد از این، روایت‌های سقیفه و دلیل‌هایی که بین دو گروه انصار و مهاجر رد و بدل شد، به روشنی بر آن دلالت می‌نماید. در این باره بخاری این گونه روایت می‌کند:

ابوبکر مردم را مخاطبِ سخن خود قرار داد و گفت: هیچ گاه

---

(۱). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی: ۱۰.

(۲). الشفا بتعریف حقوق المصطفی: ۴۶. «الباب الثانی فی تکمیله تعالی له المحاسن خلقاً وخلقاً وقرانه جمیع الفضائل الدینیة والدنیویة فیه نسقاً».

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۱

مردم عرب امر جانشینی را در غیر قریش نمی‌دانند و آن‌ها بهترین خاندان در نَسب و منزلت هستند. «۱» بدیهی است که هیچ عاقلی در شرافت و بلندی مرتبه علی علیه السلام بر تمامی مهاجر و انصار، هیچ گونه تردیدی نمی‌نماید.

پس واجب و بایسته است که همو امام و رهبر باشد.

فراتر این که طبری و دیگران سخنانی روشن‌تر و واضح‌تر از این آورده‌اند. طبری گوید: حضرت علی علیه السلام در سخنان خود این گونه فرمود:

فخصَّ اللَّه المهاجرين الأوّلين من قومه بتصديقه والإيمان به والمواساة له والصبر معه على شدّة أذى قومهم لهم ولدينهم، وكلّ الناس لهم مخالف زارٍ عليهم، فلم يستوحشوا لقلّة عددهم وشنف الناس لهم وإجماع قومهم عليهم.

فهم أوّل من عَبَدَ اللَّه فى الأرض وآمن به وبالرسول، وهم أولياؤه وعشيرته وأحق الناس بهذا الأمر من بعده، ولا ينازعهم فى ذلك إلّا ظالم؛ «۲»

خداوند مهاجران اولین را از قوم او قرار داد و آنان را به صفاتی

(۱). صحیح بخاری: کتاب حدود باب ۳۱، طبری: ۳/ ۲۰۳، سیره ابن هشام: ۲/ ۶۵۷ و دیگر منابع.

(۲). تاریخ طبری: ۳/ ۲۱۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۲

ویژه اختصاص داد؛ تصدیق رسول اللَّه، ایمان آوردن به پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله؛ و هم‌چنین در حالی که قوم آن‌ها، ایشان را به خاطر دین‌شان مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند، با پیامبر همراه شده، صبر و شکیبایی ورزیدند و این در حالی بود که تمام مردمان نسبت به ایشان عیب‌جو و ناسازگار بودند. پس هیچ گاه به خاطر تعداد اندکشان و روی گردانی مردم از آنان و ناسازگاری همگانی قوم خویش، نهراسیدند.

پس آنان اولین افرادی هستند که روی زمین خداوند را پرستیدند و به او ایمان آوردند و پیامبرش را باور داشتند و آنان دوستان او و خانواده او و سزاوارترین مردم به خلافت و سروری بعد از او بودند و فقط ظالم و ستمگر با آنان جنگ و ناسازگاری می‌نماید.

در روایت ابن خلدون این گونه آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمودند:

نحن أولياء النبىّ وعشيرته وأحقّ الناس بأمره ولا ننازع فى ذلك؛ «۱»

ما دوستان پیامبر و خاندان او و سزاوارترین آنان به جانشینی هستیم که در این باره نباید با ما نزاعی صورت بگیرد.

(۱). تاریخ ابن خلدون: ۲/ ۸۵۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۳

و در روایت محب طبری از موسی بن عقبه، از ابن شهاب آمده است که آن حضرت فرمودند:

فكنّا- معشر المهاجرين- أوّل الناس إسلاماً، ونحن عشيرته وأقاربه وذوو رحمه، ونحن أهل الخلافة، وأوسط الناس أنساباً فى العرب، ولدتنا العرب كلّها، فليس منهم قبيلة إلّاالقريش فيها ولادة، ولن تصلح إلّا لرجل من قريش؛ «... ۱»

پس ما گروه مهاجران، اولین مردمان بودیم که به اسلام گرویدیم و ما قوم و قبیله و خویشان او (حضرت رسول) هستیم، خلافت از آنِ ماست، ما (قریش) با همه قبائل عرب نسبت داریم، و حکومت شایسته کسی جز رجال قریش نیست...

حال، ما می‌گوییم: اگر چنین باشد به راستی آیا این ویژگی‌ها در والاترین پایه‌های آن و برترین مقام‌ها، در غیر علی علیه السلام گرد آمده است؟!

همانا علی علیه السلام تنها کسی است که تمام این ویژگی‌ها در او گرد هم آمده است. پس همو «ذوو رحمه» (خانواده پیامبر)، «عشيرة النبى» (خویشاوند نزدیک)، «دوست» و «نخستین کسی که خداوند را

(۱). الریاض النضره: ۱/ ۲۱۳.

بر زمین پرستید». پس همو «شایسته‌ترین مردمان به جانشینی بعد از او می‌باشد و جز ستم‌گر کسی با او در ریاست، جنگ و ناسازگاری نمی‌نماید».

و به همین دلیل می‌بینیم، امیر مؤمنان علی علیه السلام در جلسه شورا، قرابت خود به پیامبر را به عنوان دلیل و برهان اقامه می‌کند و می‌فرماید:

أُنشدکم باللّه، هل فیکم أحد أقرب إلی رسول اللّه صلّی اللّه علیه وآله وسلّم فی الرحم منّی، ومَن جعله نفسه وأبناءه أبناءه ونساءه نساءه؟!

قالوا: اللّهمّ لا ...» الحدیث؛ «۱»

شما را به خداوند قسم می‌دهم! آیا در میان شما کسی به پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله در خویشاوندی از من نزدیک‌تر هست؛ کسی که پیامبر او را، جان خود، فرزندانش را فرزندان خود و زنانش را زنان خود معرفی کند؟

پس همگان گفتند: به خدا سوگند! هرگز...

در این راستا است که طلحه و زبیر نیز به آن اقرار و اذعان نمودند؛ زمانی که مردم بعد از کشتن عثمان به حضور آن حضرت باز گشتند تا

(۱). الصواعق المحرقه: ۹۳ به نقل از دارقطنی.

پیمان فرمان برداری او را بپذیرند- بنابر روایت ابن حنفیّه، که می‌گوید: - حضرت علی علیه السلام فرمودند: «مرا به سروری و خلافت نیازی نیست، بر شما باد طلحه و زبیر».

مردم گفتند: شما نیز همراه ما بیایید. علی علیه السلام به همراه گروهی از مردم که من نیز با آنان بودم، بیرون آمدیم؛ تا این که نزد طلحهٔ بن عبیداللّه آمدیم. حضرت به او فرمود: مردم، همگان برای پیمان بستن به نزد من آمده‌اند و مرا به پیمان آنان نیازی نیست، پس دست خویش فرا آر تا بر قرآن و سنّت پیامبرش با تو هم پیمان شوم.

طلحه به ایشان گفت: همانا تو از من سزاوارتر و شایسته‌تری؛ به خاطر پیشی گرفتن تو (در ایمان) و خویشاوندیت و قطعاً مردمانی تو را پذیرفته‌اند که با من ناسازگارند.

علی علیه السلام فرمود: می‌ترسم پیمان خود را بشکنی و به من بی‌وفایی نمایی.

طلحه گفت: از آن نترس، به خداوند سوگند! از جانب من کاری که ناپسند تو باشد، نخواهی دید.

علی علیه السلام فرمودند: خداوند عهده‌دار و گواه تو باشد.

آن گاه حضرتش نزد زبیر بن عوّام آمد در حالی که ما همراه او بودیم و آن چه به طلحه فرموده بود، تکرار نمود و او نیز همان گونه

پاسخ داد. «۱» این مطلب روشن شد؛ ولی جاحظ در نوشته خود که برای دفاع از عثمانیه قرار داده بر آن بسیار لجاجت و عناد ورزیده است. اما سید بن طاووس حلّی رحمه اللّه در پاسخ او گفته است: جاحظ آیه‌ای از قرآن را دستاویز قرار داده است، آن جا

که می‌فرماید:

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلّا ما سَعى»؛

و انسان جز حاصل کوشش خویش ندارد.

در صورتی که این آیه هیچ گونه ردّی به مسأله به خویشاوندی وارد نمی‌آورد؛ خویشاوندی به علاوه دیندارای و شایستگی موجب برتری دیگران و سزاواری در رسیدن به ریاست بر افراد دیگر است.

دستاویز دیگری که به آن چنگ زده حدیثی است که از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله نقل شده که آن حضرت به گروهی از فرزندان عبدالمطّلب فرمودند:

إنّی لا اغنی عنکم من اللَّه شیئاً؛

من در امور الهی، هرگز از شما بی‌نیاز نیستم.

این روایت سندی ندارد و به هیچ کتابی آن را نسبت نداده است

---

(۱). کنز العمال: ۵/ ۷۴۷- ۷۵۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۷

و جواب آن، روایت ثعلبی است که از یعقوب بن سری، از محمّد بن عبداللَّه الحفید، از عبداللَّه بن احمد بن عامر، از پدرش، از علی بن موسی الرضا، از پدرش موسی بن جعفر، از پدرش جعفر بن محمّد صادق، از پدرش محمّد بن علی باقر، از پدرش علی بن الحسین سجاد، از پدرش حسین بن علی، از علی بن ابی طالب علیهم السلام نقل شده که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

حرّمت الجنّة علی من ظلم أهل بیتی وآذانی فی عترتی، ومن اصطنع صنیعة إلی أحد من وُلد عبدالمطّلب ولم یجازه علیها، فأنا جازیه [به] غداً إذا لقینی فی القیامة؛

بهشت بر کسی که به اهل بیت من ظلم کند و مرا با آزار ایشان بیازارد، حرام شده است و هر که خدمتی به یکی از فرزندان عبدالمطّلب نماید و کسی پاداش به او ندهد، خودم در روز واپسین هنگام دیدن او، پاداش وی را خواهم داد.

حدیث دیگری را شیخ دانشمند ابوعبداللَّه محمّد بن عمران بن موسی مرزبانی در کتاب فی ما نزل من القرآن فی أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب علیهما السلام آورده که نقشه جاحظ را نقش بر آب نموده است.

وی می‌نویسد:

آیاتی که در سوره نساء درباره آن حضرت نازل شده در این

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۸

روایت است که علی بن محمّد، از حسن بن حکم حبری، از حسن بن حسین، از حیّان، از ابن کلبی، از ابوصالح نقل می‌کند که ابن عباس درباره آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذی تَسائَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحامَ إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقیبًا» «۱» گفت:

این آیه درباره پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله و خاندان و بستگان آن حضرت نازل شده است؛ چرا که هر رابطه و نسبت خویشاوندی در روز واپسین بریده خواهد شد مگر خویشاوندی و وابستگی به پیامبر.

از طرف دیگر، روایتی از عمر نقل شده، گواه معنای این روایت است، زیرا او بر نسبت پیدا کردن با امیر مؤمنان علی علیه السلام بسیار اصرار ورزید.

دست‌آویز دیگر جاحظ آیه‌ای است که می‌فرماید:

«وَاتَّقُوا یَوْمًا لاتَجْزی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئًا وَلا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَلا یُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَلا هُمْ یُنْصَرُونَ»؛ «۲»

و بترسید از روزی که کسی به کار کسی نمی‌آید و از او عوض و بدلی قبول نگیرند و کسی آن‌ها را یاری نرساند.

---

(۱). سوره نساء: آیه ۱؛ و از خدایی که به نام او از یک‌دیگر چیزی درخواست می‌کنید، پروا نمایید و از (قطع ارتباط با) خویشاوندان بپرهیزید، به یقین خدا همیشه مراقب شماست.

(۲). سوره بقره: آیه ۴۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۱۹۹

با توجه به این آیه، به راستی جاحظ یا نادان است یا خود را به نادانی زده است؛ چرا که این آیه درباره کافران نازل شده، نه درباره رهبران و سروران مسلمانان یا نزدیکان پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله؛ زیرا که در پایان آیه می‌فرماید:

«وَلا هُمْ یُنْصَرُونَ»؛

و کسی آن‌ها را یاری نرساند.

آیه دیگری که جاحظ دست‌آویز قرار داده؛ خداوند می‌فرماید:

«یَوْمَ لایُغْنی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئًا»؛

و روزی که هیچ دوستی به دوستش نمی‌تواند یاری رساند.

این آیه را به خاطر پنهان کاری و ناراستی یا نادانی یا به علت‌های دیگر، به صورت ناقص آورده است، که دلیل‌های اول نزدیک‌تر است؛ زیرا خداوند آن را به این صورت کامل و تمام آورده و فرموده است:

«وَلا هُمْ یُنْصَرُونَ* إِلّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ الرَّحیمُ»؛ «۱»

و نه آنان یاری می‌شوند، مگر کسی را که خداوند او را مورد رحمت قرار دهد. همانا خداوند آن بی‌همتای قدرتمند رحمت‌گستر است.

بنابراین، فرزندان پاک پیامبر مورد رحمت و بخشایش خداوند

---

(۱). سوره دخان: آیه‌های ۴۱ و ۴۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۰

هستند و آیات و احادیث فراوانی در این باره داریم. پس رشته دستاویز او پاره شد؛ البته همه کسانی که مورد رحمت الهی و متدیّن هستند سزاواری ریاست در دین را ندارند.

دستاویز دیگر جاحظ آیه‌ای است که می‌فرماید:

«یَوْمَ لایَنْفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ* إِلّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلیمٍ»؛ «۱»

روزی که مال و فرزندان هیچ بهره‌ای ندارد، مگر کسی که با دلی پاک و سلیم به نزد خدا آید.

این آیه شریفه نیز با بیان آغازین سخنش، سازگاری ندارد، با این همه، پاسخ آن بسیار روشن است؛ زیرا تمامی مفسّران قرآن یا برخی درباره معنای «سلیم» گفته‌اند که منظور، شرک نورزیدن است و درست همین است.

دستاویز دیگر جاحظ این آیه است که می‌فرماید:

«یا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمْ وَاخْشَوْا یَوْمًا لایَجْزی والِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلا مَوْلُودٌ»؛ «۲»

ای مردم! تقوای پروردگارتان را پیشه کنید و از روزی که هیچ پدری کیفر فرزند را به عهده نگیرد و هیچ فرزندی کیفر پدر را

عهده‌دار نمی‌شود، بترسید.

---

(۱). سوره شعراء: آیه‌های ۸۷ و ۸۸.

(۲). سوره لقمان: آیه ۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۱

این آیه هیچ ارتباطی بـا رهبری و ریـاست در دنیـا نـدارد. این جایگاه با توجّه به حـدیث امام رضا علیه السـلام مخصوص خویشان رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله است.

علاوه بر این که مفسران گفته‌اند:

آیه «عَسی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقامًا مَحْمُودًا»؛ «۱»

«امیـد است پروردگـارت تو را به مقـام پسـندیده برسانـد». به معنای شـفاعت است. پس اگر پیامبر گرامی درباره همه مردم می‌تواند شفاعت نماید، پس فرزندان و خویشان وی نسبت به دیگران سزاوارترند.

هم‌چنین در آیه «وَلَسَوْفَ یُعْطیکَ رَبُّکَ فَتَرْضی»؛ «۲»

«و خداوند تو را آن چنان خواهد بخشید تا خشنود گردی» نیز گفته‌اند: به معنای شفاعت است.

دستاویز دیگر جاحظ این آیه است که می‌فرماید:

«وَاتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ ابْنَیْ آدَمَ»؛ «۳»

و بر آنان خبر و داستان دو فرزند حضرت آدم را بخوان.

این آیه نیز هیچ ربطی به آنچه گفته ندارد.

آن گاه جاحظ داستان نوح علیه السلام و کنعان را دستاویز کرده است

---

(۱). سوره اسراء: آیه ۷۹.

(۲). سوره ضحی: آیه ۵.

(۳). سوره مائده: آیه ۲۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۲

که این داستان نیز ارتباطی به خواسته او ندارد؛ زیرا کجا مقام کنعان به سروران و مهتران امت اسلامی می‌رسد؟

آیه دیگری که جاحظ آن را دستاویز قرار داده این است که می‌فرماید:

«لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمینَ»؛ «۱»

پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.

گفتنی است که علمـای مـذهب شـیعه درباره این آیه تحقیق‌های محکمی دارنـد؛ زیرا آنان گفته‌انـد: هر آن که کفر و بی‌دینی از او بروز نمـوده است بی‌تردیـد در گذشـته سـتمگر بوده است، پس برازنـده جایگـاه رهـبری و ریـاست نمی‌باشـد. پس این آیه به ضـرر جاحظ است نه به نفع او. از طرفی علمای شیعه در این باره روایاتی را از طریق اهل سنّت نیز نقل کرده‌اند. «۲»

۲. لزوم مهرورزی سبب لزوم پیروی و اطاعت ... ص: ۲۰۳

معنای مودّت در این جا فقط دوستی صرف نیست، به خصوص در آیه‌ای که می‌فرماید:

«ذلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّهَٔ فِی الْقُرْبی وَمَنْ یَقْتَرِفْ

(۱). سوره بقره: آیه ۱۲۴.

(۲). بناءُ المقالهٔ الفاطمیهٔ فی نقص الرسالهٔ العثمانیه: ۳۹۱- ۳۹۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۳

حَسَنَهًٔ »؛...

این همان پاداشی است که خداوند بندگان خود را که باور دارند و کارهای شایسته کرده‌اند بدان مژده داده است، بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندان، و هر کس نیکی به جای آورد و طاعتی اندوزد برای او در ثواب آن خواهیم افزود...

پس در این آیه بنابر آن که استثنا متصل باشد مودّت و مهرورزی پاداش و بهای رسالت و پیامبری قرار گرفته و روشن است که اگر تناسب و برابری بین چیزی و مقابل آن، نباشد، عنوان پاداش بر آن صدق نمی‌کند. در این صورت اگر به بزرگی رسالت محمّدی در پیشگاه خداوند و نزد مردمان بنگریم به عظمت و مرتبه بزرگ این پاداش دست خواهیم یافت که همان مهرورزی به نزدیکان خواهد بود.

هم‌چنین است اگر استثنا منقطع باشد؛ زیرا در روایت‌ها آمده است که مسلمانان می‌خواستند به پیامبر دارایی‌های زیادی را در عوض اجر پیامبری بپردازند تا ایشان در راحتی و آسایش باشند، پس ایشان- بنابر این نظریه- قبول نفرمودند و هیچ پاداشی را از آن‌ها نخواستند، سپس فرمودند: ولی مهرورزی خاندان خود را بر شما واجب می‌دانم و آن را از شما می‌خواهم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۴

پس واجب نمودن مهرورزی- در جایی که امکان داشت پیامبر از آن‌ها چیز دیگری هم بخواهد نشان دهنده این است که این کار- از همه چیزها نزد خداوند و پیامبرش مهم‌تر بوده است.

کوتاه سخن این که آن چه خواسته شده مهرورزی و دوستی به تنهایی نیست، بلکه دوستی و مهرورزیی است که اطاعت و پیروی را در پی دارد. خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ کُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْکُمُ اللَّهُ»؛ «۱»

بگو: اگر خداوند را دوست می‌دارید، پس مرا پیروی نمایید تا خداوند شما را دوست بدارد.

پیروی یعنی فرمان برداری از دستورات الهی؛ همان طور که در آیه مبارکه آمده است:

«وَإِنَّ رَبَّکُمُ الرَّحْمنُ فَاتَّبِعُونی وَأَطیعُوا أَمْری»؛ «۲»

و او پروردگار شما (خدای) رحمان است، پس مرا پیروی نمایید و از فرمان من اطاعت کنید.

بنابراین، پیروی، گردن نهادن کامل و فرمان برداری مطلق، همان معنای امامت و ولایت است.

(۱). سوره نساء: آیه ۲۱ و به تفاسیر دیگر مانند تفسیر رازی: ۸/ ۱۷ رجوع کنید.

(۲). سوره نور: آیه ۵۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۵

علامه حلی رحمه اللَّه در بحث امامت علی علیه السلام از دیدگاه قرآن می‌نویسد:

چهارمین آیه، آیه مودّت است، آن جا که می‌فرماید:

«قُلْ لاأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی».

و وجوب مهرورزی با ایشان مستلزم وجوب اطاعت از ایشان است. «۱» در جای دیگر می‌فرماید: «دلیل هفتم: آیه مودّت است که شأن نزول آن را احمد بن حنبل روایت کرده است...

و به جز علی علیه السلام از صحابه و آن سه تن، دوستی هیچ کس لازم نیست، پس علی والاتر است. پس همو رهبر و امام می‌باشد و رویارویی و درگیری با او هیچ گاه با دوست داشتن او و سازگاری ندارد و با انجام دستورات او، مهرورزی به او صورت می گیرد. بنابراین، پیروی و فرمان برداری از او لازم می‌شود که همان معنای امامت است. «۲»

۳. دوستی مطلق (همه جانبه) باعث برتری در تمام جهات ... ص: ۲۰۵

علی علیه السلام کسی است که دوستی او از همه جهات واجب

---

(۱). نهج الحق: ۱۷۵.

(۲). منهاج الکرامه: ۷۴. (نسخه‌ای که در انتهای جلد دوم منهاج السنه به چاپ رسیده است).

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۶

و لازم شده است. این یک مقدمه و مقدمه دوم این که: و هر کس دوستی با او این گونه مورد سفارش خداوند قرار بگیرد همو از دیگران محبوب‌تر و دوست داشتنی‌تر است و مقدمه سوم این که: هر کس نزد خدا و رسول محبوب‌تر باشد، او از دیگران افضل است و مقدمه چهارم این که: هر کس این گونه باشد امام و رهبر است. پس علی علیه السلام امام و رهبر بعد از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌باشد.

اما مقدمه نخست روشن و به طور کامل از آیه استفاده می‌شود.

و مقدمه دوم نیز روشن است. از احادیثی که بیان‌گر محبوب‌ترین شخص نزد خداوند و پیامبرش می‌باشد، حدیث طائر است؛ زیرا وقتی به پیامبر گرامی اسلام پرنده بریانی پیشکش شد، فرمودند:

اللهم ائتنی بأحبّ خلقک إلیک؛

خداوندا! بهترین بندگان خود را برای من بفرست.

پس علی علیه السلام آمد و به همراه ایشان از آن غذا تناول فرمودند.

این حدیث را بسیاری از صحابه پیامبر روایت نموده‌اند، مانند:

۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام،

۲. عبداللَّه بن عباس،

۳. ابوسعید خدری،

۴. سفینه،

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۷

۵. ابوطفیل عامر بن واثلة،

۶. انس بن مالک،

۷. سعد بن ابی وقّاص،

۸. عمرو بن عاص،

۹. ابومرازم یعلی بن مرّه،

۱۰. جابر بن عبداللَّه انصاری،

۱۱. ابورافع،

۱۲. حبشی بن جناده.

و از تابعین «۱» دهها تن از بزرگان روایت کرده‌اند و از بزرگان معروف و مشهور در هر قرن نیز افراد بسیاری آن را نقل نموده‌اند، مانند:

ابوحنیفه (پیشوای حنفی‌ها)،

احمد بن حنبل (پیشوای حنبلی‌ها)،

ابی حاتم رازی،

ابوعیسی ترمذی،

ابوبکر بزاز،

---

(۱). راویان حدیث از صحابه را تابعی گویند.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۸

ابوعبدالرحمان نسائی،

ابوالحسن دارقطنی،

ابوعبداللَّه حاکم نیشابوری،

ابوبکر ابن مردویه،

ابونعیم اصفهانی،

ابوبکر بیهقی،

ابوعمر بن عبدالبر،

ابومحمّد بغوی،

ابوالحسن عبدری،

ابوالقاسم ابن عساکر،

ابن جحر عسقلانی،

جلال الدین سیوطی و...

خلاصه این که این روایت به روشنی نشان می‌دهد که علی علیه السلام از تمام بندگان نزد خداوند و پیامبرش دوست داشتنی‌تر است. «۱»

---

(۱). این روایت جلد ۱۳ و ۱۴ از کتاب بزرگ ما: نفحات الأزهار فی خلاصهٔ طبقات الأنوار فی إمامهٔ ائمهٔ الأطهار را تشکیل می‌دهد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۰۹

مقدمه سوم نیز بسیار روشن است؛ چرا که بسیاری از علمای اهل سنّت به آن تصریح دارند؛ حافظ قسطلانی و ابن حجر مکّی از ولی الدین ابن عراقی این گونه روایت کرده‌اند:

دوستی و مهرورزی دینی با برتری آن فرد ملازمه دارد. پس هر کسی برتر باشد مهرورزی دینی ما به او بیشتر خواهد بود. «۱» فخر رازی نیز در تفسیر آیه: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونی یُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛ «بگو: اگر خداوند را دوست دارید پس مرا پیروی نمایید تا خداوند شما را دوست بدارد» می‌گوید: منظور از دوستی خداوند به انسان این است که به او ثواب عطا کند. «۲» بدیهی است هر کس نزد خداوند دوست داشتنی‌تر است ثواب او بیشتر خواهد بود و هر کس ثوابش بیشتر باشد، ناگزیر همو برترین خواهد بود.

پیش‌تر گفتیم که علامه حلّی رحمه اللَّه می‌نویسد: دوستی با غیر علی علیه السلام یعنی با آن سه نفر واجب، نیست.

ابن تیمیّه در این باره گوید: این گفتار در نزد بیشتر علمای

---

(۱). مواهب اللدنیّه بالمنح المحمّدیه، الصواعق المحرقه: ۹۷.

(۲). تفسیر رازی: ۸/ ۱۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۰

اهل سنّت باطل است؛ بلکه دوستی این سه تن نزد اهل سنّت از دوستی علی لازم‌تر است؛ زیرا لزوم دوستی و مهرورزی به اندازه برتری است، پس هر که برتر باشد دوستی ما با او کامل‌تر خواهد بود...

از طرفی، در روایت صحیح آمده که عمر در روز سقیفه به ابوبکر گفت: تو سرور ما و بهترین و دوست داشتنی‌ترین فرد ما نسبت به پیامبر خدا هستی. «۱» تفتازانی نیز در این باره اظهار نظر کرده است. وی می‌گوید: با توجه به ادله افضلیت ابوبکر و عمر می‌توان «أحبّ خلقک» را تخصیص زد. «۲» به هر حال، این مقدمه نیز بسیار روشن است و هیچ کس در آن اختلاف و ناسازگاری ندارد.

اما برای مقدمه چهارم، دلیل‌های عقلی و نقلی بسیاری داریم و بیشتر بزرگان اهل سنّت اعتراف دارند تا آن جا که روایاتی را از صحابه پیامبر روایت نموده‌اند که آن‌ها را در بخش شبهات آورده‌ایم. شریف جرجانی درباره شورا و این که چرا مشورت فقط در این شش نفر قرار

---

(۱). منهاج السنه: ۷/ ۱۰۶ و ۱۰۷. گفتنی است که این سخن از نظر سند و دلالت مردود است.

(۲). شرح المقاصد: ۵/ ۲۹۹. روشن است که هیچ دلیل با ارزشی بر این برتری وجود ندارد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۱

داده شده، گفته است: «علّت این که عمر شورا را فقط در بین آنان قرار داد، برای این بود که آنان را از دیگران برتر می‌دانست و برای امامت و مهتری فقط آنان را شایسته دید». «۱» ابن تیمیّه به گروه بسیاری از دانشمندان نسبت داده که رهبری و سروری فردی که برتری ندارد، در حالی که شخص برتری وجود دارد، ستم بزرگی است.

محب الدین طبری گوید: «اعتقاد ما این است که هیچ گاه ولایت برای کسی که برتری ندارد با وجود فرد برتر، برقرار نمی‌شود». «۲» البته علمای دیگر نیز این گونه گفته‌اند ... و به آوردن گفتار آنان نیازی نیست. و علامه حلّی رحمه اللَّه در گفتار گذشته‌اش به این جهت اشاره نموده است و محقق طوسی رحمه اللَّه در دلیل‌های افضلیت (برتری) امیر مؤمنان علی علیه السلام گفته است: «لزوم مهرورزی به او».

علامه در توضیح این عبارت می‌نویسد:

این نوزدهمین جهت بحث می‌باشد و شرح آن این گونه است:

به راستی فقط دوستی و مهرورزی علی علیه السلام لازم و بایسته

---

(۱). شرح المواقف: ۸/ ۳۶۵.

(۲). الرياض النضره: ۱/ ۲۱۶، باب خلافت ابوبکر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۲

است؛ نه دیگر صحابه پیامبر، پس همو برترین صحابه می‌شود.

آن گاه به شرح مقدمه نخست می‌پردازد و می‌نویسد:

حضرت علی علیه السلام از خویشاوندان (قربی) پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله بوده است، پس مهرورزی به او لازم می‌باشد؛ چرا که خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»؛ «۱»

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

۴. لزوم دوستی مطلق (همه جانبه) باعث پاکدامنی و ناآلودگی ... ص: ۲۱۲

هم‌چنین دستور به مهرورزی ایشان به طور مطلق بر عصمت آنان دلالت دارد و زمانی که عصمت ثابت شود، امامت و رهبری ایشان ثابت می گردد و این مطلب روشن است.

اما دستور مهرورزی مطلق به ایشان- که بر اطاعت مطلق دلالت دارد- دلیل بر پاکدامنی و ناآلودگی کامل آنان است.

در این باره گفتار رازی در تفسیر آیه: «أَطيعُوا اللَّهَ وَأَطيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «خدای را فرمان برید و پیامبر و صاحبان امر

---

(۱). کشف المراد: ۳۱۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۳

خویش را فرمان برید» بس است. متن گفتار فخر رازی این گونه است:

خداوند بلند مرتبه در این آیه به پیروی از صاحبان امر به صورت قطعی و حتمی فرمان داده است و هر کس خداوند به صورت قطعی به پیروی او فرمان داده است ناگزیر باید از هر گونه اشتباه و خطایی پاک باشد؛ زیرا اگر از اشتباه نگهداشته نباشد، در صورت اشتباه و کار ناشایسته، خداوند فرمان به پیروی او داده بود. پس همان فرمان خداوند به انجام اشتباه خواهد بود در حالی که اشتباه همواره مورد منع و بازداشت می‌باشد، پس به اجتماع امر و نهی در یک مطلب و در یک جهت منجر می‌شود که ناممکن است.

پس روشن شد که خداوند به پیروی از صاحبان امر به صورت قطعی و حتمی فرمان داده است و استوار گشت که هر کس خداوند به صورت قطعی به پیروی از او فرمان داده است باید پاک و ناآلوده از هر گونه اشتباه باشد و استوار گشت که صاحبان امر در این آیه به صورت قطعی معصوم (ناآلوده و پاک) هستند. «۱» به همین مقدار برای گواه از گفتار فخر رازی بسنده می‌نماییم، اما صاحبان امری که فرمان داده شد تا از آنان پیروی کنیم چه کسانی

---

(۱). تفسیر رازی: ۱۰/ ۱۴۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۴

هستند؛ سخن دیگری است که در جای خود باید به آن پرداخته شود.

کوتاه سخن این که لزوم پیروی و فرمان برداری مطلق (همه جانبه) که از لزوم مهرورزی مطلق (همه جانبه) به دست می‌آید باعث

پاکی و ناآلودگی کامل می‌شود و به این جهت بیشتر بزرگان و دانشمندان دینی ما به آن اشاره نموده‌اند.

بیاضی عاملی رحمه اللَّه در این باره گوید:

خداوند مزد پیامبری پیامبرش را در مهرورزی به خاندانش قرار داده است، در آیه‌ای می‌فرماید:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»؛ «۱»

بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

گفته‌اند: معنای قربا در فرمان برداری است؛ یعنی در پیروی و فرمان برداری نزدیکان.

در جواب می گوییم: قاعده زبان عربی این است که کلمه‌ای را در تقدیر نگیرند و اگر این تقدیر را قبول نماییم پس فرمان دوستی مطلق (همه جانبه) آنان فقط با پاکدامنی و منزّه بودن مطلق سازگار است.

---

(۱). کشف المراد: ۳۱۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۵

گفته‌اند: روی سخن در آیه با کفرورزان است؛ یعنی فرزندان و نسل مرا مواظبت نمایید که همان قبیله قریش باشند.

در جواب می گوییم: کفرورزان برای پیامبر هیچ مزدی را نمی‌پذیرند تا این که روی سخن قرار گیرند، علاوه بر این که تمام روایت‌های مورد قبول همه مسلمانان با هر دو جهت ناسازگار است، پس در صحیح بخاری آمده است «... ۱» سید شبّر رحمه اللَّه در این باره می‌نویسد:

لزوم مهرورزی باعث لزوم پیروی و فرمان برداری است؛ زیرا مهرورزی فقط با پاکدامنی و ناآلودگی همه جانبه لازم می‌آید؛ زیرا در صورت اشتباه از جانب آنان، از مهرورزی به آنان باید دوری شود.

همان گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

«لا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ ٱلْآخِرِ يُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»؛ «۲»

هیچ گاه گروهی را که به خداوند و روز قیامت باور دارند، نمی‌یابی که با دشمنان خداوند و پیامبرش دوستی داشته باشند.

---

(۱). الصراط المستقیم: ۱/ ۱۸۸.

(۲). سوره مجادله: ۵۸/ ۲۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۶

و همگان می گویند که هیچ کس غیر از خاندان پیامبر معصوم نیست، پس علی و دو فرزندش مهتران و سروران هستند. «۱»

بررسی و نقد شبهه‌ها ... ص: ۲۱۶

اینک به بررسی و نقد شبهاتی می‌پردازیم که پیرامون دلالت آیه بر امامت ایراد شده است.

سید شهید شوشتری رحمه اللَّه سخنی را در ردّ ابن روزبهان دارد؛ همو که بر گفتار علامه حلّی رحمه اللَّه ایراد گرفته است.

ابن روزبهان گوید: ما می گوییم: مهرورزی بر او بر هر مسلمانی لازم است و مهرورزی هم با پیروی و فرمان برداری همراه است، ولی هر کسی که مورد اطاعت قرار می گیرد، لازم نیست دارای رهبری و امامت کبرا باشد.

سید شهید شوشتری رحمه اللَّه در پاسخ می گوید:

گفته او که آیه بر خلافت حضرت علی علیه السلام دلالت ندارد؛ از روی نادانی کامل یا نادانی نمایی خالص است؛ زیرا دلالت آیه

بر لزوم مهرورزی به امیر مؤمنان علی علیه السلام به طور کامل روشن و واضح است، چنان که خداوند پاداش پیامبری که باید همیشگی باشد،

---

(۱). حق الیقین فی معرفه اصول الدین: ۱/ ۲۷۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۷

مهرورزی به نزدیکان و خاندان قرار داده است و این فقط با عصمت مطلق آنان سازگار است؛ زیرا در صورت اشتباه از جانب آنان، مهرورزی به ایشان ناروا می گردد؛ همان گونه که می‌فرماید:

«لا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»؛ «۱»

گروهی را نمی‌یابی که به خداوند و روز واپسین ایمان داشته باشند و کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند ... دوست بدارند.

پس فقط امیر مؤمنان علی علیه السلام به نظر همگان پاك و دارای عصمت مطلق می‌باشد، پس به اثبات رسید که همو امام و مهتر است.

و از طرفی، ابن حجر در باب یازدهم الصواعق المحرقه از پیشوای شافعی خودشان بر خلاف میل دشمنان اهل بیت علیهم السلام شعری را این گونه می‌آورد:

یا أهل بیت رسول اللّه حبّکم فرض من اللّه فی القرآن أنزله

کفاکم من عظیم القدر أنّکم من لم یصلّ علیکم لا صلاهْ له

ای خاندان پیامبر خدا! دوستی شما واجبی از جانب خداوند است که در قرآن آمده است.

همین بس در بلندای مرتبت و مقام شما که هر نمازگزاری بر شما درود و صلوات نفرستد، گویا نماز نخوانده است.

افزون بر این، دلیل آوردنِ شیعیان در مقابل سنیان بایسته و لازم نیست؛ بلکه استحبابی است. زیرا تمامی اهل سنّت به همراه شیعیان بر امامت و سروری ایشان بعد از پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله هم نظر هستند و اهل سنّت فقط کسانی را واسط و بینابین قرار می‌دهند و شیعیان آن‌ها را قبول ندارند و دلیل آوردن به عهده کسی است که واسطه بودن را ادّعا می کند؛ نه بر منکر آن. مگر این که امامت او را- با از بین بردن اجماع (اتفاق نظر همگان)- از ریشه نپذیرند. در این صورت بر شیعه بایسته می‌شود که دلیل بیاورند و خداوند همواره به سوی راه درست هدایت می‌نماید. «۱» شیخ مظفر رحمه اللّه نیز پس از سخنی در پاسخ ابن روزبهان می گوید: پس روشن شد که معنای آیه فقط چهار نور پاك هستند و این آیه

---

(۱). احقاق الحق فی الردّ علی ابن روزبهان: ۳/ ۲۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۱۹

بر افضلیت و برتری، عصمت و برگزیدگی آن‌ها از جانب خدا دلالت می‌نماید؛ زیرا اگر این گونه نبودند فقط مهرورزی به آنان بایسته نمی‌شد و دوستی آنان در حدّی نبود که مانند نداشته باشد؛ زیرا پاداش و بهای پیامبری قرار گرفته که هیچ حق و پاداشی مانند آن نیست. از این رو خداوند دوستی نزدیکان و خاندان نوح و هود را پاداش و مزد پیامبری آنان قرار نداده است؛ بلکه به نوح فرموده است:

«وَيا قَوْمِ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مالًا إِنْ أَجرِيَ إِلّا عَلَى اللَّهِ»؛

ای قوم من، از شما هیچ مالی نمی‌خواهم و پاداش من فقط بر عهده خداوند است.

هم‌چنین به هود فرمود:

«يا قَوْمِ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِىَ إِلّا عَلَى الَّذى فَطَرَنى أَ فَلا تَعْقِلُونَ»؛

ای قوم من، از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهم و پاداش من فقط بر عهده خداوندی است که مرا آفرید، آیا درك نمی‌کنید؟

بنابراین، امامت در خاندان پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه وآله مخصوص و محدود شده است؛ زیرا هیچ گاه مهتری کسی که برتری ندارد بر فرد برتر درست نمی‌باشد؛ به خصوص با وجود چنین برتری روشن و بلندمرتبه‌ای.

افزون بر آن چه که گفتیم لزوم مهرورزی مطلق (همه جانبه) باعث لزوم پیروی و اطاعت مطلق می‌باشد؛ زیرا سرپیچی و نافرمانی کردن با دوستی مطلق (همه جانبه) سازگار نیست و لازمه پیروی مطلق، پاکی و ناآلودگی کامل است که شرط امامت و مهتری می‌باشد و هیچ معصومی- بنابر نظر همگان- جز آن بزرگواران وجود ندارد. پس امامت و سروری در آنان منحصر می‌شود؛ مخصوصاً که خداوند اطاعت آن‌ها را بر جمیع افراد امّت واجب کرده است.

و یاران پیامبر دلالت آیه را بر امامت و مهتری می‌فهمیدند، از این رو بعضی از آنها پیامبر صلی اللّٰه علیه وآله را متهم نمودند و گفتند: او می‌خواهد ما را بعد از خود به نزدیکانش ترغیب نماید و آن‌ها را به مهتری ما برگزیند، آن سان که در روایات گذشته خواندیم. «۱» از طرف دیگر، هر شخصی که دارای فهم است آن معنا را از آیه دریافت می‌دارد؛ ولی اهل سنّت از اذعان و اقرار بر حقیقت و پرداخت پاداش پیامبری امتناع ورزیدند و هر گاه از آنان، جمله‌ای درست بروز کند قوم گرایی و تعصّب او را رها نمی‌کند تا این که سخنی بر خلاف آن بگوید «... ۲»

---

(۱). ر. ك: المعجم الكبير: ۱۲/ ۲۶ و دیگر مصادر.

(۲). دلائل الصدق لِنهج الحق: ۲/ ۱۲۵- ۱۲۶.

و با دقت در جهاتی که آورده‌ایم و بزرگان ما به روشنی آن‌ها را گفته‌اند، پاسخ گفتار سعد تفتازانی- هنگامی که همان دلایل ما را در برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام آورده است- روشن می‌شود، آن جا که می گوید:

کسانی که به برتری علی علیه السلام باور دارند به قرآن، سنّت و عقل چنگ زده‌اند. آنان نخستین آیه‌ای که می‌آورند این است که می‌فرماید:

«فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَأَبْناءَكُمْ وَنِساءَنا وَنِساءَكُمْ وَأَنْفُسَنا وَأَنْفُسَكُمْ »؛ «... ۱»

بگو: بیایید فرزندانمان و فرزندانتان را و زنانمان و زنانتان و خودمان و خودتان را دعوت نماییم...

آیه دیگر، آن جا که می‌فرماید:

«قُلْ لاأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِى الْقُرْبى».

آن گاه این روایت را می‌آورند که سعید بن جبیر گوید: هنگامی که این آیه فرود آمد، گفتند: ای پیامبر خدا! اینان چه کسانی هستند که ما آنان را دوست بداریم؟

پیامبر فرمودند:

---

(۱). سوره آل عمران: آیه ۶۱.

علی وفاطمة وولداها؛

علی و فاطمه و دو فرزندش.

تردیدی نیست که هر کس دوستی با او لازم باشد به حکم روشن قرآن همو برترین است.

هم‌چنین برتر کسی است که یاری او به پیامبر در آیه شریفه با عطف بر نام خداوند و جبرئیل ثابت شده و کلمه «صالح المؤمنین» را برای او به کار برده‌اند. آن جا که می‌فرماید:

«فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَجِبْرِيلُ وَصالِحُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ «۱»

پس به راستی فقط خداوند و جبرئیل و مؤمنان شایسته، یار و پشتیبان او هستند.

از ابن عباس روایت شده است که منظور از مؤمنان شایسته، علی علیه السلام است...

تفتازانی پس از نقل دلیل شیعیان به پاسخ آن می‌پردازد و می‌نویسد:

پاسخ این است که در فراگیری خوبی‌ها و برتری‌های فراوان حضرت علی علیه السلام و ممتاز بودنش به بزرگواری‌های بسیار هیچ تردیدی نیست؛ ولی هیچ کدام از این‌ها به معنای برتری و بزرگی نزد

---

(۱). سوره تحریم: آیه ۴.

خداوند نیست، بعد از این که ثابت شده از اتفاق نظر مسلمانان- که جاری مجرای اجماع است- بر برتری ابوبکر سپس عمر و اقرار علی علیه السلام به این برتری (!)

علاوه بر این که در این فضایل گفته شده اشکالاتی هست که بر دانش آموختگان این علم پنهان نیست، مانند این که معنای «انفسنا» خود پیامبر است؛ همان گونه که گفته می‌شود: خود را دعوت نمودم و این که لزوم مهرورزی و قطعی بودن نصرت- بنابر تحقق آن- درباره علی علیه السلام فقط به او مخصوص نمی‌باشد. «۱» در پاسخ او می‌گوییم: فهمیدی که آیه مبارکه بر لزوم دوستی علی علیه السلام و لزوم دوستی مطلق (همه جانبه) به معنای این است که او نزد خداوند و پیامبرش از همه محبوب‌تر و دوست داشتنی‌تر است و هر که دوست داشتنی‌تر باشد همو برتر است.

و هم‌چنین لزوم دوستی مطلق (همه جانبه) باعث پاکی و عصمت می‌شود که لازمه امامت و سروری است.

و امّا ادعای برتری ابوبکر و عمر «اول الکلام» است ... مانند ادّعای مخصوص نبودن امیر مؤمنان علی علیه السلام بر آن فضایل ذکر

---

(۱). شرح مقاصد: ۵/ ۲۹۵- ۲۹۹.

شده؛ زیرا همگان اتفاق نظر دارند که ابوبکر و عمر معصوم و پاک از خطا نبوده‌اند.

ابن تیمّیه در این باره بسیار آشفته و پریشان شده است. او می‌گوید: «ما قبول داریم که دوستی و مهرورزی و موالات علی علیه السلام بدون دلیل آوردن از آیه لازم است؛ ولی در این لزوم موالات و دوستی دلیلی که باعث اختصاص امامت و رهبری به او شود، نیست.

و اما این که بگوییم: دوستی آن سه نفر واجب و لازم نیست، پس این کلام ممنوع است؛ بلکه دوستی و موالات آن‌ها نیز واجب است؛ زیرا ثابت شده است که خداوند آنان را دوست می‌داشت و هر کس را خداوند دوست بدارد بر ما واجب است او را دوست بداریم. پس دوستی و دشمنی برای خدا، لازم و این محکم‌ترین دستاویز ایمان است و آن‌ها نیز از بزرگان دوستان خداوند و

پرهیزگاران بودند و خداوند موالات آنان را لازم کرده؛ بلکه به تصریح قرآن ثابت شده است که خداوند از آنان راضی و آنان نیز از خداوند راضی و خشنود گشتند و هر کس خداوند از او خشنود گردد او را دوست می‌دارد و خداوند پرهیزگاران، نیکوکاران، دادگران و صبرکنندگان را دوست می‌دارد». «... ۱»

---

(۱). منهاج السنه: ۷/ ۱۰۳ و ۱۰۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۲۵

به راستی که ابن تیمیّه خود را محکوم نموده است؛ زیرا اعتراف به لزوم دوستی پرهیزگاران، نیکوکاران، دادگران و صبرکنندگان ؛...

بلکه تمام مؤمنان نموده است؛ زیرا هیچ کس این مطالب را انکار نمی‌نماید، و چه کسی می‌گوید که مؤمن اگر حقیقتاً باایمان باشد، لازم نیست او را دوست بداریم؛ به خصوص اگر از اهل پرهیزگاری و نیکوکاری و صبر باشد؟!

ولی تمامی سخن در دوستی مطلق (همه جانبه) است و محبوب‌ترین نزد خداوند و پیامبرش می‌باشد که باعث برتری و پاکی و عصمت و لزوم پیروی و فرمانبرداری می‌شود ... و این همان ویژگی‌هایی است که در غیر از امیر مؤمنان علی علیه السلام یافت نمی‌شود؛ به خصوص پاکی و عصمت؛ زیرا اتفاق همگان بر این است که در دیگران یافت نمی‌شود.

سپس ابن تیمیّه شروع به استدلال به روایت‌هایی نموده که اهل سنّت در معرفی محبوب‌ترین فرد نزد رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله، نقل می‌نمایند که روایت می‌کنند نزد پیامبر عائشه از همه دوست داشتنی‌تر بود و گفته شده: از مردان چه کسی؟ فرموده‌اند: پدرش (!)

و این که عمر در روز سقیفه به ابوبکر گفت: تو آقای ما و بهترین ما و دوست داشتنی‌ترین ما نزد پیامبر خدا هستی؟

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۲۶

البته هر خردمندی می‌فهمد که استدلال به این روایت‌ها چه اشکالات زیادی دارد.

آلوسی از این جهت که به این روایت‌ها استدلال ننموده کار نیکویی کرده است؛ بلکه روش عبدالعزیز دهلوی را پیش گرفته و بر آن تکیه نموده است، ولی تمامی گفتار دهلوی را نیاورده و آخر آن را رها کرده است که به زودی به آن اشاره خواهیم کرد.

آلوسی در این باره گوید:

و بعضی از شیعیان آیه مودّت را در استدلال به امامت و سروری علی علیه السلام آورده‌اند و گفته‌اند: دوستی علی علیه السلام لازم است و دوستی هر کس لازم باشد، فرمان برداری و پیروی از وی واجب می‌شود و فرمان برداری از هر کس لازم باشد، مهتری و امامت او روشن است و در نتیجه علی علیه السلام مهتر و سرور است.

البته اشکال این گفتار از چند جهت بر کسی مخفی نیست:

نخست آن که استدلال به آیه در ابتدای گفتارشان زمانی درست می‌شود که معنای آیه این گونه باشد که «از شما هیچ مزدی نمی‌خواهم مگر این که نزدیکان و خاندان مرا دوست بدارید» و بیشتر علما بر خلاف این معنا را گفته‌اند و بعضی آن را بی‌احترامی به ساحت پیامبر دانسته‌اند. زیرا بیشتر دنیاداران خدمات و کارهایی انجام می‌دهند

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۲۷

و چیزی را در عوض آن می‌خواهند که به سود فرزندان و خاندانشان می‌باشد.

هم‌چنین با آیه دیگر اندکی منافات دارد، آن جا که می‌فرماید:

«وَما تَسْئَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»؛ «۱»

و تو هیچ گاه بر آن [رسالت و پیامبری] از آن‌ها اجر و پاداشی نمی‌خواهی.

دوّم آن که ما قبول نداریم دوستی هر کس لازم باشد، پیرویش نیز لازم باشد؛ زیرا ابن بابویه (شیخ صدوق) در کتاب اعتقادات خود گفته است: شیعه بر لزوم دوست داشتن علویان اتفاق نظر دارند، با این که فرمان برداری و پیروی از همه آنان را لازم نمی‌دانند.

سوم آن که ما قبول نداریم پیروی و فرمان برداری از هر کس لازم باشد، مهتر و سرور باشد؛ یعنی ریاست و رهبری کل به او برسد، وگرنه هر پیامبری در زمان زندگانی خود به آن می‌رسید. از طرفی خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَکُمْ طالُوتَ مَلِکًا»؛ «۲»

به راستی خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت.

---

(۱). سوره یوسف: آیه ۱۰۴.

(۲). سوره بقره: آیه ۲۴۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۲۸

و همین آیه با چنین دیدگاه، سازگار نیست.

پس آیه اقتضای صغرای استدلال را دارد که عبارت از لزوم اطاعت است و زمانی که صغرای استدلال این باشد آن نتیجه‌ای را که ذکر می‌کنند نخواهد داشت؛ حتی اگر همه آن مقدمات استدلال را بپذیریم. بلکه نتیجه این گونه می‌شود که خاندان پیامبر، مهتران و امامان هستند، در صورتی که آنان به صورت فراگیر آن را نمی‌پذیرند.

البته اشکالات دیگری نیز وجود دارد که باید بیشتر دقت کنی و غافل نشوی. «۱» گفتنی است که آن چه گفته شد عین گفتار دهلوی است که در تحفه اثنا عشریه آمده است. دهلوی بعد از این گفتار به روایت‌های مختلفی استدلال کرده است.

دهلوی گوید: ابوطاهر سلفی در مشیخه خود از انس روایت کرده که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرموده است: «دوستی ابوبکر و سپاس از او بر همه امّت من لازم است».

نظیر این روایت را ابن عساکر از او و به طریق دیگر از سهل بن سعد ساعدی روایت کرده است.

---

(۱). روح المعانی: ۲۹/ ۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۲۹

روایت دیگری را حافظ عمر بن محمّد بن خضر ملّا در کتاب تاریخ خود از پیامبر آورده است که آن حضرت فرمود: «خداوند بر شما دوستی ابوبکر و عمر و عثمان و علی را واجب و لازم دانسته همان گونه که نماز، روزه و حج را واجب و لازم کرده است».

ابن عدی از انس از پیامبر صلی اللَّه علیه وآله روایت کرده است که فرمود: «دوستی ابوبکر و عمر ایمان و دشمنی آنان، دورویی و نفاق است».

نظیر این روایت را ابن عساکر از جابر روایت کرده است.

روایت دیگری را ترمذی نقل می‌کند که جنازه‌ای را نزد پیامبر آوردند، ولی ایشان بر آن نماز نگزاردند و فرمودند: «او عثمان را دشمن می‌داشت، پس خداوند نیز او را دشمن می‌دارد».

سپس دهلوی متوجه شده که شیعیان را نمی‌توان به روایت‌های که فقط اهل سنّت نقل می‌کنند، مجبور کرد، از این رو در این باره گفته است: اگر چه این روایت‌ها فقط در کتاب‌های اهل سنّت یافت می‌شود، ولی چون شیعیان خواسته‌اند اهل سنّت را به روایت

خودشـان وادار نماینـد؛ پس نـاگزیر هستیم تمـام روایت‌هـای اهل سنّت را از نظر بگـذرانیم و با یک روایت نمی‌توان آنان را وادار نمود.

و اگر بخواهند دایره استدلال را بر ما تنگ بگیرند، می‌توان لزوم

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۰

دوستی هر سه خلیفه‌ای را در برابر جنـگ کننـدگان بـا مرتـدّان اثبـات نمود و این سه تن، بزرگـانی بودنـد که در برابر بی‌دینان قرار گرفتند و خداوند هر کس را دوست بدارد، دوستی او لازم است و از این گونه قیاس‌ها. «۱» در جواب دهلوی باید گفت:

روشن است که نمی‌توان طرف مقابل را در بحث ملزم کرد مگر با آن چه خود او می‌پذیرد و روایت می‌نماید، یا هر دو بر آن اتفاق نظر دارنـد. این در صـورتی است که روایـتی را استدلال‌گر آورده که نزد خودش درست باشـد و اگر نزد خود آن‌هـا این روایت‌ها مورد پذیرش نباشد چگونه می‌توان طرف مقابل را به پذیرش وادار نمود؟

و ای کاش دهلوی مانند ابن تیمیّه به دو کتاب بخاری و مسلم که به دو کتاب صحیح و درست معروف شده‌اند، دلیل می‌آورد؛ زیرا همه روایت‌هـایی که دهلوی آورده است به تمامی از ناحیه سـند بی‌ارزش و باطل هسـتند و به این دلیل آلوسـی از نقل این روایت‌ها روی گردانیده است.

بهترین این روایت‌هـا، روایتی است که ترمـذی در صـحیح خود- که یکی از کتاب‌های شـش گانه اهل سنّت می‌باشـد- نقل نموده است که

---

(۱). تحفه اثنا عشریه: ۲۰۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۱

پیامبر صلی اللَّه علیه وآله از نماز بر جنازه‌ای خودداری کرد.

ترمذی گوید: فضل بن ابوطالب بغدادی و دیگران گفته‌اند:

عثمان بن زفر، از محمّـد بن زیاد، از محمّـد بن عجلان، از ابی زبیر، از جابر روایت کرده است که روزی جنازه‌ای را نزد پیامبر خـدا صلی اللَّه علیه وآله آوردنـد تا بر آن نماز بگزارد، ولی ایشان بر آن نماز نخواندند. از ایشان پرسـیدند: ای پیامبر خدا! ما ندیدیم قبل از این نماز بر کسی را ترک نمایید؟!

فرمودند: او عثمان را دشمن می‌داشت، پس خداوند نیز او را دشمن داشت.

ولی این روایت از ناحیه سند بی‌ارزش است؛ حتّی نزد راوی آن ترمذی. وی پس از نقل این روایت می‌گوید:

هذا حدیث غریب لا نعرفه إلّامن هذا الوجه، ومحمّد بن زیاد صاحب میمون بن مهران ضعیف فی الحدیث جدّاً؛ «۱»

این روایت غریب است و تـا کنـون به غیر از این طریق این گونه روایـتی را ندیـده‌ایم و محمّـد بن زیـاد یکی از راویـان آن دوسـت میمون بن مهران است که در نقل روایت بسیار سست و بی‌پایه است.

---

(۱). صحیح ترمذی: ۵/ ۵۸۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۲

جـالب ایـن کـه ابن جـوزی این روایت را در زمره روایت‌هـای جعلی از دو طریـق آورده و گفته است: «هر دو طریـق نقـل روایت به محمّد بن زیاد می‌رسد که احمد بن حنبل درباره او گفته است:

محمّد بن زیاد دروغگو و بسیار پلید بود و جعل حدیث می‌کرد.

یحیی درباره او گفته است: او دروغگویی پلید است.

سعد و دارقطنی درباره او گفته‌اند: او دروغگو است.

بخاری، نسائی، فلاس و ابوحاتم درباره او گفته‌اند: روایت او متروک است.

ابن حبّان گفته است: محمّد بن زیاد روایت را بر افراد مورد اعتماد می‌بست و آوردن نام او مگر برای طعن و بدگویی به او روا نیست». «۱» بنابراین، علت این که ترمذی گفت: «او جدّاً ضعیف است» روشن می‌شود.

البته او تمام حقیقت را نگفته است و آلوسی کار بسیار درستی انجام داده است که به این روایت‌ها دلیل نیاورده و آن چه آورده از دهلوی بهتر است.

از این رو، از دهلوی بسیار باید شگفت‌زده شد که چگونه به

---

(۱). موضوعات: ۲/ ۳۳۲- ۳۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۳

این گونه روایتی دلیل می‌آورد و می‌خواهد شیعه را به آن وادار نماید، آن هم در یک مسأله اصلی و پایه‌ای دینی؟

البته اگر فرصت اجازه می‌داد وضع دیگر روایت‌ها را نیز روشن می‌نمودیم؛ ولی وقتی وضع بهترین آن‌ها این گونه است، به نقل دیگر روایت‌ها نیازی نیست.

اینک به جهاتی که آلوسی با دهلوی همراهی نموده است باز گردیم و آن‌ها را باطل نماییم، پس می گوییم:

پاسخ دلیل نخست: صغرای استدلال ما تمام و درست است همان طور که به صورت کامل گفتیم و مزد خواهی فقط بنابر نظریه استثنا متصل می‌باشد و حقیقت این اجر را دانستی که بازگشت آن به خود مسلمانان است. پس هیچ تردید و نسبت ناروایی در میان نیست؛ ولی اگر استثنا منقطع باشد، هیچ اشکالی دیگر نیست.

پاسخ دلیل دوم: شیعیان بر لزوم دوستی علویان بلکه هر مؤمنی از مؤمنان اتفاق نظر دارند، ولی آیه شریفه به معنای دوستی مطلق با علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام است. پس هیچ اختلافی نیست و از این روست که هیچ کس از آنان به لزوم دوستی مطلق (همه جانبه) غیر از این چهار نور پاک و امامانی دیگر نظر نداده است...

و گفتار ما در دوستی مطلق (همه جانبه) است، نه فراگیری دوستی، پس

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۴

آن چه گفته‌اند یا نادانی است یا نادانی نمایی.

پاسخ دلیل سوم: جواب آن از مطالب گفته شده روشن است.

پس ما دوستی مطلق و همه جانبه‌ای را که باعث پاکی و عصمت است اراده می‌کنیم. بنابراین هر گاه عصمت یافت شود، ریاست و امامت کبرا همراه آن خواهد بود و اگر نباشد، آن هم نخواهد بود.

پاسخ دلیل چهارم: جواب آن نیز از آن چه گفتیم روشن می‌شود.

آن چه گذشت همه مطالبی بود که در تفسیر این آیه شریفه و چگونگی معنای آن بر مهتری و سروری امیر مؤمنان علی و خاندان پاکش علیهم السلام آمده است. خداوند متعال در ادامه آیه می‌فرماید:

«وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً»؛

و هر که نیکویی ورزد و طاعتی به جا آورد برای او در ثواب آن خواهیم افزود.

معنای آن، همان دوستی و مهروزی است، همان گونه که از امامان پاک خاندان پیامبر روایت شده است، مانند امام حسن علیه

السلام نواده پاکیزه پیامبر که در سخنرانی که بیان فرموده و حاکم نیشابوری آن را روایت نموده است و همچنین بیشتر تفسیرهای اهل سنّت که آن را از ابن عباس، سدی و دیگران نقل نموده‌اند.

قرطبی می گوید: «آیه «وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً» به معنای به

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۵

دست آوردن می‌باشد و ریشه «قرف» به معنای اندوختن و به دست آوردن است.

ابن عباس در این باره می گوید: «نیکی» در آیه یاد شده، مهرورزی و دوستی خاندان محمّد علیهم السلام می‌باشد و «نَزِدْ لَهُ فيها حُسْنًا»؛ بر نیکی‌های آن می‌افزاییم» به این معناست که هر نیکی را ده برابر یا بیشتر می‌نماییم.

«إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»؛

همانا خداوند بخشاینده و ارزش شناس می‌باشد.

قتاده گفته است: بخشنده گناهان و ارزش شناس نیکی‌ها می‌باشد و سدّی گفته است: بخشاینده گناهان خاندان محمّد علیهم السلام و سپاسگزار نیکی‌های آنان. «۱» ابوحیّان در این باره می گوید: از ابن عباس و سدّی روایت شده است که منظور از «نیکی» دوستی و مهرورزی به خاندان پیامبر خدا علیهم السلام می‌باشد...

سدّی گفته است: بخشاینده گناهان خاندان محمّد و سپاسگزار و ارزش شناس نیکی‌های آنان. «۲»

---

(۱). تفسیر قرطبی: ۱۶/ ۲۴.

(۲). البحر المحیط: ۷/ ۵۱۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۶

و آلوسی نیز آن را از ابن عباس و سدّی روایت کرده است. «۱» آری، همین مقدار بس است و برای دل و جان بی‌دغل درمان و برای ادّعای حق، بسنده است. درود و صلوات الهی بر سرور و آقای ما محمّد و خاندان بزرگوار و پاکیزه و پاکش باد.

---

(۱). روح المعانی: ۲۵/ ۳۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۷

کتابنامه ... ص: ۲۳۷

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

الف

۳. ابطال الباطل: فضل اللّه بن روزبهان خنجی شیرازی.

۴. احقاق الحق: قاضی نور اللّه مرعشی شوشتری، کتابفروشی اسلامیه، تهران.

۵. الإرشاد فی معرفة حجج اللّه علی العباد: ابوعبداللّه محمّد بن محمّد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۶. إرشاد الساری: احمد بن محمّد بن ابو بکر قسطلانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۷. استجلاب ارتقاء الغرف: شمس الدین سخاوی.

۸. أسد الغابه: ابوالحسن علی بن محمّد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۹. أنساب الأشراف: سمعانی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۸

ب

۱۰. البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ابوحیان اندلسی، مؤسسهٔ تاریخ عربی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۱.

۱۱. بناء المقالهٔ الفاطمیهٔ فی نقض الرسالهٔ العثمانیه: سید جمال الدین احمد بن موسی بن طاووس حسنی حلّی رحمه اللَّه.

ت

۱۲. تاریخ ابن خلدون: ابن خلدون، دار الکتاب لبنانی.

۱۳. تاریخ اصفهان (ذکر اخبار اصفهان): ابونعیم احمد بن عبداللَّه اصفهانی، مطبعهٔ بریل، سال ۱۹۳۴ م.

۱۴. تاریخ الطبری: محمّد بن جریر طبری، از منشورات کتابفروشی ارومیّه، قم، ایران.

۱۵. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۱۶. تاریخ مدینهٔ دمشق: ابن عساکر، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۵.

۱۷. التبیان فی تفسیر القرآن: شیخ طوسی رحمه اللَّه، مؤسسه نشر اسلامی، سال ۱۴۱۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۳۹

۱۸. تحفه اثنا عشریه: شاه عبدالعزیز دهلوی، نورانی، کتابخانه، پیشاور، پاکستان.

۱۹. تذکرهٔ الحفّاظ: ذهبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۲۰. تصحیح اعتقادات الإمامیّهٔ: ابوعبداللَّه محمّد بن محمّد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید.

۲۱. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر، دار المعرفه، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.

۲۲. تفسیر أبی السعود: قاضی القضاهٔ امام ابی سعود، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۲۳. التفسیر الکبیر: فخر رازی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۵ و دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

۲۴. تفسیر روح المعانی: شهاب الدین سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۵.

۲۵. تفسیر طبری (جامع البیان فی تفسیر القرآن): محمّد بن جریر طبری، دارالمعرفه، بیروت، سال ۱۴۱۲.

۲۶. تفسیر نسفی: (مدارک التنزیل) امام عبداللَّه بن احمد بن محمود نسفی، دار المعرفه، بیروت.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۰

۲۷. تفسیر نیشابوری (غرائب القرآن ورغائب الفرقان): نظام الدین نیشابوری، چاپ شده در حاشیه تفسیر طبری، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۲۸. تقریب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۵.

۲۹. تلخیص المستدرک: ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۳۰. تهذیب التهذیب: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۴۱۵ و دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۰۴.

۳۱. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال: جمال الدین ابی الحجّاج یوسف مزی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۵.

ج

۳۲. جامع الأُصول: مبارک بن محمّد شیبانی معروف به ابن الاثیر، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۷.

۳۳. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قُرْطُبی): محمّد بن احمد انصاری قرطبی، دار احیاء التراث عربی، افست از چاپ دوم.

۳۴. الجرح والتعدیل: ابن ابی حاتم رازی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۲۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۱

ح

۳۵. حدیث أصحابی النجوم: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۲۹.

۳۶. حق الیقین فی معرفه اصول الدین: سید عبداللّه شبّر.

۳۷. حلیهٔ الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

د

۳۸. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور: دار الکتب علمیّه، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۱.

۳۹. دلائل الصدق: شیخ محمّد حسن مظفر، دار المعلّم، قاهره، مصر، سال ۱۳۲۲.

۴۰. دلائل النبوه: ابونعیم احمد بن عبداللّه اصفهانی.

ذ

۴۱. ذخائر العقبی: محب الدین طبری، مکتبهٔ الصحابه، جدّه، الشرقیّه، مکتبهٔ التابعین، قاهره، مصر، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۴۲. الذرّیهٔ الطاهره: محمّد بن احمد انصاری رازی دولابی، تحقیق سیّد محمّد جواد حسینی جلالی، مؤسّسه نشر اسلامی، قم، ایران، سال ۱۴۰۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۲

ر

۴۳. الریاض النّضره: محبّ الدین طبری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

س

۴۴. السراج المنیر: شمس الدین محمّد احمد شربینی قاهری شافعی معروف به خطیب شربینی.

۴۵. سیر اعلام النبلاء: ذهبی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ نهم، سال ۱۴۱۳.

۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویّهٔ): ابن هشام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ش

۴۷. شرح المقاصد: تفتازانی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۰۹ و دار المعارف نعمانیه، پاکستان، چاپ اول سال ۱۴۰۱.

۴۸. شرح المواقف: سید شریف جرجانی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ اول، سال ۱۴۱۲.

۴۹. شرح المواهب اللدنیّه: قسطلانی، دار المعرفه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۳

۵۰. الشفا بتعریف حقوق المصطفی: قاضی عیاض، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۵۱. شواهد التنزیل: حافظ عبیداللّه بن احمد، معروف به حاکم حسکانی، مجمع احیاء الثقافهٔ الاسلامیه، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

ص

۵۲. صحیح بُخاری: محمّد بن اسماعیل بُخاری جُعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۵۳. صحیح تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۵۴. الصراط المستقیم إلی مستحقّی التقدیم: شیخ زین الدین علی بن یونس عاملی نباطی بیاضی، مکتبه مرتضویه.

۵۵. الصّواعق المُحرقة: احمد بن محمّد بن محمّد بن علی بن حجر هیتمی مکّی، تحقیق عبدالرحمان بن عبداللّه ترکی و کامل محمّد خرّاط، مؤسسه رسالت، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

ط

۵۶. الطبقات الکبری: محمّد بن سعد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۴

ع

۵۷. عمدة القاری: بدر الدین العینی، دار الفکر، بیروت، لبنان.

ف

۵۸. فتح الباری فی شرح صحیح البُخاری: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۰.

۵۹. فتح القدیر: محمّد بن علی بن محمّد شوکانی، عالم الکتب.

۶۰. فرائد السّمطین: ابراهیم بن محمّد حموئی جوینی خراسانی، مؤسسه محمودی، بیروت، لبنان، چاپ اول، سال ۱۳۹۸.

ک

۶۱. الکاف الشاف فی تخریج أحادیث الکشّاف: شهاب الدین احمد بن حجر عسقلانی (چاپ شده با الکشّاف)، مصر.

۶۲. الکامل: ابن اثیر، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۳۹۹.

۶۳. الکشّاف: امام زمخشری، دار الکتاب علمیّه، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۵.

۶۴. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: علامه حلّی، جامعه مدرسین، قم، سال ۱۴۰۷.

۶۵. کفایـة الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب علیهما السـلام: محمّـد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیـدریه، نجف اشـرف، سال ۱۳۹۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۵

۶۶. کنز العُمّال: متّقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

ل

۶۷. اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه: جلال الدین سیوطی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷ ه.

۶۸. لسان المیزان: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

م

۶۹. مجمع البیان: شیخ طبرسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۷۰. مجمع الزوائد: هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۷۱. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۷۲. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۷۳. مسند الصحابه: ابوسعید هیثم بن کلیب شاشی.

۷۴. المعجم الکبیر: سلیمان بن احمد لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۶

۷۵. مقاتل الطالبیّین: ابوالفرج اصفهانی، مکتبه حیدریه، نجف اشرف، چاپ دوم، سال ۱۳۸۵.

۷۶. مقدمه فتح الباری: ابن حجر عسقلانی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.

۷۷. مناقب علی بن ابی‌طالب علیهما السلام: احمد بن حنبل شیبانی.

۷۸. المنتظم فی تاریخ الملوک والامم: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، چاپ اول، سال ۱۴۱۳.

۷۹. منهاج السنهٔ النبویه: ابن تیمیّه حرانی، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۸۰. منهاج الکرامهٔ فی معرفهٔ الامامه: حسن بن یوسف بن مطهّر، معروف به علامه حلّی.

۸۱. الموضوعات: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۸۲. میزان الإعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

ن

۸۳. نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقایق، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، مهرورزی‌به‌اهل‌بیت، ... ص: ۲۴۷

و

۸۴. الوافی بالوفیات: صفدی، دار احیاء، بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۲۰.

۸۵. ینابیع الموده: قندوزی، منشورات شریف رضی، قم، سال ۱۴۱۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی

ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».